

کتاب حزقیال نبی

روایهای خدا

وروز پنجم ماه چهارم سال سیام، چون من در میان اسیران نزد نهر خابور بودم، واقع شد که آسمان گشوده گردید و روایهای خدا را دیدم.

۲ در پنجم آن ماه که سال پنجم اسیری یهو یا کین پادشاه بود، کلام یهوه بر حزقیال بن بوزی کاهن نزد نهر خابور در زمین کلدانیان نازل شد و دست خداوند در آنجا بر او بود.

پس نگرستم و اینک باد شدیدی از طرف شمال بر می آید و ابر عظیمی و آتش جهنده و درخشندگیای گرداگردش و از میانش یعنی از میان آتش، مثل منظر برنج تابان بود.

۵ و از میانش شبیه چهار حیوان پدید آمد و نمایش ایشان این بود که شبیه انسان بودند.

۶ و هر یک از آنها چهار روى داشت و هر یک از آنها چهار بال داشت.

۷ و پایهای آنها پایهای مستقیم و کف پای آنها مانند کف پای گوساله بود و مثل منظر برنج صیقلی درخشان بود.

۸ و زیر بالهای آنها از چهار طرف آنها دستهای انسان بود و آن چهار روى و پاهای خود را چنین داشتند.

۹ و بالهای آنها به یکدیگر پیوسته بود و چون میرفتند رومی یافتند، بلکه هر یک به راه مستقیم میرفتند.

۱۰ و اما شباهت رویهای آنها این بود که (آنها روى انسان داشتند و آن چهار روى شیر بطرف راست داشتند و آن چهار روى گاو بطرف چپ داشتند و آن چهار روى عقاب داشتند.

۱۱ و روى و پاهای آنها از طرف بالا از یکدیگر جدا بود و وبال هر یک به همدیگر پیوسته و دوابال دیگر بدن آنها را می پوشانید.

۱۲ و هر یک از آنها به راه مستقیم میرفتند و به هر جایی که روى میرفت آنها می رفتند و در حین رفتن رومی یافتند.

و اما شباهت این حیوانات این بود که (ورت آنها مانند شعله های اخگرهای آتش افروخته شده، مثل صورت مشعلها بود. و آن آتش در میان آن حیوانات گردش میکرد

- ودرخشان میبود واز میان آتش برق میجهید.
- ۱۴ وآن حیوانات مثل صورت برق میدویدند و برمی گشتند.
- ۱۵ وچون آن حیوانات راملا حظه میکردم، اینک یک چرخ به پهلوی آن حیوانات برای هر روی (رکدام از آن چهار بر زمین بود.
- ۱۶ و صورت چرخها و صنعت آنها مثل منظر زبرجد بود و آن چهار یک شباهت داشتند. و صورت و صنعت آنها مثل چرخ در میان چرخ بود.
- ۱۷ و چون آنها میرفتند، بر چهار جانب خود می رفتند و در حین رفتن به هیچ طرف میل نمی کردند.
- ۱۸ و فلکه های آنها بلند و مهیب بود و فلکه های آن چهار از هر طرف از چشمها پر بود.
- ۱۹ و چون آن حیوانات میرفتند، چرخها در پهلوی آنها میرفت و چون آن حیوانات از زمین بلند میشدند، چرخها بلند میشد.
- ۲۰ و هر جایی که روح میرفت آنها میرفتند، به هر جا که روح سیر میکرد و چرخها پیش روی آنها بلند می شد، زیرا که روح حیوانات در چرخها بود.
- ۲۱ و چون آنها میرفتند، اینها میرفت و چون آنها می ایستادند، اینها می ایستاد. و چون آنها از زمین بلند میشدند، چرخها پیش روی آنها از زمین بلند میشد، زیرا روح حیوانات در چرخها بود.
- و شباهت فلکی که بالای سر حیوانات بود مثل منظر بلور مهیب بود و بالای سر آنها پهن شده بود.
- ۲۳ و بالهای آنها زیر فلک بسوی یکدیگر مستقیم بود و دو بال هریک از این طرف میپوشانید و دو بال هریک از آن طرف بدنهای آنها را میپوشانید.
- ۲۴ و چون میرفتند، من صدای بالهای آنها را مانند صدای آبهای بسیار، مثل آواز حضرت اعلی و صدای هنگامه را مثل صدای فوج شنیدم. زیرا که چون می ایستادند بالهای خویش را فرو میبشند.
- ۲۵ و چون در حین ایستادن بالهای خود را فرو میبشند، صدایی از فلکی که بالای سر آنها بود مسموع میشد.
- ۲۶ و بالای فلکی که بر سر آنها بود شباهت تختی مثل صورت یاقوت کبود بود و بر آن

شباهت تخت، شباهتی مثل صورت انسان بر فوق آن بود. ۲۷ و از منظر کمر او بطرف بالا مثل منظر برنج تابان، مانند نمایش آتش در اندرون آن و گرداگردش دیدم. و از منظر کمر او به طرف پایین مثل نمایش آتشی که از هر طرف درخشان بود دیدم.

۲۸ مانند نمایش قوس قزح که در روز باران در برابر میاشد، همچنین آن درخشندگی گرداگرد آن بود. این منظر شباهت جلال یهوه بود و چون آن را دیدم، به روی خود در افتادم و آواز قائلی را شنیدم،

ماموریت حزقیال

که مرا گفت: «ی‌پسر انسان بر پایه‌های خود بایست تابا تو سخن گویم.» و چون این را به من گفت، روح داخل من شده، مرا بر پایه‌هایم برپا نمود. و او را که با من متکلم نمود شنیدم

که مرا گفت: «ی‌پسر انسان من تو را نزد بنی اسرائیل میفرستم، یعنی نزد امت فتنه‌انگیزی که به من فتنه‌انگیز خت‌اند. ایشان و پدران ایشان تا به امروز بر من عصیان ورزیده‌اند. ۴ و پسران ایشان سخت رو و قسی القلب هستند و من تو را نزد ایشان میفرستم تا به ایشان بگوئی: خداوند یهوه چنین میفرماید.

۵ و ایشان خواه بشنوند و خواه نشنوند، زیرا خاندان فتنه‌انگیز میباشند، خواهند دانست که نبیای در میان ایشان هست.

۶ و تو ای پسر انسان از ایشان مترس و از سخنان ایشان بیم مکن اگر چه خارها و شوکها با تو باشد و در میان عقربها ساکن باشی، اما از سخنان ایشان مترس و از رویهای ایشان هراسان مشو، زیرا که ایشان خاندان فتنه‌انگیز میباشند.

۷ پس کلام مرا به ایشان بگو، خواه بشنوند و خواه نشنوند، چونکه فتنه‌انگیز هستند. ۸ و تو ای پسر انسان آنچه را که من به تو میگویم بشنو و مثل این خاندان فتنه‌انگیز عاصی مشو بلکه دهان خود را گشوده، آنچه را که من به تو میدهم بخور.»

پس نگریستم و اینک دستی بسوی من دراز شد و در آن طوماری بود.

۱۰ وآن را پیش من بگشود که رو و پشتش هر دو نوشته بود و نوحه و ماتم و وای بر آن مکتوب بود.

پس مرا گفت: «ی پسر انسان آنچه را که می یابی بخور. این طومار را بخور و رفته، با خاندان اسرائیل متکلم شو.»

آنگاه دهان خود را گشودم و او آن طومار را به من خورانید.

۳ و مرا گفت: «ی پسر انسان شکم خود را بخوران و احشای خویش را از این طوماری که من به تومی دهم پر کن.» پس آن را خوردم و درد هانم مثل عسل شیرین بود. و مرا گفت: «ی پسر انسان بیا و نزد خاندان اسرائیل رفته، کلام مرا برای ایشان بیان کن.»

۵ زیرا که نزد امت غامض زبان و ثقیل لسان فرستاده نشدی، بلکه نزد خاندان اسرائیل. ۶ نه نزد قوم های بسیار غامض زبان و ثقیل لسان که سخنان ایشان را نتوانی فهمید. یقین اگر تو را نزد آنها میفرستادم به تو گوش می گرفتند.

۷ اما خاندان اسرائیل نمی خواهند تو را بشنوند زیرا که نمی خواهند مرا بشنوند. چونکه تمامی خاندان اسرائیل سخت پیشانی و قسی القلب هستند.

۸ هان من روی تو را در مقابل روی ایشان سخت خواهم ساخت و پیشانی تو را در مقابل پیشانی ایشان سخت خواهم گردانید.

۹ بلکه پیشانی تو را مثل الماس از سنگ خارا سختتر گردانیدم. پس از ایشان مترس و از روی های ایشان هراسان مباش، زیرا که خاندان فتنه انگیز میباشند.»

و مرا گفت: «ی پسر انسان تمام کلام مرا که به تومی گویم در دل خود جابده و به گوشهای خود استماع نما.»

۱۱ و بیا و نزد اسپرانی که از پسران قوم تومی باشند رفته، ایشان را خطاب کن و خواه بشنوند و خواه نشنوند. به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید.»

آنگاه روح، مرا برداشت و از عقب خود صدای گلبانگ عظیمی شنیدم که «لال یهوه از مقام او متبارک باد.»

و صدای بالهای آن حیوانات را که به همدیگر برمی خوردند و صدای چرخهارا که پیش روی آنها بود و صدای گلبانگ عظیمی را شنیدم.

۱۴ آنگاه روح مرا برداشت و برد و باتلخی در حرارت روح خود رفتم و دست خداوند بر من سنگین میبود.

۱۵ پس به تل ایب نزد اسیرانی که نزد نهر خابور ساکن بودند، رسیدم و در مکانی که ایشان نشستند، در آنجا به میان ایشان هفت روز متحیر نشستم.

تهدید اسرائیل

و بعد از انقضای هفت روز واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ی پسر انسان تو را برای خاندان اسرائیل دیده بان ساختم، پس کلام را از دهان من بشنو و ایشان را از جانب من تهدید کن.

۱۸ و حینی که من به مرد شیر گرفته باشم که البته خواهی مرد، اگر تو او را تهدید کنی و سخن نگوئی تا آن شیر را از طریق زشت او تهدید نموده، او را زنده سازی، آنگاه آن شیر در گاهش خواهد مرد، اما خون او را از دست تو خواهم طلبید.

۱۹ لیکن اگر تو مرد شیر را تهدید کنی و او از شرارت خود و طریق بد خویش بازگشت نکند و در گاه خود خواهد مرد، اما تو جان خود را نجات داده‌ای.

۲۰ و اگر مرد عادل از عدالت خود برگردد و گاه ورزد و من سنگی مصادم پیش وی بنهم تا بمیرد، چونکه تو او را تهدید نمودی، او در گاه خود خواهد مرد و عدالتی که بعمل آورده بود به یاد آورده نخواهد شد. لیکن خون او را از دست تو خواهم طلبید.

۲۱ و اگر تو مرد عادل را تهدید کنی که آن مرد عادل گناه نکند و او خطانورزد البته زنده خواهد ماند، چونکه تهدید پذیرفته است و تو جان خود را نجات داده‌ای.»
و دست خداوند در آنجا بر من نهاده شد و او مرا گفت: «رخیز و به هامون بیرون شو که در آنجا با تو سخن خواهم گفت.»

پس برخاسته، به هامون بیرون رفتم و اینک جلال خداوند مثل جلالی که نزد نهر خابور دیده بودم، در آنجا برپا شد و من به روی خود در افتادم.

- ۲۴ و روح داخل من شده، مرا بر پایهایم برپا داشت و او مرا خطاب کرده، گفت: «رو و خویشتن را در خانه خود ببند.
- ۲۵ و اما تو ای پسر انسان اینک بندها بر تو خواهند نهاد و تورابه آنها خواهند بست اما در میان ایشان بیرون مرو.
- ۲۶ و من زبان تورابه گامت خواهم چسبانید تا گنگ شده، برای ایشان ناصح نباشی. زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند.
- ۲۷ اما وقتی که من با تو تکلم نمایم، آنگاه دهان تو را خواهم گشود و به ایشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین میفرماید. آنگاه آنکه شنوا باشد بشنود و آنکه ابانماید ابان کند. زیرا که ایشان خاندان فتنه انگیز میباشند.»

آیت برای محاصره اسرائیل

- «تو نیز ای پسر انسان آجری بگیری و آن را پیش روی خود بگذاری و شهر اورشلیم را بر آن نقش نما.
- ۲ و آن را محاصره کن و در برابرش برجها ساخته، سنگری در مقابلش برپا نما و به اطرافش اردو زده، منجنیقها به هر سوی آن برپا کن.
- ۳ و تابه آهنین برای خود گرفته، آن را در میان خود و شهر، دیواری آهنین بگذار و روی خود را بر آن بدار و محاصره خواهد شد و تو آن را محاصره کن تا آیتی به جهت خاندان اسرائیل بشود.
- ۴ پس تو بر پهلوی چپ خود بخواب و گاه خاندان اسرائیل را بر آن بگذار. موافق شماره روزهایی که بر آن بخوابی، گاه ایشان را متحمل خواهی شد.
- ۵ و من سالهای گاه ایشان را مطابق شماره روزهای یعنی سیصد و نود روز بر تو نهادام. پس متحمل گاه خاندان اسرائیل خواهی شد.
- ۶ و چون اینهارابه انجام رسانیده باشی، باز به پهلوی راست خود بخواب و چهل روز متحمل گاه خاندان یهودا خواهی شد. هر روزی را به جهت سالی برای توقرار دادام.
- ۷ و بازوی خود را برهنه کرده، روی به محاصره اورشلیم بدار و به ضد آن نبوت کن.
- ۸ و اینک بندها بر تو می نهیم و تاروهای محاصرهات را به اتمام نرسانیده باشی از پهلو به پهلو دیگر ت نخوابی غلطید.

۹ پس گندم وجود با قلا و عدس و ارزن و جلبان برای خود گرفته، آنها را در یک ظرف بریز و خوراکی از آنها برای خود بپز و تمامی روزهایی که به پهلوئی خود میخوابی، یعنی سیصد و نود روز آن را خواهی خورد.

۱۰ و غذایی که میخوری به وزن خواهد بود، یعنی بیست مثقال برای هر روز. وقت به وقت آن را خواهی خورد.

۱۱ و آب را به پیمایش یعنی سدس یک هین خواهی نوشید. آن را وقت به وقت خواهی نوشید.

۱۲ و قرصهای نان جو که میخوری، آنها را بر سر گین انسان در نظر ایشان خواهی پخت. ۱۳ و خداوند فرمود به همین منوال بنیاسرائیل نان نجس در میان امت هایی که من ایشان را به میان آنها پراکنده میسازم خواهند خورد.»

پس گفتم: «های خداوندیوه اینک جان من نجس نشده و از طفولیت خود تا به حال میته یاد ریده شده را نخورد هام و خوراکی نجس به دهانم نرفته است.»

آنگاه به من گفت: «دان که سرگین گاو را به عوض سرگین انسان به تو دادم، پس نان خود را بر آن خواهی پخت.»

و مرا گفتم: «ی پسر انسان اینک من عصای نان را در اورشلم خواهم شکست و نان را به وزن و عسرت خواهند خورد و آب را به پیمایش و حیرت خواهند نوشید.

۱۷ زیرا که محتاج نان و آب خواهند شد و به حیرت بر یکدیگر نظر خواهند انداخت و به سبب گاهان خود گداخته خواهند شد.

«توای پسر انسان برای خود تبغی تیز»

بگیر و آن را مثل استره حجام به جهت خود بکار برده، آن را بر سر وریش خود بگذران و ترازویی گرفته، مویها را تقسیم کن.

۲ و چون روزهای محاصره را به اتمام رسانیده باشی، یک ثلث را در میان شهر به آتش بسوزان و یک ثلث را گرفته، اطراف آن را با تبغ بزن و ثلث دیگر را به بادها پاش و من در عقب آنها شمشیری خواهم فرستاد.

- ۳ و اندکی از آن را گرفته، آنها را در دامن خود ببند.
- ۴ و باز قدری از آنها را بگیر و آنها را در میان آتش انداخته، آنها را به آتش بسوزان و آتشی برای تمام خاندان اسرائیل از آن بیرون خواهد آمد.»
- خداوند یهوه چنین میگوید: «این اورشلیم را در میان امتها قرار دادم و کشورها را بر طرف آن.
- ۶ و او از احکام من بدتر از امتها و از فریض من بدتر از کشورهای منی که گرداگرد او می باشد، عصیان ورزیده است زیرا که اهل او احکام مرا ترک کرده، به فریض من سلوک ننموده اند.»
- بنابر این خداوند یهوه چنین میگوید: «و نکه شما زیاد از امت های منی که گرداگرد شما میباشند غوغا نمودید و به فریض من سلوک نکرده، احکام مرا بعمل نیاوردید، بلکه موافق احکام امت های منی که گرداگرد شما میباشند نیز عمل ننمودید،
- لذا خداوند یهوه چنین میگوید: من اینک من به ضد تو هستم و در میان تو به نظر امتها دوریها خواهم نمود.
- ۹ و با تو به سبب جمیع رجاساتت کارها خواهم کرد که قبل از این نکرده باشم و مثل آنها هم دیگر نخواهم کرد.
- ۱۰ بنابر این پدران در میان تو پسران را خواهند خورد و پسران پدران خویش را خواهند خورد و پرتوداوریها نموده، تمامی بقیت تو را بسوی هر باد پراکنده خواهم ساخت.»
- لذا خداوند یهوه میگوید: «ه حیات خودم قسم چونکه تو مقدس مرا بتامی رجاسات و جمیع مکروهات خویش نجس ساختی، من نیز البته تو را منقطع خواهم ساخت و چشم من شفقت نخواهد نمود و من نیز رحمت نخواهم فرمود.
- ۱۲ یک ثلث تو در میانت از او با خواهند مرد و از گرسنگی تلف خواهند شد. و یک ثلث به اطرافت به شمشیر خواهند افتاد و ثلث دیگر را بسوی هر باد پراکنده ساخته، شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد.
- ۱۳ پس چون غضب من به اتمام رسیده باشد و حدت خشم خویش را بر ایشان ریخته باشم، آنگاه پشیمان خواهم شد. و چون حدت خشم خویش را بر ایشان به اتمام

- رسانده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه این را در غیرت خویش گفتم.
- ۱۴ و تو را در در نظر همه رهگذریان در میان امت هایی که به اطراف تومی باشند، به خرابی و رسوائی تسلیم خواهم نمود.
- ۱۵ و چون بر توبه خشم و غضب و سرزنشهای سخت داوری کرده باشم، آنگاه این موجد عار و مذمت و عبرت و دهشت برای امت هایی که به اطراف تومی باشند خواهد بود. من که یهوه هستم این را گفتم.
- ۱۶ و چون تیرهای بدخطی را که برای هلاکت میباشند و من آنها را به جهت خرابی شما میفرستم در میان شما انداخته باشم، آنگاه قطر ابر شما سختتر خواهم گردانید و عصای نان شما را خواهم شکست.
- ۱۷ و قحط و حیوانات درنده در میان تو خواهم فرستاد تا تو را بیا ولاد گردانند و با خون از میان تو عبور خواهد کرد و شمشیری بر تو وارد خواهم آورد. من که یهوه هستم این را گفتم.»

نبوت به ضد کوههای اسرائیل

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

- «ی پسر انسان نظر خود را بر کوههای اسرائیل بدو زود باره آنها نبوت کن.
- ۳ و بگو: ای کوههای اسرائیل کلام خداوند یهوه را بشنوید! خداوند یهوه به کوهها و تالها و وادیها و دره ها چنین میفرماید: اینک من شمشیری بر شما می آورم و مکان های بلند شما را خراب خواهم کرد.
- ۴ و مذبح های شما منهدم و تمثالهای شمسی شما شکسته خواهد شد و کشتگان شما را پیش بتهای شما خواهنداخت. و لاشهای بنی اسرائیل را پیش بتهای ایشان خواهم گذاشت و استخوانهای شما را گردا گرد مذبح های شما خواهم پاشید.
- ۵ و در جمیع مساکن شما شهرها خراب و مکان های بلند ویران خواهد شد تا آنکه مذبح های شما خراب و ویران شود و بتهای شما شکسته و نابود گردد و تمثالهای شمسی شما منهدم

واعمال شما محو شود.

- ۶ و چون کشتگان شما در میان شما بیفتند، آنگاه خواهی دانست که من یهوه هستم.
- ۷ اما بقیته نگاه خواهم داشت. و چون در میان کشورها پراکنده شوید، بقیه السیف شما در میان امتهاساکن خواهند شد.
- ۸ و نجات یافتگان شما در میان امتهادر جایی که ایشان را به اسیری برده‌اند مرایاد خواهند داشت. چونکه دل‌زنا کار ایشان را که از من دور شده است خواهم شکست و چشمان ایشان را که در عقب بتهای ایشان زنا کرده است پس خویشان را به سبب اعمال زشتی که در همه رجاسات خود نموده‌اند مکروه خواهند داشت.
- ۹ و خواهند دانست که من یهوه هستم و عبث نگفتم که این بلارابر ایشان وارد خواهم آورد.»

خداوند یهوه چنین میگوید: «هدست خود بزن و پای خود را بر زمین بکوب و بگو: وای بر تمامی رجاسات و شریر خاندان اسرائیل زیرا که به شمشیر و ققط و وبا خواهد افتاد. ۱۱ آنکه دور باشد به و با خواهد مرد و آنکه نزدیک است به شمشیر خواهد افتاد و آنکه باقیمانده و در محاصره باشد از گرسنگی خواهد مرد و من حدت خشم خود را بر ایشان به اتمام خواهم رسانید.

- ۱۲ و خواهید دانست که من یهوه هستم، هنگامی که کشتگان ایشان در میان بتهای ایشان به اطراف مذبح‌های ایشان، بر هر تل بلند و بر قله‌های تمام کوهها و زیر هر درخت سبز و زیر هر بلوط کشن، در جایی که هدایای خوشبو برای همه بتهای خود میگذرانیدند یافت خواهند شد.
- ۱۳ و دست خود را بر ایشان دراز کرده، زمین را در تمام مسکن‌های ایشان خراب‌تر و ویران‌تر از بیابان دبله خواهم ساخت. پس خواهند دانست که من یهوه هستم.»

فرارسیدن انتها

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«توای پسر انسان) گو: (خداوند یهوه به زمین اسرائیل چنین میگوید: انتهای بر چهار گوشه زمین انتها رسیده است.

- ۳ الان انتها بر تو رسیده است و من خشم خود را بر تو وارد آورده‌ام و بروی راه‌های ترا داوری نموده، تمامی رجاسات را بر تو خواهم نهاد.
- ۴ و چشم من بر تو شفقت نخواهد کرد و رحمت نخواهم فرمود بلکه راه‌های تو را بر تو خواهم نهاد و رجاسات تو در میان تو خواهد بود. پس خواهی دانست که من بیوه هستم.»
- خداوند بیوه چنین میگوید: «لاهان بالای واحد می‌آید!
- انتهایی می‌آید، انتهایی می‌آید و به ضد تو بیدار شده است. هان می‌آید.
- ۷ ای ساکن زمین اجل تو بر تو می‌آید. وقت معین می‌آید و آن روز نزدیک است. روز هنگامه خواهد شد و نه روز آواز شادمانی بر کوهها.
- ۸ الان عنقریب غضب خود را بر تو خواهم ریخت و خشم خویش را بر تو به اتمام رسانیده، تو را موافق راه‌های داوری خواهم نمود و جمیع رجاسات را بر تو خواهم نهاد.
- ۹ و چشم من شفقت نخواهد کرد و رحمت نخواهم فرمود، بلکه مکافات راه‌های را به تو خواهم رسانید و رجاسات تو در میان تو خواهد بود و خواهید دانست که زنده تو من بیوه هستم.
- ۱۰ اینک آن روز هان می‌آید! اجل تو بیرون آمده و عصا شکوفه آورده و تکبر، گل کرده است.
- ۱۱ ظلم عصبای شرارت گشته است. از ایشان و از جمعیت ایشان و از ازدحام ایشان چیزی باقی نیست و در میان ایشان حشمتی نمانده است.
- ۱۲ وقت می‌آید و آن روز نزدیک است. پس مشتری شادی نکند و فروشنده ماتم نگردد، زیرا که خشم بر تمامی جمعیت ایشان قرار گرفته است.
- ۱۳ زیرا که فروشنندگان اگر چه در میان زندگان زنده مانند، به آنچه فروخته باشند نخواهند برگشت، چونکه غضب بر تمامی جمعیت ایشان قرار گرفته است. ایشان نخواهند برگشت و هیچکس به گناه خویش زندگی خود را تقویت نخواهد داد.
- ۱۴ کرنا را نواخته و همه چیز را می‌بیا ساخته‌اند، اما کسی به جنگ نمی‌رود. زیرا که غضب من بر تمامی جمعیت ایشان قرار گرفته است.
- ۱۵ شمشیر در بیرون است و و با و ققط در اندرون. آنکه در صحرای است به شمشیر

- میمیرد و آنکه در شهر است قحط و وبا و اورا هلاک میسازد.
- ۱۶ و رستگاران ایشان فرار میکنند و مثل فاخته های دره های کوه ها میباشند. و هر کدام از ایشان به سبب گناه خود ناله میکنند.
- ۱۷ همه دستهاست شده و جمیع زانوها مثل آب بیتاب گردیده است.
- ۱۸ و پلاس در بر می کنند و وحشت ایشان را میپوشاند و بر همه چهرها نخلت و بر جمیع سرها گری میباشد.
- ۱۹ نقره خود را در کوهها میریزند و طلای ایشان مثل چیز نجس میباشد. نقره و طلای ایشان در روز غضب خداوند ایشان را نتواند رها نیند. جانهای خود را سیر نمی کنند و بطنهای خویش را پر نمی سازند زیرا گناه ایشان سنگ مصادم آنها شده است.
- «اوز بیانی زینت خود را در کبر یایی قرار داده بود، اما ایشان تهای مکروهات و رجاسات خویش را در آن ساختند. بنابراین آن را برای ایشان مثل چیز نجس خواهم گردانید.
- ۲۱ و آن را به دست غریبان به تاراج و به شیران جهان به غارت خواهم داد و آن را بی عصمت خواهند ساخت.
- ۲۲ و روی خود را از ایشان خواهم برگردانید و مکان مستور مرا بی عصمت خواهند نمود و ظالمان داخل آن شده، آن را بی عصمت خواهند ساخت.
- ۲۳ زنجیر را بساز، زیرا که زمین از جریمهای خونریزی پر است و شهر از ظلم مملو.
- ۲۴ و اشرا را متهارا خواهم آورد و در خانه های ایشان تصرف خواهند نمود و تکبر زور آوران را زایل خواهم ساخت و آنها مکان های مقدس ایشان را بی عصمت خواهند نمود.
- ۲۵ هلاکت میآید و سلامتی را خواهند طلبید، اما یافت نخواهد شد.
- ۲۶ مصیبت بر مصیبت میآید و آوازه بر آوازه مسموع میشود. روی از نبی میطلبند، اما شریعت از کاهنان و مشورت از مشایخ نابود شده است.
- ۲۷ پادشاه ماتم میگردد و در رئیس به حیرت ملبس میشود و دستهای اهل زمین میلرزند. و موافق راههای ایشان با ایشان عمل خواهم نمود و بروقی استحقاق ایشان را داوری خواهم نمود. پس خواهند دانست که من یهوه هستم؟

و در سال ششم در روز پنجم از ماه ششم، چون من در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا پیش من نشسته بودند، آنگاه دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد.

۲ و دیدم که اینک شبیهی مثل صورت آتش بود یعنی از نمایش کمر و تاپایین آتش واز کمر او تا بالا مثل منظر درخشندگی مانند صورت برنج لامع ظاهر شد.

۳ و شبیه دستی دراز کرده، موی پیشانی مرا بگرفت و روح، مرا در میان زمین و آسمان برداشت و مرا در رویاهای خدا به اورشلیم نزد دهنه دروازه صحن اندرونی که بطرف شمال متوجه است برد که در آنجا نشیمن تمثال غیرت انگیز مییابد.

و اینک جلال خدای اسرائیل مانند آن رویایی که در هامون دیده بودم ظاهر شد.
۵ و او مرا گفت: «ی پسر انسان چشمان خود را بسوی راه شمال برافراز! و چون چشمان خود را بسوی راه شمال برافراشتم، اینک بطرف شمالی دروازه مذبح این تمثال غیرت در مدخل ظاهر شد.

۶ و او مرا گفت: «ی پسر انسان آیات آنچه را که ایشان میکنند میبینی؟ یعنی رجاسات عظیمی که خاندان اسرائیل در اینجا میکنند تا از مقدس خود دور بشوم؟ اما باز رجاسات عظیم تر خواهی دید.»

پس مرا به دروازه صحن آورد و دیدم که اینک سوراخی در دیوار است.
۸ و او مرا گفت: «ی پسر انسان دیوار را بکن،» و چون دیوار را کندم، اینک دروازه‌های پدید آمد.

۹ و او مرا گفت: «اخل شو و رجاسات شنیعی را که ایشان در اینجا میکنند ملاحظه نما.»

پس چون داخل شدم، دیدم که هرگونه حشرات و حیوانات نجس و جمیع بهای خاندان اسرائیل بر دیوار از هر طرف نقش شده بود.

۱۱ و هفتاد نفر از مشایخ خاندان اسرائیل پیش آنها ایستاده بودند و با زنیا بن شافان در میان ایشان ایستاده بود و هر کس مجمرهای دردست خود داشت و بوی ابر بخور بالا میرفت.

۱۲ و او مرا گفت: «ی پسر انسان آیا آنچه را که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی و هر کس در حجره‌های بهای خویش میکنند دیدی؟ زیرا می گویند که خداوند ما را نمی

- بیند و خداوند این زمین را ترک کرده است.
- ۱۳ و به من گفت که باز رجاسات عظیم تراز اینهایی که اینان میکنند خواهی دید.»
- پس مرا به دهنه دروازه خانه خداوند که بطرف شمال بود آورد. و اینک در آنجا بعضی زنان نشسته، برای تموز میگریستند.
- ۱۵ و او مرا گفت: «ی‌پسر انسان آیا این را دیدی؟ باز رجاسات عظیم تراز اینها را خواهی دید.»
- پس مرا به صحن اندرونی خانه خداوند آورد. و اینک نزد دروازه هیکل خداوند در میان رواق و مذبح به قدر بیست و پنج مرد بودند که پشتهای خود را بسوی هیکل خداوند و رویهای خویش را بسوی مشرق داشتند و آفتاب را بطرف مشرق سجده مینمودند.
- ۱۷ و به من گفت: «ی‌پسر انسان این را دیدی؟ آیا برای خاندان یهودا بجا آوردن این رجاسات که در اینجا بجای آورند سهل است؟ زیرا که زمین را از ظلم مملو ساختند و برای هیجان خشم من بر می گردند و همان شاخه را به بینی خود می گذارند.
- ۱۸ بنابراین من نیز در غضب، عمل خواهم نمود و چشم من شفقت نخواهد کرد و رحمت نخواهم فرمود و اگر چه به آواز بلند به گوش من بخوانند، ایشان را اجابت نخواهم نمود.»

نابودی بتپرستان

- و او به آواز بلند به گوش من ندا کرده، گفت: «کلاهی شهر را نزدیک بیا و رو هر کس آلت خراب کننده خود را در دست خود بدارد.»
- و اینک شش مرد از راه دروازه بالای که بطرف شمال متوجه است آمدند و هر کس تبر خود را در دستش داشت. و در میان ایشان یک مرد ملبس شده به گنجان بود و دوات کاتب در کمرش. و ایشان داخل شده، نزد مذبح برنجین ایستادند.
- ۳ و جلال خدای اسرائیل از روی آن کروی که بالای آن بوده آستانه خانه برآمد و به آن مردی که به گنجان ملبس بود و دوات کاتب را در کمر داشت خطاب کرد.
- ۴ و خداوند به او گفت: «زمین شهر یعنی از میان اورشلیم بگذر و بر پیشانی کسانی که به سبب همه رجاساتی که در آن کرده میشود آه و ناله میکنند نشانی بگذار.»
- ۵ و به آنان به سمع من گفت که در عقب او از شهر بگذرید و هلاک سازید و چشمان

شما شفقت نکنند و ترحم ننمایند.

۶ پیران و جوانان و دختران و اطفال و زنان را تمام به قتل رسانید، اما به هر کسی که این نشان را دارد نزدیک مشوید و از قدس من شروع کنید.» پس از مردان پیری که پیش خانه بودند شروع کردند.

و به ایشان فرمود: «انه را نجس سازید و صحنها را از کشتگان پر ساخته، بیرون آید.» پس بیرون آمدند و در شهر به کشتن شروع کردند.

۸ و چون ایشان میکشند و من باقیمانده بودم به روی خود در افتاده، استغاثه نمودم و گفتم: «های خداوند یهوه آیا چون غضب خود را بر اورشلیم میریزی تمامی بقیه اسرائیل را هلاک خواهی ساخت؟»

او مرا جواب داد: «ناه خاندان اسرائیل و یهودا اینها بیت عظیم است و زمین از خون مملو و شهر از ستم پر است. زیرا می گویند: خداوند زمین را ترک کرده است و خداوند نمی بیند.»

۱۰ پس چشم من نیز شفقت نخواهد کرد و من رحمت نخواهم فرمود، بلکه رفتار ایشان را بر سر ایشان خواهم آورد.»

و اینک آن مردی که به گان ملبس بود و دوات را در کمر داشت، جواب داد و گفت: «ه نهجی که مرا مرمودی عمل نمودم.»

رویای جلال خدا

پس نگریستم و اینک بر فلکی که بالای سر کروبیان بود چیزی مثل سنگ یا قوت کبود و مثل نمایش شبیه تخت برز بر آنها ظاهر شد.

۲ و آن مرد را که به گان ملبس بود خطاب کرده گفتم: «رمیان چرخهادر زیر کروبیان برو و دستهای خود را از اخگرهای آتشی که در میان کروبیان است پر کن و بر شهر پیاش.» و او در نظر من داخل شد.

۳ و چون آن مرد داخل شد، کروبیان بطرف راست خانه ایستاده بودند و ابر، صحن اندرونی را پر کرد.

۴ و جلال خداوند از روی کروبیان به آستانه خانه برآمد و خانه از ابر پر شد و صحن از فروغ

- جلال خداوند مملو گشت.
- ۵ و صدای بالهای کروبیان تا به صحن بیرونی مثل آواز خدای قادر مطلق حینی که تکلم می کند، مسموع شد.
- و چون آن مرد را که ملبس به گان بود امر فرموده، گفت که «تس را از میان چرخها از میان کروبیان بردار.» آنگاه داخل شده، نزد چرخها ایستاد.
- ۷ و یکی از کروبیان دست خود را از میان کروبیان به آتشی که در میان کروبیان بود دراز کرده، آن را برداشت و به دست آن مردی که به گان، ملبس بود نهاد و او آن را گرفته، بیرون رفت.
- ۸ و در کروبیان شبیه صورت دست انسان زیر بالهای ایشان ظاهر شد.
- و نگرستم و اینک چهار چرخ به پهلوئی کروبیان یعنی یک چرخ به پهلوئی یک کروبی و چرخ دیگری به پهلوئی کروبی دیگر ظاهر شد. و نمایش چرخها مثل صورت سنگ زبرجد بود.
- ۱۰ و اما نمایش ایشان چنین بود. آن چهار را یک شباهت بود که گویا چرخ در میان چرخ باشد.
- ۱۱ و چون آنها میرفت بر چهار جانب خود میرفت و حینی که میرفت به هیچ سومیل نمی کرد، بلکه به جایی که سر به آن متوجه میشد از عقب آن میرفت. و چون میرفت به هیچ سومیل نمی کرد.
- ۱۲ و تمامی بدن و پشتها و دستها و بالهای ایشان و چرخهایی که آن چهار داشتند از هر طرف پراز چشمها بود.
- ۱۳ و به سمع من به آن چرخانند ادر دادند که «ی چرخها!»
- و هر یک را چهار رو بود. روی اول روی کروبی بود و روی دوم روی انسان و سوم روی شیرو چهارم روی عقاب.
- پس کروبیان صعود کردند. این همان حیوان است که نزدنهر خابورد دیده بودم.
- ۱۶ و چون کروبیان میرفتند، چرخها به پهلوئی ایشان میرفت و چون کروبیان بالهای خود را برافراشته، از زمین صعود میکردند، چرخها نیز از پهلوئی ایشان بر نمی گشت.
- ۱۷ چون ایشان میایستادند آنها میایستاد و چون ایشان صعود مینمودند، آنها با ایشان

صعود مینمود، زیرا که روح حیوان در آنها بود.

- ۱۸ و جلال خداوند از بالای آستانه خانه بیرون آمد و بر زبر کروی بیان قرار گرفت.
- ۱۹ و چون کروی بیان بیرون رفتند بالهای خود را برافراشته، به نظر من از زمین صعود نمودند. و چرخهای پیش روی ایشان بودند و زده‌دهنه دروازه شرقی خانه خداوند ایستادند. و جلال خدای اسرائیل از طرف بالا برایشان قرار گرفت.
- ۲۰ این همان حیوان است که زیر خدای اسرائیل نزد نهر خابور دیده بودم، پس فهمیدم که اینان کروی‌باندند.
- ۲۱ هر یک را چهار روی و هر یک را چهار بال بود و زیر بالهای ایشان شبیه دستهای انسان بود.
- ۲۲ و اما شبیه رویهای ایشان چنین بود. همان رویها بود که نزد نهر خابور دیده بودم. هم نمایش ایشان و هم خود ایشان) نان بودند (و هر یک به راه مستقیم میرفت.

داوری رهبران اسرائیل

- و روح مرا برداشته، به دروازه شرقی خانه خداوند که بسوی مشرق متوجه است آورد. و اینک نزد دهنه دروازه بیست و پنج مرد بودند و در میان ایشان یازنیا بن عزرو و فطیا بن بنایار و ساسی قوم را دیدم.
- ۲ و او مرا گفت: «ای پسر انسان اینها آن کسانی میباشند که تدا بیر فاسد میکنند و در این شهر مشورت‌های قبیح میدهند.
- ۳ و میگویند وقت نزدیک نیست که خانه‌ها را بنا نماییم، بلکه این شهر دیگ است و ما گوشت میباشیم.
- ۴ بنا بر این برای ایشان نبوت کن. ای پسر انسان نبوت کن.»
- آنگاه روح خداوند بر من نازل شده، مرا فرمود: «گو که خداوند چنین میفرماید: ای خاندان اسرائیل شما به اینطور سخن میگویید و اما من خیالات دل شمار امیدانم.
- ۶ بسیاری را در این شهر کشته‌اید و کوچه‌هایش را از کشتگان پر کرده‌اید.
- ۷ لہذا خداوند بیهوش چنین میگوید: کشتگان شما که در میان شما گذاشته‌اید، گوشت میباشند و شهر دیگ است. لیکن شمار از میان شما بیرون خواهیم برد.

- ۸ شما از شمشیر می ترسید، اما خداوند یهوه میگوید شمشیر را بر شما خواهم آورد.
- ۹ و شما را از میان شهر بیرون برده، شما را به دست غریبان تسلیم خواهم نمود و بر شما داوری خواهم کرد.
- ۱۰ به شمشیر خواهید افتاد و در حد و داسرائیل بر شما داوری خواهم نمود و خواهید دانست که من یهوه هستم.
- ۱۱ این شهر برای شما دیگ نخواهد بود و شما در آن گوشت نخواهید بود، بلکه در حد و داسرائیل بر شما داوری خواهم نمود.
- ۱۲ و خواهید دانست که من آن یهوه هستم که در فریض من سلوک نمودید و احکام مرا بجا نیاوردید، بلکه بر حسب احکام امت هایی که به اطراف شما می باشند عمل نمودید.»
- و واقع شد که چون نبوت کردم، فلطیابن بنایا مرد. پس به روی خود در افتاده، به آواز بلند فریاد نمودم و گفتم: «های خداوند یهوه آیات بقیه اسرائیل را تمام هلاک خواهی ساخت؟»
- و عده باز گشت اسرائیل**
- و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
- «ی پسر انسان برادران تو یعنی برادرانت که از اهل خاندان تو میباشند و تمامی خاندان اسرائیل جمیع کسانی میباشند که سکنه اورشلیم به ایشان میگویند: شما از خداوند دور شوید و این زمین به مابه ملکیت داده شده است.
- ۱۶ بنابراین بگو: خداوند یهوه چنین میگوید: اگر چه ایشان را در میان امتها دور کنم و ایشان را در میان کشورهای پراکنده سازم، اما من برای ایشان در آن کشورهای که به آنها رفته باشند اندک زمانی مقدس خواهم بود.
- ۱۷ پس بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: شما را از میان امتها جمع خواهم کرد و شما را از کشورهای که در آنها پراکنده شده هاید فراهم خواهم آورد و زمین اسرائیل را به شما خواهم داد.
- ۱۸ و به آنجا داخل شده، تمامی مکروهات و جمیع رجاسات آن را از میانش دور خواهند

کرد.

۱۹ و ایشان رایکدل خواهم داد و در اندرون ایشان روح تازه خواهم نهاد و دل سنگی را از جسد ایشان دور کرده، دل گوشتی به ایشان خواهم بخشید.

۲۰ تا در فریاض من سلوک نمایند و احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورند. و ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود.

۲۱ اما آنانی که دل ایشان از عقب مکروهات و رجاسات ایشان می‌رود، پس خداوند به‌هوه می‌گوید: من رفتار ایشان را بر سر ایشان وارد خواهم آورد.»

آنگاه کروبیان بالهای خود را برافراشتند و چرخه‌ها به پهلوی ایشان بود و جلال خدای اسرائیل از طرف بالا برایشان قرار گرفت.

۲۳ و جلال خداوند از بالای میان شهر صعود نموده، بر کوهی که بطرف شرقی شهر است قرار گرفت.

۲۴ و روح مرا برداشت و در عالم رویا مرا به روح خدا به زمین کلدانیان نزد اسیران برد و آن رویایی که دیده بودم از نظر من مرتفع شد.

۲۵ و تمامی کلام خداوند را که به من نشان داده بود، برای اسیران بیان کردم.

آیت جلائی وطن

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان تو در میان خاندان فتنه‌انگیز ساکن می‌باشی که ایشان را چشم‌ها به جهت دیدن هست اما نمی‌بینند و ایشان را گوش‌ها به جهت شنیدن هست اما نمی‌شنوند، چونکه خاندان فتنه‌انگیز می‌باشند.»

۳ اما تو ای پسر انسان اسباب جلائی وطن را برای خود می‌سازی. و در نظر ایشان در وقت روز کوچ کن و از مکان خود به مکان دیگر به حضور ایشان نقل کن، شاید بفهمند.

اگرچه خاندان فتنه‌انگیز می‌باشند.

۴ و اسباب خود را مثل اسباب جلائی وطن در وقت روز به نظر ایشان بیرون آور. و شامگاهان مثل کسانی که برای جلائی وطن بیرون می‌روند بیرون شو.

۵ و شکافی برای خود در دیوار به حضور ایشان کرده، از آن بیرون ببر.

۶ و در حضور ایشان آن را بردوش خود بگذار و در تاریکی بیرون برو و روی خود را پیشان تازمین رانبینی. زیرا که تو را علامتی برای خاندان اسرائیل قرار داده‌ام.»
 پس به نهجی که ما مور شدیم، عمل نمودم و اسباب خود را مثل اسباب جلای وطن در وقت روز بیرون آوردم. و شبانگاه شکافی برای خود به دست خویش در دیوار کردم و آن را در تاریکی بیرون برده، به حضور ایشان بردوش برداشتم.
 ۸ و بامدادان کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان، آیا خاندان اسرائیل یعنی این خاندان فتنه‌انگیز به تو نگفتند: این چه کار است که میکنی؟»

پس به ایشان بگو خداوند یهوه چنین میگوید: این وحی اشاره به رئیسی است که در اورشلیم

میباشد و به تمامی خاندان اسرائیل که ایشان در میان آنها میباشند

بگو: من علامت برای شما هستم. به نهجی که من عمل نمودم، همچنان به ایشان کرده خواهد شد و جلای وطن شده، به اسیری خواهند رفت.

۱۲ و رئیسی که در میان ایشان است (سباب خود را) در تاریکی بردوش نهاده، بیرون خواهد رفت. و شکافی در دیوار خواهند کرد تا از آن بیرون بپرند. و او روی خود را خواهد پوشانید تا زمین را به چشمان خود نبیند.

۱۳ و من دام خود را بر او خواهم گسترانید و در کمند من گرفتار خواهد شد. و او را

به بابل به زمین کلدانیان خواهم برد و اگر چه در آنجا خواهد مرد، ولی آن را نخواهد دید.

۱۴ و جمیع مجاوران و معاونانش و تمامی لشکر او را بسوی هر باد پراکنده ساخته، شمشیری در عقب ایشان برهنه خواهم ساخت.

۱۵ و چون ایشان را در میان امت پراکنده ساخته و ایشان را در میان کشورها متفرق نموده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.

۱۶ لیکن عدد قبیلی از میان ایشان از شمشیر و قحط و وبا باقی خواهم گذاشت تا همه رجاسات خود را در میان امت‌هایی که به آنها می‌روند، بیان نمایند. پس خواهند دانست که من یهوه هستم.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان! نان خود را با ارتعاش بخور و آب خویش را بالرزه و اضطراب بنوش. ۱۹ و به اهل زمین بگو خداوند یهوه در باره سکنه اورشلیم و اهل زمین اسرائیل چنین می‌فرماید: که نان خود را با اضطراب خواهند خورد و آب خود را با حیرت خواهند نوشید. زیرا که زمین آنها به سبب ظلم جمیع ساکنانش از هر چه در آن است تهی خواهد شد. ۲۰ و شهرهای مسکون ایشان خراب شده، زمین ویران خواهد شد. پس خواهید دانست که من یهوه هستم.»

و کلام خداوندی‌ر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان این مثل شما چیست که در زمین اسرائیل می‌زنید و می‌گویید: ایام طویل میشود و هر روی باطل می‌گردد.»

۲۳ ل‌ه‌ذا به ایشان بگو، خداوند یهوه چنین می‌گوید: این مثل را باطل خواهم ساخت و آن را بار دیگر در اسرائیل نخواهند آورد. بلکه به ایشان بگو: ایام، نزدیک است و انجام هر رویا، قریب.

۲۴ زیرا که هیچ رویای باطل و غیب‌گویی تملقاً می‌زدر میان خاندان اسرائیل بار دیگر نخواهد بود.

۲۵ زیرا من که یهوه هستم سخن خواهم گفت و سخنی که من می‌گویم، واقع خواهد شد و بار دیگر تاخیر نخواهد افتاد. زیرا خداوند یهوه می‌گوید: ای خاندان فتنه‌انگیز در ایام شما سخنی خواهم گفت و آن را به انجام خواهم رسانید.»

و کلام خداوندی‌ر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان! هان خاندان اسرائیل می‌گویند رویایی که او می‌بیند، به جهت ایام طویل است و او برای زمانهای بعیده نبوت مینماید.

۲۸ بنا بر این به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید که هیچ کلام من بعد از این تاخیر نخواهد افتاد. و خداوند یهوه می‌فرماید: کلامی که من می‌گویم واقع خواهد شد.»

محکومیت انبیای کذب

و کلام خداوندی‌ر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان به ضد انبیای اسرائیل که نبوت مینمایند، نبوت نما. و به آنانی که از افکار خود نبوت میکنند، بگو کلام خداوند را بشنوید!

خداوند یهوه چنین میگوید: وای بر انبیاء احمق که تابع روح خویش میباشند و هیچ ندیده‌اند. ای اسرائیل انبیای تو مانند روباهان در خرابه‌ها بود هاند.

۵ شما به رخنه‌ها بر نیامدید و دیوار را برای خاندان اسرائیل تعمیر نکردید تا ایشان در روز خداوند به جنگ بتوانند ایستاد.

۶ رویای باطل و غیب‌گویی کاذب میبیند و می‌گوید: خداوند میفرماید، با آنکه خداوند ایشان را نافرستاده است و مردمان را امید و آرامی سازنده اینکه کلام ثابت خواهد

شد.
۷ آیارویای باطل ندیدید و غیب‌گویی کاذب را ذکر نکردید چونکه گفتید خداوند میفرماید با آنکه من تکلم نمودم؟»

بنابرین خداوند یهوه چنین میفرماید: «ونکه سخن باطل گفتید و رویای کاذب دیدید، اینک خداوند یهوه میفرماید من به ضد شما خواهم بود.

۹ پس دست من بر انبیایی که رویای باطل دیدند و غیب‌گویی کاذب کردند دراز خواهد شد و ایشان در مجلس قوم من داخل نخواهند شد و در دفتر خاندان اسرائیل ثبت نخواهند گردید و به زمین اسرائیل وارد نخواهند گشت و شما خواهید دانست که من خداوند یهوه می‌باشم.

۱۰ و از این جهت که قوم مرا گمراه کرده، گفتند که سلامتی است در حینی که سلامتی نبود و یکی از ایشان دیوار را بنا نمود و سایرین آن را به گل ملاط مالیدند.

۱۱ پس به آنانی که گل ملاط را مالیدند بگو که آن خواهد افتاد. باران سیال خواهد بارید و شما ای تگرگهای سخت خواهید آمد و باد شدید آن را خواهد شکافت.

۱۲ و هان چون دیوار بیفتد، آیا شمارا نخواهند گفت: بجاست آن اندودی که به آن اندود گردید؟»

لذا خداوند یهوه چنین میگوید: «آن را به باد شدید در غضب خود خواهم شکافت و باران سیال در رخشم من خواهد بارید و تگرگهای سخت برای فانی ساختن آن در غیظ من خواهد آمد.

۱۴ و آن دیوار را که شباهه گل ملاطاند و کردید منهدم نموده، به زمین یکسان خواهم ساخت و بی آن منکشف خواهد شد. و چون آن بیفتد شمار میانش هلاک خواهید شد و خواهید دانست که من یهوه هستم.

۱۵ پس چون خشم خود را بر دیوار و بر آنانی که آن را به گل ملاطاند و کردند به اتمام رسانیده باشم، آنگاه به شما خواهم گفت: دیوار نیست شده و آنانی که آن را اندود کردند نابود گشته‌اند.

۱۶ یعنی انبیای اسرائیل که در باره اورشلیم نبوت مینمایند و برایش رویای سلامتی را میبینند با آنکه خداوند یهوه میگوید که سلامتی نیست.

۱۷ و توای پسر انسان نظر خود را بر دختران قوم خویش که از افکار خود نبوت مینمایند بدار و بر ایشان نبوت نما،

و بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: وای بر آنانی که بالشها برای مفصل هر بازوی میدوزند و مندیلهای برای سر هر قامتی میسازند تا جانها را صید کنند! آیا جانهای قوم مرا صید خواهید کرد و جانهای خود را زنده نگاه خواهید داشت؟

و مرا در میان قوم من برای مشت جوینی و لقمه نانی بخرمت میکنید چونکه به قوم من که به دروغ شما گوش میگیرند دروغ گفته، جانهای را که مستوجب موت نیستند می کشید و جانهای را که مستحق حیات نمی باشند زنده نگاه میدارید.

۲۰ لهذا خداوند یهوه چنین میگوید: اینک من به ضد بالشهای شما هستم که به واسطه آنها جانها را مثل مرغان صید میکنید. و آنها را از بازوهای شما خواهم درید و کسانی را که جانهای ایشان را مثل مرغان صید میکنید، رهایی خواهم داد.

۲۱ و مندیلهای شما را خواهم درید و قوم خود را از دست شما خواهم رهانید و دیگر در دست شما نخواهند بود تا ایشان را صید کنید پس خواهید دانست که من یهوه هستم.

۲۲ چونکه شما به دروغ خود، دل مرد عادل را که من محزون نساختم، محزون ساختهاید و دستهای مردش پر از تقویت داده‌اید تا از رفتار قبیح خود بازگشت ننمایند و زنده نشود.

۲۳ لهذا بار دیگر رویای باطل نخواهید دید و غیب گوئی نخواهید نمود. و چون قوم

خود را از دست شمارهایی دهم، آنگاه خواهید دانست که من یهوه میباشم.»

محکومیت بتپرستان

و کسانی چند از مشایخ اسرائیل نزد من آمده، پیش رویم نشستند.

۲ آنگاه کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان این اشخاص، بت‌های خویش را در دل‌های خود جای دادند و سنگ مصادم

گناه خویش را پیش روی خود نهادند. پس آیا ایشان از من مسالت نمایند؟

لذا ایشان را خطاب کن و به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: هر کسی از خاندان

اسرائیل که بت‌های خویش را در دل خود جای دهد و سنگ مصادم گناه خویش را پیش

روی خود بنهد و نزد نبی بیاید، من که یهوه هستم آن را که می‌آید موافق کثرت بت‌پایش اجابت

خواهم نمود

تا خاندان اسرائیل را در افکار خودشان گرفتار سازم چونکه جمیع ایشان به سبب بت‌های

خویش از من مرتد شده‌اند.

۶ بنابراین به خاندان اسرائیل بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: توبه کنید و از بت‌های

خود بازگشت نمائید و روی‌های خویش را از همه رجاسات خود برگردانید.

۷ زیرا هر کس چه از خاندان اسرائیل و چه از غریبانی که در اسرائیل ساکن باشند

که از پیروی من مرتد شده، بت‌های خویش را در دلش جای دهد و سنگ مصادم گناه

خود را پیش رویش نهاده، نزد نبی آید تا به واسطه او از من مسالت نماید، من که یهوه هستم

خود او را جواب خواهم داد.

۸ و من نظر خود را بر آن شخص دوخته، او را مورد دهشت خواهم ساخت تا اعلامتی

و ضرر بالمثل بشود و او را از میان قوم خود منقطع خواهم ساخت و خواهید دانست که

من یهوه هستم.

۹ و اگر نبی فریب خورده، سخنی گوید، من که یهوه هستم آن نبی را فریب داده‌ام و دست

خود را بر او دراز کرده، او را از میان قوم خود اسرائیل منقطع خواهم ساخت.

۱۰ و ایشان بارگاهان خود را متحمل خواهند شد و گناه مسالت کننده مثل گناه آن

نبی خواهد بود.

۱۱ تاخاندان اسرائیل دیگر از پیروی من گمراه نشوند و باز به تمامی تقصیرهای خویش نجس نگردند. بلکه خداوند یهوه میگوید: ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود.»

داوری

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی پسر انسان اگر زمینی خیانت کرده، به من خطا ورزد و اگر من دست خود را بر آن دراز کرده، عصای نانش را بشکنم و قحطی در آن فرستاده، انسان و بهایم را از آن منقطع سازم،

اگر چه این سه مرد یعنی نوح و دانیال و ایوب در آن باشند، خداوند یهوه میگوید که ایشان (قط) جانهای خود را به عدالت خویش خواهند رهانید.

۱۵ واگر حیوانات درنده به آن زمین بیاورم که آن را از اهل آن خالی سازند و چنان ویران شود که از ترس آن حیوانات کسی از آن گذر نکند،

اگر چه این سه مرد در میانش باشند، خداوند یهوه میگوید: به حیات خودم قسم که ایشان پسران و دختران را رهایی نخواهند داد. ایشان به تنهایی رهایی خواهند یافت ولی زمین ویران خواهد شد.

۱۷ یا اگر شمشیری به آن زمین آورم و بگویم: ای شمشیر از این زمین بگذر. و اگر انسان و بهایم را از آن منقطع سازم،

اگر چه این سه مرد در میانش باشند، خداوند یهوه میگوید: به حیات خودم قسم که پسران و دختران را رهایی نخواهند داد بلکه ایشان به تنهایی رهایی خواهند یافت.

۱۹ یا اگر باد آن زمین بفرستم و خشم خود را بر آن باخون بریزم و انسان و بهایم را از آن منقطع بسازم،

اگر چه نوح و دانیال و ایوب در میانش باشند خداوند یهوه میگوید: به حیات خودم قسم که نه پسر و نه دختری را رهایی خواهند داد بلکه ایشان (قط) جانهای خود را به عدالت خویش خواهند رهانید.

۲۱ پس خداوند یهوه چنین میگوید: چه قدر زیاده حینی که چهار عذاب سخت خود یعنی شمشیر و قحط و حیوان درنده و و بار ابر اورشلیم بفرستم تا انسان و بهایم را از آن منقطع سازم.

۲۲ لیکن اینک بقیتی از پسران و دخترانی که بیرون آورده میشوند در آن وا گذاشته خواهد شد. هان ایشان را نزد شما بیرون خواهند آورد و رفتار و اعمال ایشان را خواهید دید و از بلایی که بر اورشلیم وارد آورده و هر آنچه بر آن رسانیده باشم، تسلی خواهید یافت. ۲۳ و چون رفتار و اعمال ایشان را ببینید شمار تسلی خواهند داد و خداوند یهوه میگوید: شما خواهید دانست که هر آنچه به آن کردم بیسبب بجانیاوردم.»

اورشلیم تا کیشمر

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی پسر انسان درخت مودر میان سایر درختان چپست و شاخه مودر میان درختان جنگل چه میبشد؟

آیا چوب از آن برای کردن هیچ کاری گرفته میشود؟ یا میخی از آن برای آویختن هیچ ظرفی میگیرند؟

هان آن را برای هیزم در آتش میاندازند و آتش هر دو طرفش را می سوزاند و میانش نیمسوخته میشود پس آیا برای کاری مفید است؟

اینک چون تمام بود برای هیچ کار مصرف نداشت. چند مرتبه زیاده وقتی که آتش آن را سوزانیده و نیمسوخته باشد، دیگر برای هیچ کاری مصرف نخواهد داشت.» بنا بر این خداوند یهوه چنین میگوید: «ثل درخت مودر که آن را از میان درختان جنگل برای هیزم و آتش تسلیم کرده‌ام، همچنان سکنه اورشلیم را تسلیم خواهد نمود.»

۷ و نظر خود را بر ایشان خواهم دوخت. از یک آتش بیرون میآیند و آتشی دیگر ایشان را خواهد سوزانید. پس چون نظر خود را بر ایشان دوخته باشم، خواهید دانست که من یهوه هستم.»

و خداوند یهوه میگوید: «هسبب خیانتی که ورزید هاند زمین را ویران خواهم ساخت.»

بی وفایی اور شلیم

و کلام خداوند بر من نازل شدہ، گفت:

«ی پسر انسان اور شلیم را از جاساتش آگاہ ساز!

ویگو خداوند یہوہ بہ اور شلیم چنین میفرماید: اصل و ولادت تو از زمین کنعان است. پدرت اموری و مادرت حتی بود.

۴ و اما ولادت تو. در روزی کہ متولد شدی نافت را نہریدند و تورا بہ آب غسل نہ دادند و طاهر نہ ساختند و نمک نہ مالیدند و بہ قنہ اقبہ نہ پیچیدند.

۵ چشمی بر تو شفقت نہ نمود و بر تو رحمت نفرمود تا یکی از اینکارہار برای تو بعمل آورد. بلکہ در روز ولادت جان تو را خوار شمرده، تورا بروی صحرا انداختند.

۶ و من از نزد تو گذر نمودم و تورا در خونت غلطان دیدم. پس تورا گفتم: ای کہ بہ خونت آلودہ هستی! یلی گفتم: ای کہ بہ خونت آلودہ هستی، زندہ شو!

و تورا مثل نباتات صحرا بسیار افزودم تا نمو کردہ، بزرگ شدی و بہ زیبایی کامل رسیدی. پستانہایت بر خاستہ و مویہایت بلند شد، لیکن برہنہ و عریان بودی.

«چون از تو گذر کردم بر تو نگرہستم و اینک زمان تو زمان محبت بود. پس دامن

خود را بر تو پهن کردہ، عریانی تو را مستور ساختم و خداوند یہوہ میگوید کہ با تو قسم خوردم و با تو عہد بہستم و از آن من شدی.

۹ و تورا بہ آب غسل دادہ، تورا از خونت طاهر ساختم و تورا بہ روغن تدهین کردم.

۱۰ و تورا بہ لباس قلابدوزی ملبس ساختم و نعلین پوست خز بہ پایت کردم و تورا بہ گنان نازک آراستہ و بہ ابریشم پیراستہ ساختم.

۱۱ و تورا بہ زیورہا زینت دادہ، دستبند ہا بردستت و گردن بندی بر گردنت نہادم.

۱۲ و حلقہای در بینی و گوشوار ہا در گوشہایت و تاج جمالی بر سرت نہادم.

۱۳ پس با طلا و نقرہ آرایش یافتی و لباس از گنان نازک و ابریشم قلابدوزی بود آورد میدہ و عسل و روغن خوردی و بینہایت جمیل شدہ، بہ درجہ ملوکانہ ممتاز گشتی.

۱۴ و آوازه تو به سبب زیباییت در میان امتها شایع شد. زیرا خداوند یهوه میگوید که آن زیبایی از جمال من که بر تو نهاده بودم کامل شد.

«ما بر زیبایی خود تو کل نمودی و به سبب آوازه خویش زنا کار گردیدی و زنای خویش را بر هر رهگذری ریختی و از آن اوشد.

۱۶ و از لباسهای خود گرفتی و مکانهای بلند رنگارنگ برای خود ساخته، بر آنها زنا نمودی که مثل اینکارها واقع نشده و نخواهد شد.

۱۷ و زیورهای زینت خود را از طلا و نقره (ن که به تو داده بودم) رفته، تمثالهای مردان را ساخته با آنها زنا نمودی.

۱۸ و لباس قلابدوزی خود را گرفته، به آنها پوشانیدی و روغن و بخور مرا پیش آنها گذاشتی.

۱۹ و نان مرا که به تو داده بودم و آرد میده و روغن و عسل را که رزق تو ساخته بودم، پیش آنها برای هدیه خوشبویی نهادی و چنین شد. قول خداوند یهوه این است.

۲۰ و پسران و دختران را که برای من زاییده بودی گرفته، ایشان را به جهت خوراک آنها ذبح نمودی. آیا زنا کاری تو کم بود

که پسران مرا نیز کشتی و ایشان را تسلیم نمودی که برای آنها ز آتش گذرانیده شوند؟ و در تمامی رجاسات و زنای خود ایام جوانی خود را حینی که عریان و برهنه بودی و در خون خود میغلطیدی پیاد نیاوردی.»

و خداوند یهوه میگوید: «ای بر تو! وای بر تو! زیرا بعد از تمامی شرارت خود، خرابات را برای خود بنا نمودی و عمارات بلند در هر کجای خود ساختی.

۲۵ بسر هر راه عمارت های بلند خود را بنا نموده، زیبایی خود را مکروه ساختی و برای هر راهگذری پایهای خویش را گشوده، زنا کاریهای خود را افزودی.

۲۶ و با همسایگان خود پسران مصر که بزرگ گوشت میباشند، زنا نمودی و زنا کاری خود را افزوده، خشم مرا به جان آوردی.

۲۷ لهذا اینک من دست خود را بر تو دراز کرده، و وظیفه تو را قطع نمودم و تو را به آرزوی دشمنان یعنی دختران فلسطینیان که از رفتار قبیح تو خجل بودند، تسلیم نمودم.

۲۸ و چونکه سیر نشدی باین آشور نیز زنا نمودی و با ایشان نیز زنا نموده، سیر نگشتی.

۲۹ وزنا کاریهای خود را از زمین کنعان تا زمین کلدانیان زیاد نمودی و از این هم سیر نشدی.»
خداوند یهوه میگوید: «ل توجّه قدر ضعیف است که تمامی این اعمال را که کارزن زانیه
سلیطه میباشند، بعمل آوردی.

۳۱ که بسر هر راه خرابات خود را بنا نمودی و در هر کوچه عمارات بلند خود را ساختی
و مثل فاحشه های دیگر نبودی چونکه اجرت را خوار شمردی.

۳۲ ای زن زانیه که غریبان را به جای شوهر خود می گیری!
به جمیع فاحشه ها اجرت میدهند.

و عادت تو در زنا کاریت بر عکس سایر زنان است. چونکه کسی به جهت زنا کاری
از عقب تو نمی آید و تو اجرت میدهی و کسی به تو اجرت نمی دهد. پس عادت تو بر
عکس دیگران است.»

بنابراینای زانیه! کلام خداوند را بشنو!

خداوند یهوه چنین میگوید: «ونکه نقد تو ریخته شد و عریانی تو از زنا کاریت با عاشقانت
و با همه تبهای رجاسات و از خون پسرانت که به آنها دادی مکشوف گردید،

لذا هان من جمیع عاشقانت را که به ایشان ملتذّبودی و همه آنان را که دوست داشتی،
با همه کسانی که از ایشان نفرت داشتی جمع خواهم نمود. و ایشان را از هر طرف نزد
تو فراهم آورده، برهنگی تو را به ایشان مکشوف خواهم ساخت، تا تمامی عریانیّت را ببینند.

۳۸ و بر تو فتوای زنانی را که زنا میکنند و خونریز میباشند، خواهم داد. و خون
غضب و غیرت را بر تو وارد خواهم آورد.

۳۹ و تو را به دست ایشان تسلیم نموده، خراباتهای تو را خراب و عمارات بلند تو را منهدم
خواهند ساخت. و لباس را از تو خواهند کند و زیورهای قشنگ تو را خواهند
گرفت و تو را عریان و برهنه خواهند گذاشت.

۴۰ و گروهی بر تو آورده، تو را به سنگها سنگسار خواهند کرد و به شمشیرهای خود تو را
راپاره پاره خواهند نمود.

۴۱ و خانه های تو را به آتش سوزانیده، در نظر زنان بسیار بر تو عقوبت خواهند رسانید.
پس من تو را از زنا کاری باز خواهم داشت و بار دیگر اجرت نخواهی داد.

۴۲ وحدت خشم خود را بر توفرو خواهم نشانید و غیرت من از تو خواهد برگشت و آرام گرفته، بار دیگر غضب نخواهم نمود.

۴۳ چونکه ایام جوانی خود را به یاد نیاورده، مرا به همه اینکارها رنجاندیدی، از این جهت خداوند یهوه میگوید که اینک نیز رفتار تو را بر سرت وارد خواهم آورد و علاوه بر تمامی رجاسات دیگر این عمل قبیح را مرتکب نخواهی شد.

«ینک هر که مثل میآورد این مثل را بر تو آورده، خواهد گفت که مثل مادر، مثل دخترش میباشد.

۴۵ تو دختر مادر خود هستی که از شوهر و پسران خود نفرت میداشت. و خواهر خواهران خود هستی که از شوهران و پسران خویش نفرت میدارند. مادر شما حتی بود و پدر شما اموری.

۴۶ و خواهر بزرگ تو سامره است که با دختران خود بطرف چپ تو ساکن میباشد. و خواهر کوچک تو سدوم است که با دختران خود بطرف راست تو ساکن میباشد.

۴۷ اما تو در طریق های ایشان سلوک نکردی و مثل رجاسات ایشان عمل نمودی. بلکه گویا این سهل بود که تو در همه رفتار خود از ایشان زیاده فاسد شدی.»

پس خداوند یهوه میگوید: «ه حیات خودم قسم که خواهر تو سدوم و دخترانش موافق اعمال تو و دخترانت عمل نمودند.

۴۹ اینک گناه خواهرت سدوم این بود که تکبر و فراوانی نان و سعادت مندی رفاهیت برای او و دخترانش بود و فقیران و مسکینان را دستگیری نمودند.

۵۰ و مغرور شده، در حضور من مرتکب رجاسات گردیدند. لهذا چنانکه صلاح دیدم ایشان را از میان برداشتم.

۵۱ و سامره نصف گناهت را مرتکب نشد، بلکه تو رجاسات خود را از آنها زیاده نمودی و خواهران خود را به تمامی رجاسات خویش که بعمل آوردی مبری ساختی.

۵۲ پس تونیز که بر خواهران خود حکم دادی بخالت خود را متحمل بشو. زیرا به گناهت که در آنها بیشتر از ایشان رجاسات نمودی ایشان از تو عادلتر گردیدند. لهذا تونیز نجل شو و سوابی خود را متحمل باش چونکه خواهران خود را مبری ساختی.

۵۳ و من اسیری ایشان یعنی اسیری سدوم و دخترانش و اسیری سامره و دخترانش و اسیری اسیران تور در میان ایشان خواهم برگردانید.

۵۴ تا بحالت خود را متحمل شده، از هر چه کرده‌های شرمنده شوی چونکه ایشان را تسلی داده‌ای.

۵۵ و خواهرانت یعنی سدوم و دخترانش به حالت نخستین خود خواهند برگشت. و سامره و دخترانش به حالت نخستین خود خواهند برگشت. و تو و دخترانت به حالت نخستین خود خواهید برگشت.

۵۶ اما خواهر تو سدوم در روز تکبر تو به زبانت آورده نشد.

۵۷ قبل از آنکه شرارت تو مکشوف بشود. مثل آن زمانی که دختران ارام مذمت میکردند و جمیع مجاورانش یعنی دختران فلسطینیان که تو را از هر طرف خوار می‌شمردند، پس خداوند میفرماید که «و قباح و رجاسات خود را متحمل خواهی شد.

۵۹ زیرا خداوند یهوه چنین میگوید: به نهجی که تو عمل نمودی من با تو عمل خواهم نمود، زیرا که قسم را خوار شمرده، عهد را شکستی.

۶۰ لیکن من عهد خود را که در ایام جوانیت با تو بستم به یاد خواهم آورد و عهد جاودانی با تو استوار خواهم داشت.

۶۱ و هنگامی که خواهران بزرگ و کوچک خود را پذیرفته باشی، آنگاه راههای خود را به یاد آورده، نخل خواهی شد. و من ایشان را به جای دختران به تو خواهم داد، لیکن نه از عهد تو.

۶۲ و من عهد خود را با تو استوار خواهم ساخت و خواهی دانست که من یهوه هستم.

۶۳ تا آنکه به یاد آورده، نخل شوی. و خداوند یهوه میفرماید که چون من همه

کارهای تو را مرزیده باشم، بار دیگر به سبب رسوایی خویش دهان خود را نخواهی گشود.»

دو عقاب و تاک

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان، معمایی بیاور و مثلی درباره خاندان اسرائیل بزن.

- ۳ و بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: عقاب بزرگ که بالهای سترگ و نیهای دراز پراز پرهای رنگارنگ دارد به لبنان آمد و سر سر و آزاد را گرفت.
- ۴ و سر شاخه هایش را کند، آن را به زمین تجارت آورده، در شهر سوداگران گذاشت.
- ۵ و از تخم آن زمین گرفته، آن را در زمین باروری نهاد و نزد آبهای بسیار گذاشته، آن را مثل درخت پید، غرس نمود.
- ۶ و آن غو کرده، مو و وسیع کوتاه قد گردید که شاخه هایش بسوی او مایل شد و ریشه هایش در زیری میبود. پس موی شده شاخه هارویانید و نهالهها آورد.
- ۷ و عقاب بزرگ دیگری با بالهای سترگ و پرهای بسیار آمد و اینک این موریشه های خود را بسوی او برگردانید و شاخه های خویش را از کرته های بستان خود بطرف او بیرون کرد تا او وی را سیراب نماید.
- ۸ در زمین نیکو نزد آبهای بسیار کاشته شد تا شاخه هارویانیده، میوه بیاورد و موقشنگ گردد.
- ۹ بگو که خداوند یهوه چنین میفرماید: پس آیا کامیاب خواهد شد؟ آیا اوریشه هایش را نخواهد کند و میوه اش را نخواهد چید تا خشک شود؟ تمامی برگهای تازه اش خشک خواهد شد و بدون قوت عظیم و خلق بسیاری از ریشه ها کنده خواهد شد.
- ۱۰ اینک غرس شده است اما کامیاب نخواهد شد. بلکه چون باد شرقی بر آن بوزد بالکل خشک خواهد شد و در بوستانی که در آن روید پزمرده خواهد گردید.»
- و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
- «این خاندان متمرّد بگو که آیا معنی این چیزها را نمی دانید؟ بگو که اینک پادشاه بابل به اورشلیم آمده، پادشاه و سرورانش را گرفت و ایشان را نزد خود به بابل برد.
- ۱۳ و از ذریه ملوک گرفته، با او عهد بست و او را قسم داد و زور او را در زمین را برد.
- ۱۴ تا آنکه مملکت پست شده، سر بلند نکند اما عهد او را نگاه داشته، استوار بماند.
- ۱۵ ولیکن او از وی عاصی شده، ایلچیان خود را به مصر فرستاد تا اسبان و خلق بسیاری به او بدهند. آیا کسیکه اینکارها را کرده باشد، کامیاب شود یا رهایی یابد؟ و آیا کسیکه عهد را شکسته است خلاصی خواهد یافت؟»

خداوند یهوه میگوید: «ه حیات خودم قسم که البته در مکان آن پادشاه که او را به پادشاهی نصب کرد و او قسم وی را خوار شمرده، عهد او را شکست یعنی نزد وی در میان بابل خواهد مرد.»

۱۷ و چون سنگرها برپا سازند و بر جهانها نمایند تا جانهای بسیاری را منقطع سازند، آنگاه فرعون بالشرک عظیم و گروه کثیر او را در جنگ اعانت نخواهد کرد.

۱۸ چونکه قسم را خوار شمرده، عهد او را شکست و بعد از آنکه دست خود را داده بود همه اینکارها را بعمل آورد، پس رهایی نخواهی یافت.»

بنابر این خداوند یهوه چنین میگوید: «ه حیات خودم قسم که سوگند مرا که او خوار شمرده و عهد مرا که شکسته است البته آنها را بر سر او وارد خواهم آورد.»

۲۰ و دام خود را بر او خواهم گسترانید و او در کمند من گرفتار خواهد شد و او را به بابل آورده، در آنجا بروی در باره خیانتی که به من ورزیده است محاکمه خواهم نمود.

۲۱ و تمامی فراریانش با جمیع افواجش از شمشیر خواهند افتاد و بقیه ایشان بسوی هر باد پراکنده خواهند شد و خواهید دانست که من که یهوه میباشم این را گفته‌ام.»

خداوند یهوه چنین میفرماید: «ن سر بلند سر و آزاد را گرفته، آن را خواهم کاشت و از سر اغصانش شاخه تازه کنده، آن را بر کوه بلند و رفیع غرس خواهم نمود.»

۲۳ آن را بر کوه بلند اسرائیل خواهم کاشت و آن شاخه‌ها روینایده، میوه خواهد آورد. و سر و آزاد قشنگ خواهد شد که هر قسم مرغان بالدار زیر آن ساکن شده، در سایه شاخه هایش آشیانه خواهند گرفت.

۲۴ و تمامی درختان صحرا خواهند دانست که من یهوه درخت بلند را پست میکنم و درخت پست را بلند میسازم و درخت سبز را خشک و درخت خشک را بارور میسازم. من که یهوه هستم این را گفته‌ام و بجا خواهم آورد.»

موت، مجازات نگاه

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ما چه کار دارید که این مثل را در باره زمین اسرائیل میزنید و میگویید: پدران انگور ترش خوردند و نندانهای پسران کند گردید.»

خداوند یهوه میگوید: «ه حیات خودم قسم که بعد از این مثل را در اسرائیل نخواهید آورد. ^۴ اینک همه جانها از آن منند چنانکه جان پدر است، همچنین جان پسر نیز، هر دوی آنها از آن من میباشند. هر کسیکه گناه ورزدا و خواهد مرد.

^۵ و اگر کسی عادل باشد و انصاف و عدالت را بعمل آورد، و بر کوهها نخورد و چشمان خود را بسوی بتهای خاندان اسرائیل بر نیفر از دوزن همسایه خود را بیعصمت نکند و به زن حایض نزدیکی ننماید، و بر کسی ظلم نکند و گرو قرضدار را به او نماند و مال کسی را به غصب نبرد، بلکه نان خود را به گرسنگان بدهد و بر هنگان را به جامه پیوشاند، و نقد را به سود ندهد و ربح نگیرد، بلکه دست خود را از ستم برداشته، انصاف حقیقی را در میان مردمان اجرا دارد، و به فریاض من سلوک نموده و احکام مرا نگاه داشته، به راستی عمل نماید. خداوند یهوه میفرماید که آن شخص عادل است و البته زنده خواهد ماند.

«ما اگر او پسری ستم پیشه و خونریز تولید نماید که یکی از این کارها را بعمل آورد، و هیچکدام از آن اعمال نیکو را بعمل نیاورد بلکه بر کوهها نیز بخورد و دوزن همسایه خود را بیعصمت سازد، و بر فقیران و مسکینان ظلم نموده، مال مردم را به غصب ببرد و گرو را پس ندهد، بلکه چشمان خود را بسوی بتها بر افراشته، مرتکب رجاسات بشود، و نقد را به سود داده، ربح گیرد، آیا او زنده خواهد ماند؟ البته او زنده نخواهد ماند و به سبب همه رجاساتی که بجای آورده است خواهد مرد و خویش بر سرش خواهد بود.

«اگر پسری تولید نماید که تمامی گناهان را که پدرش بجای آورد دیده، برسد و مثل آنها عمل ننماید، و بر کوهها نخورد و چشمان خود را بسوی بتهای خاندان اسرائیل بر نیفر از دوزن همسایه خویش را بیعصمت نکند،

و بر کسی ظلم نکنند و گرونگیرد و مال احدی را به غصب نبرد بلکه نان خود را به گرسنگان دهد و برهنگان را به جامه پوشاند،

و دست خود را از فقیران برداشته، سود و ربح نگیرد و احکام را بجا آورده، به فریض من سلوک نماید، او به سبب گناه پدرش نخواهد مرد بلکه البته زنده خواهد ماند. ۱۸ و اما پدرش چونکه با برادران خود به شدت ظلم نموده، مال ایشان را غصب نمود و اعمال شنیع را در میان قوم خود بعمل آورد و البته به سبب گناهانش خواهد مرد.

«یکن شما میگویند چرا چنین است؟ آیا پسر متحمل گناه پدرش نمی باشد؟ اگر پسر انصاف و عدالت را بجا آورده، تمامی فریض مرا نگاه دارد و به آنها عمل نماید، او البته زنده خواهد ماند.»

۲۰ هر که گناه کند او خواهد مرد. پسر متحمل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحمل گناه پسرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود.

«اگر مردش راز همه گناهی که ورزیده باشد بازگشت نماید و جمیع فریض مرا نگاه داشته، انصاف و عدالت را بجا آورد و البته زنده مانده نخواهد مرد.»

۲۲ تمامی تقصیرهایی که کرده باشد به ضد او به یاد آورده نخواهد شد بلکه در عدالتی که کرده باشد زنده خواهد ماند.»

خداوند یهوه میفرماید: «یا من از مردن مردش ریزم سرور میباشم؟ نی بلکه از اینکه از رفتار خود بازگشت نموده، زنده مانده.»

۲۴ و اگر مرد عادل از عدالتش برگردد و ظلم نموده، موافق همه رجاساتی که شریران میکنند عمل نماید آیا او زنده خواهد ماند؟ نی بلکه تمامی عدالت او که کرده است به یاد آورده نخواهد شد و در خیانتی که نموده و در گناهی که ورزیده است خواهد مرد.

«ما شما میگویند که طریق خداوند موزون نیست. پس حالای خاندان اسرائیل بشنوید: آیا طریق من غیر موزون است و آیا طریق شما غیر موزون نیست؟

چونکه مرد عادل از عدالتش برگردد و ظلم کند در آن خواهد مرد. به سبب ظلمی که کرده است خواهد مرد.»

- ۲۷ و چون مردش بر ارازش راتی که کرده است بازگشت نماید و انصاف و عدالت را بجا آورد، جان خود را زنده نگاه خواهد داشت.
- ۲۸ چونکه تعقل نموده، از تمامی تقصیرهایی که کرده بود بازگشت کرد البته زنده خواهد ماند و نخواهد مرد.
- ۲۹ لیکن شما ای خاندان اسرائیل میگویند که طریق خداوند موزون نیست. ای خاندان اسرائیل آیا طریق من غیر موزون است و آیا طریق شما غیر موزون نیست؟»
- بنابر این خداوند یهوه میگوید: «ای خاندان اسرائیل من بر هر یک از شما موافق رفتار ش داور می خواهم نمود. پس توبه کنید و از همه تقصیرهای خود بازگشت نماید تا نگاه موجب هلاکت شما نشود.
- ۳۱ تمامی تقصیرهای خویش را که مرتکب آنها شده اید از خود دور اندازید و دل تازه و روح تازه ای برای خود ایجاد کنید. زیرا کهای خاندان اسرائیل برای چه بمیرید؟ زیرا خداوند یهوه میگوید: من از مرگ آنکس که میمیرد مسرور نمی باشم. پس بازگشت نموده، زنده مانید.»

مرثیه برای سروران اسرائیل

- «س تو این مرثیه را برای سروران اسرائیل بخوان
- و بگو: مادر تو چه بود. او در میان شیران شیر ماده میخوابید و بچه های خود را در میان شیران ژیان میپرورد.
- ۳ و یکی از بچه های خود را تربیت نمود که شیر ژیان گردید و به دریدن شکار آموخته شد و مردمان را خورد.
- ۴ و چون امتها خبر او را شنیدند، در حفرة ایشان گرفتار گردید و او را در غلها به زمین مصر بردند.
- ۵ و چون مادرش دید که بعد از انتظار کشیدن امیدش بریده شد، پس از بچه هایش دیگری را گرفته، او را شیری ژیان ساخت.
- ۶ و او در میان شیران گردش کرده، شیر ژیان گردید و به دریدن شکار آموخته شده، مردمان را خورد.
- ۷ و قصرهای ایشان را ویران و شهرهای ایشان را خراب نمود و زمین و هر چه در آن بود از آواز غرش او تهی گردید.

- ۸ و امتها از کشورهای اطراف بر او هجوم آورده، دام خود را بر او گسترانیدند که به حفرة ایشان گرفتار شد.
- ۹ و او را در غلها کشیده، در قفس گذاشتند و نزد پادشاه بابل بردند و او را در قلعه‌های نهادند تا آواز او دیگر بر کوه‌های اسرائیل مسموع نشود.
- «او در تو مثل درخت موم مانند خودت نزد آب‌ها غرس شده، به سبب آب‌های بسیار میوه آورد و شاخه بسیار داشت.
- ۱۱ و شاخه‌های قوی برای عصاهای سلاطین داشت. و قد آن در میان شاخه‌های پر برگ به حدی بلند شد که از کثرت اغصانش ارتفاعش نمایان گردید.
- ۱۲ اما به غضب کنده و به زمین انداخته شد. و باد شرقی میوه‌هاش را خشک ساخت و شاخه‌های قوی‌اش شکسته و خشک گردیده، آتش آنها را سوزانید.
- ۱۳ و الان در بیابان در زمین خشک و تشنه مغروس است.
- ۱۴ و آتش از عصاهای شاخه‌هایش بیرون آمده، میوه‌هاش را سوزانید. به نوعی که یک شاخه قوی برای عصای سلاطین نمانده است. این مرثیه است و مرثیه خواهد بود.»

اسرائیل سرکش

و در روز دهم ماه پنجم از سال هفتم بعضی از مشایخ اسرائیل به جهت طلبیدن خداوند آمدند و پیش من نشستند.

۲ آنگاه کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ای پسر انسان مشایخ اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: آیا شما برای طلبیدن من آمدید؟ خداوند یهوه میگوید: به حیات خود قسم که از شما طلبیده نخواهم شد.

۴ ای پسر انسان آیا بر ایشان حکم خواهی کرد؟ آیا بر ایشان حکم خواهی کرد؟ پس رجاسات پدران ایشان را بدیشان بفهمان.

۵ و به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید در روزی که اسرائیل را برگردم و دست خود را بر ای ذریت خاندان یعقوب برافراشتم و خود را به ایشان در زمین مصر معروف

ساختم و دست خود را برای ایشان برافراشته، گفتم: من یهوه خدای شما هستم، در همان روز دست خود را برای ایشان برافراشتم که ایشان را از زمین مصر به زمینی که برای ایشان بازدید کرده بودم بیرون آورم. زمینی که به شیروشه جاری است و نفر همه زمینها میباشد.

۷ و به ایشان گفتم: هر کس از شمار جاسات چشمان خود را دور کند و خویشتن را به بت‌های مصر نجس نسازد، زیرا که من یهوه خدای شما هستم.

۸ اما ایشان از من عاصی شده، نخواستند که به من گوش گیرند. و هر کس از ایشان رجاسات چشمان خود را دور نکرد و بت‌های مصر را ترک ننمود. آنگاه گفتم که خشم خود را بر ایشان خواهم ریخت و غضب خویش را در میان زمین مصر بر ایشان به اتمام خواهم رسانید.

۹ لیکن محض خاطر اسم خود عمل نمودم تا آن در نظرامت‌هایی که ایشان در میان آنها بودند و در نظر آنها خود را به بیرون آوردن ایشان از زمین مصر، به ایشان شناسانیدم، بچرمت نشود.

۱۰ پس ایشان را از زمین مصر بیرون آورده، به بیابان رسانیدم.

۱۱ و فریض خویش را به ایشان دادم و احکام خود را که هر که به آنها عمل نماید به آنها زنده خواهد ماند، به ایشان تعلیم دادم.

۱۲ و نیز سبب‌های خود را به ایشان عطا فرمودم تا علامتی در میان من و ایشان بشود و بدانند که من یهوه هستم که ایشان را تقدیس مینمایم.

«یکن خاندان اسرائیل در بیابان از من عاصی شده، در فریض من سلوک ننمودند. و احکام مرا که هر که به آنها عمل نماید از آنها زنده ماند، خوار شدند و سبت‌هایم را بسیار بی حرمت نمودند. آنگاه گفتم که خشم خود را بر ایشان ریخته، ایشان را در بیابان هلاک خواهم ساخت.

۱۴ لیکن محض خاطر اسم خود عمل نمودم تا آن در نظرامت‌هایی که ایشان را به حضور آنها بیرون آوردم بچرمت نشود.

- ۱۵ و من نیز دست خود را برای ایشان در بیابان برافراشتم که ایشان را به زمینی که به ایشان داده بودم، داخل نسازم. زمینی که به شیرو شهید جاری است و نقر تمامی زمینها می باشد.
- ۱۶ زیرا که احکام مرا خوار شمردند و به فرایض سلوک نمودند و سبت های مرا بجزمت ساختند، چونکه دل ایشان به تهای خود مایل میبود.
- ۱۷ لیکن خشم من بر ایشان رقت نموده، ایشان را هلاک نساختم و ایشان را در بیابان، نابود نمودم.
- ۱۸ و به پسران ایشان در بیابان گفتم: به فرایض پدران خود سلوک ننمایید و احکام ایشان را نگاه مدارید و خویشتن را به تهای ایشان نجس مسازید.
- ۱۹ من یهوه خدای شما هستم. پس به فرایض من سلوک نمایید و احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید.
- ۲۰ و سبت های مرا تقدیس نمایید تا در میان من و شما اعلامتی باشد و بدانید که من یهوه خدای شما هستم.
- «لیکن پسران از من عاصی شده، به فرایض من سلوک نمودند و احکام مرا که هر که آنها را بجا آورد از آنها زنده خواهد ماند، نگاه نداشتند و به آنها عمل ننمودند و سبت های مرا بجزمت ساختند. آنگاه گفتم که خشم خود را بر ایشان ریخته، غضب خویش را بر ایشان در بیابان به اتمام خواهم رسانید.
- ۲۲ لیکن دست خود را برگردانیده، محض خاطر اسم خود عمل نمودم تا آن به نظرات هایی که ایشان را به حضور آنها بیرون آوردم بجزمت نشود.
- ۲۳ و من نیز دست خود را برای ایشان در بیابان برافراشتم که ایشان را در میان امتهای پراکنده نمایم و ایشان را در کشورها متفرق سازم.
- ۲۴ زیرا که احکام مرا بجانیاوردند و فرایض مرا خوار شمردند و سبت های مرا بجزمت ساختند و چشمان ایشان بسوی تهای پدران ایشان نگران میبود.
- ۲۵ بنابراین من نیز فرایضی را که نیکو نبود و احکامی را که از آنها زنده نمانند به ایشان دادم.

۲۶ و ایشان را به هدایای ایشان که هر کس را که رحم را میگذرد از آتش میگذرانیدند، نجس ساختم تا ایشان را تباه سازم و بدانند که من یهوه هستم.

«نابراینای پسرانسان خاندان اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: در این دفعه نیز پدران شما خیانت کرده، به من کفر ورزیدند.

۲۸ زیرا که چون ایشان را به زمینی که دست خود را برافراشته بودم که آن را به ایشان بدهم در آوردم، آنگاه به هر تل بلند و هر درخت کشتن نظر انداختند و ذبایح خود را در آنجا ذبح نمودند و قربانی های غضب انگیز خویش را گذرانیدند. و در آنجا هدایای خوشبوی خود را آوردند و در آنجا هدایای ریختنی خود را ریختند.

۲۹ و به ایشان گفتم: این مکان بلند که شما به آن میروید چیست؟ پس اسم آن تا امروز بامه خوانده میشود.

داوری و بازسازی

«نابراین به خاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: آیا شما به رفتار پدران خود خویشتن را نجس میسازید و رجاسات ایشان را پیروی نموده، زنا میکنید؟

و هدایای خود را آورده، پسران خویش را از آتش میگذرانید و خویشتن را از تمامی بت های خود تا امروز نجس میسازید؟ پسای خاندان اسرائیل آیا من از شما طلبیده بشوم؟ خداوند یهوه میفرماید به حیات خودم قسم که از شما طلبیده نخواهم شد.

۳۲ و آنچه به خاطر شما خطوری کند هرگز واقع نخواهد شد که خیال میکنید. مثل امتهو مانند قبایل کشورها گردیده، (ت های) چوب و سنگ را عبادت خواهید نمود.

۳۳ زیرا خداوند یهوه میفرماید: به حیات خودم قسم که هر آینه بادست قوی و بازوی برافراشته و خشم ریخته شده بر شما سلطنت خواهد نمود.

۳۴ و شمار از میان امتهای بیرون آورده، به دست قوی و بازوی برافراشته و خشم ریخته شده از زمینهایی که در آنها پراکنده شدهاید جمع خواهم نمود.

۳۵ و شمارا به بیابان امتهادر آورده، در آنجا بر شمار و بر داوروی خواهم نمود.

۳۶ و خداوند یهوه میگوید: چنانکه بر پدران شما در بیابان زمین مصر داوروی نمودم،

همچنین بر شما د اوری خواه م نمود.

۳۷ و شمار از یر عصا گذرانیده، به بند عهد در خواه م آورد.

۳۸ و آنانی را که متمر د شده و از من عاصی گردیده هاند، از میان شما جدا خواه م نمود و ایشان را از زمین غربت ایشان بیرون خواه م آورد. لیکن به زمین اسرائیل داخل نخواهند شد و خواهید دانست که من یهوه هستم.»

اما به شما ای خاندان اسرائیل خداوند یهوه چنین میگوید: «مه شما نزد بت های خود رفته، آنها را عبادت کنید. لیکن بعد از این البته مرا گوش خواهید داد. و اسم قدوس مرا دیگر با هدایا و بت های خود بی عصمت نخواهید ساخت.

۴۰ زیرا خداوند یهوه میفرماید: در کوه مقدس من بر کوه بلند اسرائیل تمام خاندان اسرائیل جمیع در آنجا مر عبادت خواهند کرد و در آنجا از ایشان راضی شده، ذبایح جنبا یندی شما و نو بر های هدایای شمار ا با تمامی موقوفات شما خواه م طلبید.

۴۱ و چون شمار از ا ز ما بیرون آورم و شمار از زمین های که در آنها پراکنده شده هاید جمع نمایم، آنگاه هدایای خوشبوی شمار از شما قبول خواه م کرد و به نظر ام تهادر میان شما تقدیس کرده خواه م شد.

۴۲ و چون شمار به زمین اسرائیل یعنی به زمینی که در بارهاش دست خود را بر افراشتم که آن را به پدران شما بدهم بیاورم، آنگاه خواهی دانست که من یهوه هستم.

۴۳ و در آنجا طریق های خود و تمامی اعمال خویش را که خویشتن را به آنها نجس ساخت هاید، به یاد خواهی آورد. و از همه اعمال قبیح که کرده اید، خویشتن را به نظر خود مکروه خواهی داشت.

۴۴ و ای خاندان اسرائیل خداوند یهوه میفرماید: هنگامی که با شما محض خاطر اسم خود و نه به سزای رفتار قبیح شما و نه موافق اعمال فاسد شما عمل نموده باشم، آنگاه خواهی دانست که من یهوه هستم.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان روی خود را بسوی جنوب متوجه ساز و به سمت جنوب تکلم نما و بر جنگل صحرای جنوب نبوت کن.

۴۷ و به آن جنگل جنوب بگو: کلام خداوند را بشنو. خداوند یهوه چنین میفرماید: اینک من آتشی در تو میافروزم که هر درخت سبز و هر درخت خشک را در تو خواهد سوزانید. و لهیب ملتهب آن خاموش نخواهد شد و همه رویها از جنوب تا شمال از آن سوخته خواهد شد.

۴۸ و تمامی بشر خواهند فهمید که من یهوه آن را افروختم تا خاموشی نپذیرد.»
و من گفتم: «های خداوند یهوه ایشان در باره من میگویند آیا او مثلها نمی‌آورد؟»

بابل شمشیر داوری خدا

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفتم:

«ی‌پسر انسان روی خود را بسوی اورشلیم بدار و به مکان‌های بلند مقدس تکلم نما. و به زمین اسرائیل نبوت کن.

۳ و به زمین اسرائیل بگو: خداوند چنین میفرماید: اینک من به ضد تو هستم. و شمشیر خود را از غلافش کشیده، عادلان و شریران را از میان تو منقطع خواهم ساخت. ۴ و چونکه عادلان و شریران را از میان تو منقطع می‌سازم، بنابراین شمشیر من بر تمامی بشر از جنوب تا شمال از غلافش بیرون خواهد آمد.

۵ و تمامی بشر خواهند فهمید که من یهوه شمشیر خود را از غلافش بیرون کشیدم تا باز به آن برنگردد.

۶ پس تو ای پسر انسان آه بکش! باشکستگی کمر و مرارت سخت به نظر ایشان آه بکش.

۷ و اگر به تو گویند که چرا آه میکشی؟ بگو: به سبب آوازه‌های که می‌آید. زیرا که همه دلها گداخته و تمامی دست‌هاست گردیده و همه جانها کاهیده و جمیع زانوها مثل آب یکتاب خواهد شد. خداوند یهوه میگوید: همانا آن می‌آید و به وقوع خواهد پیوست.»
و کلام خداوند بر من نازل شده، گفتم:

«ی‌پسر انسان نبوت کرده، بگو: خداوند چنین میفرماید: بگو که شمشیر، شمشیر تیز شده و نیز صیقلی گردیده است.

- ۱۰ تیز شده است تا کشتار نماید و صیقلی گردیده تا براق شود. پس آیا ماشادی نمایم؟ عصای پسر من همه درختان را خوار می‌شمارد.
- ۱۱ و آن برای صیقلی شدن داده شد تا آن را بهدست گیرند. و این شمشیر تیز شده و صیقلی گردیده است تا بهدست قاتل داده شود.
- ۱۲ ای پسر انسان فریاد برآور و لوله نماز را که این بر قوم من و بر جمیع سروران اسرائیل وارد می‌آید. ترسها بسبب شمشیر بر قوم من عارض شده است. لهدا بران خود دست بزن.
- ۱۳ زیرا که امتحان است. و چه خواهد بود اگر عصبانی که یگران را (خوار می‌شمارد، دیگر نباشد. قول خداوند یهوه این است:
- و تو ای پسر انسان نبوت کن و دستهای خود را بهم بزن و شمشیر دفعه سوم تکرار بشود. شمشیر مقتولان است. شمشیر آن مقتول عظیم که ایشان را احاطه می‌کند.
- ۱۵ شمشیر برندهای به ضدهمه دروازه‌های ایشان قرار دادم تا دلها گداخته شود و هلاکتها زیاده شود. آه) مشیر (براق گردیده و برای کشتار تیز شده است.
- ۱۶ جمع شده، به جانب راست برو و آراسته گردیده، به جانب چپ توجه نما. بهر طرف که رخسار هایت متوجه می‌باشد.
- ۱۷ و من نیز دستهای خود را بهم خواهم زد و وحدت خشم خویش را ساکن خواهم گردانید. من یهوه هستم که تکلم نمودهام.»
- و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
- «تو ای پسر انسان دوراه به جهت خود تعیین نما تا شمشیر پادشاه بابل از آنها بیاید. هر دوی آنها از یک زمین بیرون می‌آید. و علامتی بر یا کن. آن را بر سر راه شهر برانما.
- ۲۰ راهی تعیین نما تا شمشیر به ره بنی عمون و به یهودا را و اورشلیم منیع بیاید.
- ۲۱ زیرا که پادشاه بابل بر شاهراه، بهسر دوراه ایستاده است تا تافال زند و تیرها را بهم زده، از ترافیم سوال می‌کند و به جگر مینگرد.
- به دست راستش تفال اورشلیم است تا من جنیقه‌ها بر پا کند و دهان را برای کشتار بگشاید و

آواز را به گلبانگ بلند نماید و منجذبه‌ها بر دروازه‌ها برپا کند و سنگ‌ها بسازد و بر جها بنا نماید. ۲۳ لیکن در نظر ایشان که قسم برای آنها خورد هاند، تفال باطل مینماید. و او نگاه ایشان را به یاد می‌آورد تا گرفتار شوند.»

بنابر این خداوند یهوه چنین می‌گوید: «و نکه شما تقصیرهای خویش را منکشف ساخته و خطایای خود را در همه اعمال خویش ظاهر نموده، عصیان خود را یاد آوراید، پس چون به یاد آورده شدید دستگیر خواهید شد.»

۲۵ و تو ای رئیس شریس اسرائیل که به زخم مهلک مجروح شده‌ای و اجل تو در زمان عقوبت آخر رسیده است،

خداوند یهوه چنین می‌گوید: عمامه را دور کن و تاج را بردار. چنین نخواهد ماند. آنچه را که بست است بلند نما و آنچه را که بلند است بست کن.

۲۷ و من آن را سر نگون، سر نگون، سر نگون خواهم ساخت. و این دیگر واقع نخواهد شد تا آنکس بیاید که حق او می‌باشد. و من آن را به وی عطا خواهم نمود.

«تو ای پسر انسان نبوت کرده، بگو: خداوند یهوه در باره بنی عمون و سرزنش ایشان چنین می‌فرماید: بگو که شمشیر، شمشیر برای کشتار کشیده شده است و به غایت صیقلی گردیده تا براق بشود.»

۲۹ چونکه برای تو رویای باطل دید هاند و برای تو تفال دروغ زد هاند تا تو را بر گردنهای مقتولان شری بگزارند که اجل ایشان در زمان عقوبت آخر رسیده است.

۳۰ لہذا آن را به غلافش برگردان و بر تو در مکانی که آفریده شده‌ای و در زمینی که تولد یافتی دآوری خواهم نمود.

۳۱ و خشم خود را بر تو خواهم ریخت و آتش غیظ خود را بر تو خواهم دمید. و تو را به دست مردان وحشی که برای هلاک نمودن چالا کند تسلیم خواهم نمود.

۳۲ و تو برای آتش هیزم خواهی شد و خونت در آن زمین خواهد ماند. پس به یاد آورده خواهی شد زیرا من که یهوه هستم تکلم نمود هام.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان آیا داری خواهی نمود؟ آیا بر شهر خونریز داری خواهی نمود؟ پس آن را از همه رجاساتش آگاه ساز.

۳ و بگو خداوند یهوه چنین می‌فرماید: ای شهری که خون را در میان خودت میریزی تا اجل تو برسد! ای که بتها را به ضد خود ساخته، خویشتن را نجس نمودهای!

به سبب خونی که ریختهای مجرم شده‌های و به سبب بتهایی که ساختهای نجس گردیده‌های. لهذا اجل خویش را نزدیک آورده، به انتهای سالهای خود رسیدهای. لهذا تو را نزد امتها عار و نزد جمیع کشورها مسخره گردانیدهام.

۵ ای پلید نام! وای پر فتنه! آنانی که به تو نزدیک و آنانی که از تو دورند بر تو سخریه خواهند نمود.

۶ اینک سروران اسرائیل، هر کس به قدر قوت خویش مرتکب خونریزی در میان تو می‌بودند.

۷ پدر و مادر را در میان تو هانت نمودند. و غریبان را در میان تو مظلوم ساختند و بر یتیمان و بیوه‌زان در میان تو ستم نمودند.

۸ و تو مقدس‌های مرا خوار شمرده، سبت‌های مرا بی عصمت نمودی.

۹ و بعضی در میان تو به جهت ریختن خون، تمامی مینمودند. و بر کوهها در میان تو غذا می‌خوردند. و در میان تو مرتکب قباحت میشدند.

۱۰ و عورت‌پدران را در میان تو منکشف می‌ساختند. و زنان حایض را در میان تو بی عصمت مینمودند.

۱۱ یکی در میان تو با زن همسایه خود عمل زشت نمود. و دیگری عروس خویش را به جور بی‌عصمت کرد. و دیگری خواهرش، یعنی دختر پدر خود را ذلیل ساخت.

۱۲ و در میان تو به جهت ریختن خون رشوه خوردند و سود و ربح گرفتند. و تو مال همسایه خود را به زور غصب کردی و مرا فراموش نمودی. قول خداوند یهوه این است.

۱۳ لهذا هان من به سبب حرص تو که مرتکب آن شده‌های و به سبب خونی که در میان خودت ریختهای، دستهای خود را بهم می‌زنم.

۱۴ پس در ایامی که من به تو مکافات رسانم آیا دلت قوی و دستهایت محکم خواهد بود؟

من که یهوه هستم تکلم نمودم و بعمل خواهم آورد.

۱۵ و تورا در میان امت‌ها پراکنده و در میان کشورها متفرق ساخته، نجاسات تورا از میانت نابود خواهم ساخت.

۱۶ و به نظر امتهای عصمت خواهی شد و خواهی دانست که من یهوه هستم.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان خاندان اسرائیل نزد من درد شده‌اند و جمیع ایشان مس و روی و آهن و

سرب در میان کوره و درد نقره شده‌اند.

۱۹ بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه همگی شما درد شده‌اید، لهذا من شما را در میان اورشلیم جمع خواهم نمود.

۲۰ چنانکه نقره و مس و آهن و سرب و روی را در میان کوره جمع کرده، آتش بر آنها میدمند تا گداخته شود، همچنان من شما را در غضب و حدت خشم خویش جمع کرده،

در آن خواهم نهاد و شما را خواهم گداخت.

۲۱ و شما را جمع کرده، آتش غضب خود را بر شما خواهم دمید که در میانش گداخته شوید.

چنانکه نقره در میان کوره گداخته میشود، همچنان شما در میانش گداخته خواهید شد و خواهید دانست که من یهوه حدت خشم خویش را بر شما ریختهام.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان اورا بگو: تو ز مینی هستی که طاهر نخواهی شد. و باران در روز غضب بر تو نخواهد بارید.

۲۵ فتنه انبیای آن در میانش میباشد. ایشان مثل شیرگران که شکار را می‌درد، جانها را میخورند. و گنجها و نفایس را می‌برند. و بیوه‌زنان را در میانش زیاد میسازند.

۲۶ کاهنانش به شریعت من مخالفت ورزیده، موقوفات مرا حلال میسازند. و در میان مقدس و غیر مقدس تمیز نمی‌دهند و در میان نجس و طاهر فرق نمی‌گذارند. و چشمان خود را از سبت‌های من میپوشانند و من در میان ایشان یحرمت گردیده‌ام.

۲۷ سرورانش مانند گرگان درنده خون میریزند و جانهارا هلاک مینمایند تا سودناحق بپرند.

۲۸ و انبیايش ایشان را به گل ملاط اندود نموده، رویاهای باطل میبینند و برای ایشان تفال دروغ زده، میگویند که خداوند یهوه چنین گفته است با آنکه یهوه تکلم ننموده.

۲۹ و قوم زمین به شدت ظلم نموده و مال یکدیگر را غصب کرده اند. و بر فقیران و مسکینان جفا نموده، غریبان را به بیانصافی مظلوم ساختند.

۳۰ و من در میان ایشان کسی را طلبیدم که دیوار را بنا نماید و برای زمین به حضور من در شکاف بایستد تا آن را خراب نمایم، اما کسی را نیافتم.

۳۱ پس خداوند یهوه میگوید: خشم خود را بر ایشان ریخته ام و ایشان را به آتش غضب خویش هلاک ساخته، طریق ایشان را بر سر ایشان وارد آورده ام.»

دو خواهر زنا کار

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی پسر انسان دوزن دختر یک مادر بودند.

۳ و ایشان در مصر زنا کرده، در جوانی خود زنا کار شدند. در آنجا سینه های ایشان را مالیدند و پستانهای بکارت ایشان را افشردند.

۴ و نامهای ایشان بزرگتر اهوله و خواهر او اهولیه بود. و ایشان از آن من بوده، پسران و دختران زاییدند. و اماناهای ایشان اهوله، سامره میباشند و اهولیه، اورشلیم.

۵ و اهوله از من روتافته، زنا نمود و بر محبان خود یعنی بر آشوریان که مجاور او بودند عاشق گردید؛

کسانی که به آسمانجونی ملبس بودند؛ حاکمان و سرداران که همه ایشان جوانان دلبسند و فارسان اسب سوار بودند.

۷ و به ایشان یعنی به جمیع برگزیدگان بنی آشور فاحشگی خود را بذل نمود و خود را از جمیع بتهای انانی که بر ایشان عاشق میبود نجس میساخت.

۸ و فاحشگی خود را که در مصر مینمود، ترک نکرد. زیرا که ایشان در ایام جوانیش با او هم خواب میشدند و پستانهای بکارت او را افشرده، زنا کاری خود را بر وی میریختند.

۹ لهما من اورا به دست عاشقانش یعنی به دست بنی آشور که او برایشان عشق میورزید، تسلیم نمودم.

۱۰ که ایشان عورت اورا منکشف ساخته، پسران و دخترانش را گرفتند. و او را به شمشیر کشتند که در میان زنان عبرت گردید و پروی داوری نمودند. «چون خواهرش اهولیه این را دید، در عشقبازی خویش از او زیاد تر فاسد گردید و بیشتر از زنا کاری خواهرش زنا نمود.

۱۲ و بر بنی آشور عاشق گردید که جمیع ایشان حاکمان و سرداران مجاور او بودند و ملبس به آسمانچونی و فارسان اسب سوار و جوانان دلپسند بودند.

۱۳ و دیدم که او نیز نجس گردیده و طریق هر دوی ایشان یک بوده است.

۱۴ پس زنا کاری خود را زیاد نمود، زیرا صورت های مردان که بر دیوار هانقش شده بود یعنی تصویرهای کلدانیان را که به شجر کشیده شده بود، دید.

۱۵ که کمرهای ایشان به کمر بندها بسته و عمامهای رنگارنگ بر سر ایشان پیچیده بود. و جمیع آنها مانند سرداران و به شبیه اهل بابل که مولد ایشان زمین کلدانیان است بودند.

۱۶ و چون چشم او بر آنها افتاد، عاشق ایشان گردید. و رسولان نزد ایشان به زمین کلدانیان فرستاد.

۱۷ و پسران بابل نزد وی در بستر عشق بازی درآمده، او را از زنا کاری خود نجس ساختند. پس چون خود را از ایشان نجس یافت، طبع وی از ایشان متنفر گردید.

۱۸ و چون که زنا کاری خود را آشکار کرد و عورت خود را منکشف ساخت، جان من از او متنفر گردید، چنانکه جانم از خواهرش متنفر شده بود.

۱۹ اما او ایام جوانی خود را که در آنهادر زمین مصر زنا کرده بود به یاد آورده، باز زنا کاری خود را زیاد نمود.

۲۰ و بر معشوقه های ایشان عشق ورزید که گوشت ایشان، مثل گوشت الاغان و نطفه ایشان چون نطفه اسبان میباشد.

۲۱ و قباح جوانی خود را حینی که مصریان پستانهایت را به خاطر سینه های جوانیت افشردند به یاد آوردی.

«نابر اینای اهوویه خداوندیهوه چنین میفرماید: اینک من عاشقانت را که جانت از ایشان متنفر شده است به ضد تو برانگیزانیده، ایشان را از هر طرف بر تو خواهم آورد.

۲۳ یعنی پسران بابل وهمه کلدانیان را از فقود و شوع و قوع. وهمه پسران آشور را همراه ایشان که جمیع ایشان جوانان دلپسند و حاکمان و والیان و سرداران و نامداران هستند و تمامی ایشان اسب سوارند.

۲۴ و با اسلحه و کالسکها و ارا بهها و گروه عظیمی بر تو خواهند آمد و با مجنها و سپرها و خود هاتورا احاطه خواهند نمود. و من داوری تو را به ایشان خواهم سپرد تا تو را بر حسب احکام خود داوری نمایند.

۲۵ و من غیرت خود را به ضد تو خواهم برانگیخت تا با توبه غضب عمل نمایند. و بینی و گوشهایت را خواهند برید و بقیه تو با شمشیر خواهند افتاد و پسران و دخترانت را خواهند گرفت و بقیه توبه آتش سوخته خواهند شد.

۲۶ و لباس تو را از تو کنده، زیورهای زیبای تو را خواهند برد.

۲۷ پس قباحت تو و زنا کاریت را که از زمین مصر آوردهای، از تو نابود خواهم ساخت. و چشمان خود را بسوی ایشان برنخواهی افراشت و دیگر مصر را به یاد نخواهی آورد.

۲۸ زیرا خداوندیهوه چنین میگوید: اینک تو را به دست آنانی که از ایشان نفرت داری و به دست آنانی که جانت از ایشان متنفر است، تسلیم خواهم نمود.

۲۹ و با تو از راه بغض رفتار نموده، تمامی حاصل تو را خواهند گرفت و تو را عریان و برهنه و از تو خواهد گذاشت. تا آنکه برهنگی زنا کاری تو و قباحت و فاحشه گری تو ظاهر شود.

۳۰ و این کارها را به تو خواهم کرد، از این جهت که در عقب امتها زنا نموده، خویشتن را از پتهای ایشان نجس ساخته‌ای.

۳۱ و چونکه به طریق خواهر خود سلوک نمودی، جام او را به دست تو خواهم داد.

۳۲ و خداوندیهوه چنین میفرماید: جام عمیق و بزرگ خواهر خود را خواهی نوشید. و محل سخریه و استهزا خواهی شد که متحمل آن نتوانی شد.

۳۳ و از مستی و حزن پر خواهی شد. از جام حیرت و خرابی یعنی از جام خواهرت

سامره.

۳۴ و آن را خواهی نوشید و تاته خواهی آشامید و خورده های آن را خواهی خایید و پستانهای خود را خواهی کند، زیرا خداوند یهوه میگوید که من این را گفته ام.

۳۵ بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه مرا فراموش کردی و مرا پشت سر خود انداختی، لهذا تو نیز متحمل قباحه و زنا کاری خود خواهی شد.»

و خداوند مرا گفت: «ی پسر انسان! آیا بر اهوله و اهولیهه داوری خواهی نمود؟ بلکه ایشان را از رجاسات ایشان آگاه ساز.

۳۷ زیرا که زنا نمود هاند و دست ایشان خون آلود است و با بتهای خویش مرتکب زنا شده هاند. و پسران خود را نیز که برای من زاییده بودند، به جهت آنها ز آتش گذرانید هاند تا سوخته شوند.

۳۸ و علاوه بر آن این راهم به من کرده اند که در همان روز مقدس مرا بی عصمت کرده، سبت های مرا بی حرمت نمود هاند.

۳۹ زیرا چون پسران خود را برای بتهای خویش ذبح نموده بودند، در همان روز به مقدس داخل شده، آن را بی عصمت نمودند و همان این عمل را در خانه من بجا آوردند.

۴۰ بلکه نزد مردانی که از دور آمدند، فرستادید که نزد ایشان قاصدی فرستاده شد. و چون ایشان رسیدند، خویشتن را برای ایشان غسل دادی و سر مه به چشمانت کشیدی و خود را به زیور هایت آرایش دادی.

۴۱ و پرسترفاخری که سفره پیش آن آماده بود نشسته، بخور و روغن مرا بر آن نهادی.

۴۲ و در آن آواز گروه عیاشان مسموع شد. و همراه آن گروه عظیم صابیان از بیابان آورده شدند که دستبند هابرد دستها و تاجهای فاخر بر سر هر دوی آنها گذاشتند.

۴۳ و من درباره آن زنی که در زنا کاری فرسوده شده بود گفتم: آیا ایشان الان با او زنا خواهند کرد و او با ایشان؟

و به او درآمد نه هیچی که نزد فاحشه در می آیند. همچنان به آن دوزن قباحه پیشه یعنی اهوله و اهولیهه درآمدند.

۴۵ پس مردان عادل بر ایشان قصاص زنان زنا کار و خونریز را خواهند رسانید، زیرا که ایشان زانیه میباشند و دست ایشان خون آلود است.

- ۴۶ زیرا خداوند یهوه چنین میفرماید: من گروهی به ضد ایشان خواهم برانگیخت، و ایشان را مشوش ساخته، به تاراج تسلیم خواهم نمود.
- ۴۷ و آن گروه ایشان را به سنگها سنگسار نموده، به شمشیرهای خود پاره خواهند کرد. و پسران و دختران ایشان را کشته، خانه‌های ایشان را به آتش خواهند سوزانید.
- ۴۸ و قباح را از زمین نابود خواهم ساخت. پس جمیع زنان متنبه خواهند شد که مثل شما مرتکب قباح نشوند.
- ۴۹ و سزای قباح شمارا بر شما خواهند رسانید. و متحمل نگاهان بتهای خویش خواهید شد و خواهید دانست که من خداوند یهوه میباشم.»

مثل دیگ

- و در روز دهم ماه دهم از سال نهم کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
- «ی‌پسر انسان اسم امروز را برای خود بنویس، اسم همین روز را، زیرا که در همین روز پادشاه بابل بر اورشلیم هجوم آورد.
- ۳ و برای این خاندان فتنه‌انگیز مثلی آورده، به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میگوید: دیگر را بگذار. آن را بگذار و آب نیز در آن بریز.
- ۴ قطعه‌هایش یعنی هر قطعه نیکو و روان و دوش را در میانش جمع کن و از بهترین استخوانها آن را پر ساز.
- ۵ و بهترین گوسفندان را بگیر و استخوانها را از یرش دسته کرده، آن را خوب بجوشان تا استخوانهایی که در اندرونش هست پخته شود.
- ۶ بنا بر این خداوند یهوه چنین میگوید: وای بر آن شهر خونریز! وای بر آن دیگی که زنگش در میانش است و زنگش از میانش در نیامده است! آن را به قطعه‌هایش بیرون آور و قرعه بر آن انداخته نشود.
- ۷ زیرا خونی که ریخت در میانش میباشد. آن را بر صخره صاف نهاد و بر زمین نریخت تا از خاک پوشانیده شود.
- ۸ من خون او را بر صخره صاف نهادم که پنهان نشود تا آنکه حدت خشم را برانگیخته انتقام بکشم.»

۹ بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: وای بر آن شهر خونریز! من نیز توده هیزم را بزرگ خواهم ساخت.

۱۰ هیزم زیاد بیاور و آتش بیفروز و گوشت رامیاساز و ادویه جات در آن بریز و استخوانها سوخته بشود.

۱۱ پس آن را براخر خالی بگذار تا تابیده شده مسش سوخته گردد و نجاستش در آن گذاخته شود و زنگش نابود گردد.

۱۲ او از مشقتها خسته گردید، اما زنگ بسیارش از وی بیرون نیامد. پس زنگش در آتش بشود.

۱۳ در نجاسات توقاحت است چونکه تورا تظہیر نمودم. اما طاهر نشدی. لہذا تا غضب خود را بر تو به اتمام نرسانم، دیگر از نجاست خود طاهر نخواهی شد.

۱۴ من که یهوه هستم این را گفته‌ام و به وقوع خواهد پیوست و آن را بجا خواهم آورد.

پس خداوند یهوه میگوید: دست نخواهم برداشت و شفقت نخواهم نمود و پشیمان نخواهم شد و بر حسب رفتار تو و بروفق اعمال تو داور می‌شوم و تو داور می‌شوی خواهند کرد.»

مرگ زن حزقیال

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان اینک من آرزوی چشمانت را بگفته‌ام از تو خواهم گرفت. ماتم و گریه منما و اشک از چشمت جاری نشود.»

۱۷ آه بکش و خاموش شو و برای مرده ماتم بگیر. بلکه عمامه بر سرت بپوش و کفش به پایت بکن و شاربایت را مپوشان و طعام مرده را مخور.»

پس بامدادان با قوم تکلم نمودم و وقت عصر زن من مرد و صبحگاهان به نهجی که ما مور شده بودم عمل نمودم.

۱۹ و قوم به من گفتند: «یا ما را خبر نمی‌دهی که این کارهایی که میکنی به ما چه نسبت دارد؟»

ایشان را جواب دادم که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ه‌خاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید که هان من مقدس خود را که

نفر جلال شما و آرزوی چشمان شما و لذت جانهای شما است، بی‌عصمت خواهم نمود. و پسران و دختران شما که ایشان را ترک خواهید کرد، به شمشیر خواهند افتاد. ۲۲ و به نهجی که من عمل نمودم، شما عمل خواهید نمود. شاربهای خود را نخواهید پوشانید و طعام مردگان را نخواهید خورد.

۲۳ عمامه‌های شما بر سر و کفشهای شما در پایهای شما بوده، ماتم و گریه نخواهید کرد. بلکه به سبب نگاهان خود کاهیده شده، بسوی یکدیگر آه خواهید کشید.

۲۴ و حزقیال برای شما آیتی خواهد بود موافق هر آنچه او کرد، شما عمل خواهید نمود. و حینی که این واقع شود خواهید دانست که من خداوند یهوه میباشم.

«اماتوای پسرانسان! در روزی که من قوت و سرور و نفرو آرزوی چشمان و رفعت جانهای ایشان یعنی پسران و دختران ایشان را از ایشان گرفته باشم، آیا واقع نخواهد شد که در آن روز هر که رهایی یابد نزد تو آمده، این را به سمع تو خواهد رسانید؟ پس در آن روز دهانت برای آنانی که رهایی یافتند باز خواهد شد و متکلم شده، دیگر گنگ نخواهی بود و برای ایشان آیتی خواهی بود و خواهند دانست که من یهوه میباشم.»

نبوت به ضد بنی عمون

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ای پسرانسان نظر خود را بر بنی عمون بدار و به ضد ایشان نبوت نما.

۳ و به بنی عمون بگو: کلام خداوند یهوه را بشنوید! خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه در باره مقدس من حینی که بی‌عصمت شد و در باره زمین اسرائیل، حینی که ویران گردید و در باره خاندان یهودا، حینی که به اسیری رفتند ده گفتم،

بنابراین همانا من تو را به بنی مشرق تسلیم می‌کنم تا در تو تصرف نمایند. و خیمه‌های خود را در میان تو زده، مسکن‌های خویش را در تو برپا خواهند نمود. و ایشان میوه تو را خواهند خورد و شیر تو را خواهند نوشید. و ربه را آرامگاه شتران و (بنی عمون را) خوابگاه گله‌ها خواهم گردانید و خواهید دانست که من یهوه هستم.

۶ زیرا خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه تو بر زمین اسرائیل دستک میزنی و پابر زمین

میگویی و به تمامی کینه دل خود شادی مینمایی، بنابراین هان من دست خود را بر تو دراز خواهم کرد و تو را تاراج امتهایم ساخت. و تو را از میان قومها منقطع ساخته، از میان کشورها نابود خواهم ساخت. و چون تو را هلاک ساخته باشم، آنگاه خواهی دانست که من یهوه هستم.»

نبوت به ضد موآب

خداوند یهوه چنین میگوید: «ونکه موآب و سعیر گفتهاند که اینک خاندان اسرائیل مانند جمیع امتهایم باشند،

بنابراین اینک من حدود موآب را از شهرهای یعنی از شهرهای حدودش که نخر زمین میباشد یعنی بیت یشیموت و بعل معون و قریه تایم مفتوح خواهم ساخت.

۱۰ برای بنی مشرق آن را بانی عمون (فتوح خواهم ساخت) و به تصرف ایشان خواهم داد تا بنی عمون دیگر در میان امت هانم کور نشوند.

۱۱ و بر موآب داوری خواهم نمود و خواهند دانست که من یهوه میباشم.»

نبوت به ضد ادوم

خداوند یهوه چنین میگوید: «زاین جهت که ادوم از خاندان یهود انتقام کشید هاند و در انتقام کشیدن از ایشان خطایی عظیم ورزید هاند،

بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: دست خود را بر ادوم دراز کرده، انسان و بهایم را از آن منقطع خواهم ساخت و آن را ویران کرده، از تیمان تا ددان به شمشیر خواهند افتاد.

۱۴ و به دست قوم خود اسرائیل انتقام خود را از ادوم خواهم کشید و موافق خشم و غضب من به ادوم عمل خواهند نمود. و خداوند یهوه میگوید که انتقام مرا خواهند فهمید.»

نبوت به ضد فلسطینیان

خداوند یهوه چنین میگوید: «ونکه فلسطینیان انتقام کشیدند و با کینه دل خود انتقام سخت کشیدند تا آن را به عداوت ابدی خراب نمایند،

بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: اینک من دست خود را بر فلسطینیان دراز نموده، کریتیان را منقطع خواهم ساخت و باقی ماندگان ساحل دریا را هلاک خواهم نمود.

۱۷ و با سرزنش غضب آمیز انتقام سخت از ایشان خواهم گرفت. پس چون انتقام خود را از ایشان کشیده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.»

نبوت به ضد صور

و در سال یازدهم در غره ماه واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ی پسر انسان چونکه صور در باره اورشلیم میگوید هه، دروازه امتها شکسته شد و حال به من منتقل گردیده است. و چون او خراب گردید من توانگر خواهم شد.

۳ بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: هانای صور من به ضد تومی باشم و امت های عظیم بر تو خواهم برانگیخت به نهجی که دریا مواج خود را برمی انگیزاند.

۴ و حصار صور را خراب کرده، برجهایش را منهدم خواهند ساخت و غبارش را از آن خواهم رفت و آن را به صخرهای صاف تبدیل خواهم نمود.

۵ و او محل پهن کردن دامها در میان دریا خواهد شد، زیرا خداوند یهوه میفرماید که من این را گفته ام. و آن تاراج امت ها خواهد گردید.

۶ و دخترانش که در صحرائی باشند به شمشیر کشته خواهند شد. پس ایشان خواهند دانست که من یهوه هستم.»

زیرا خداوند یهوه چنین میفرماید: «ینک من نیو که در صر پادشاه بابل، پادشاه پادشاهان را از طرف شمال بر صور با اسبان و ارا بهها و سواران و جمعیت و خلق عظیمی خواهم آورد.

۸ و او دختران تور را در صحرا به شمشیر خواهد کشت. و برجها به ضد تو بنا خواهد نمود. و سنگرها در برابر تو خواهد ساخت. و مترسها در برابر تو بر پا خواهد داشت.

۹ و من جنیقهای خود را بر حصار هایت آورده، برجهایت را با تیرهای خود منهدم خواهد ساخت.

۱۰ و اسبانش آنقدر زیاد خواهد بود که گرد آنها تو را خواهد پوشانید. و چون به دروازه هایت داخل شود چنانکه به شهر رخنه دارد رمی آید، حصار هایت از صدای سواران و ارا بهها و کالسهکها متزلزل خواهد گردید.

۱۱ و یه سم اسبان خود همه کوچه هایت را پایمال کرده، اهل تو را به شمشیر خواهد کشت.

و بناهای نخر توبه زمین خواهد افتاد.

۱۲ و تو انگری تورات اراج نموده، تجارت تورا به یغما خواهند برد. و حصار هایت را خراب نموده، خانه های مرغوب تورا منهدم خواهند نمود. و سنگها و چوب و خاک تورا در آب خواهند ریخت.

۱۳ و آواز نغمات تورا ساکت خواهیم گردانید که صدای عود هایت دیگر مسموع نشود.

۱۴ و تورا به صخرهای صاف مبدل خواهیم گردانید تا محل پهن کردن دامها بشوی و بار دیگر بنا نخواهی شد. زیرا خداوند یهوه میفرماید: من که یهوه هستم این را گفته ام.» خداوند یهوه به صورت چنین میگوید: «یا جزیره ها از صدای انهدام تو متزلزل نخواهد شد هنگامی

که مجروحان ناله کشند و در میان تو کشتار عظیمی بشود؟

و جمیع سروان دریا از کرسپهای خود فرود آیند. و دراهای خود را از خود بیرون کرده، رخت قلابدوزی خویش را بکنند. و به ترسها ملبس شده، بر زمین بنشینند و آن فان لرزان گردیده، درباره تو متحیر شوند.

۱۷ پس برای تو مرثیه خوانده، تورا خواهند گفت: ای که از دریا معمور بودی چگونه تباه گشتی! آن شهر نامداری که در دریا زور آور میبود که با ساکنان خود هیبت خویش را بر جمیع سکنه دریا مستولی میساخت.

۱۸ الان در روز انهدام تو جزیره ها میلرزند. و جزایری که در دریای باشد، از رحلت تو مد هوش میشوند.

۱۹ زیرا خداوند یهوه چنین میگوید: چون تورا شهر مخروب مثل شهرهای غیر مسکون گردانم و لجههارا بر تو بر آورده، تورا به آبهای بسیار مستور سازم،

انگاه تورا با آنانی که به هاویه فرو میروند، نزد قوم قدیم فرود آورده، تورا در اسفلهای زمین در خرابه های ابدی با آنانی که به هاویه فرو میروند ساکن خواهیم گردانید تا دیگر مسکون نشوی و دیگر جلال تورا در زمین زندگان جای نخواهد داد.

۲۱ و خداوند یهوه میگوید: تورا محل وحشت خواهیم ساخت که نابود خواهی شد و تورا خواهند طلبید اما تا ابد الابد یافت نخواهی شد.»

مرثیه صور

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ماتوای پسر انسان برای صور مرثیه بخوان!»

و به صور بگو: ای که نزد مدخل دریا ساکنی و برای جزیره‌های بسیار تاجر طوایف میباشی! خداوند یهوه چنین میگوید: ای صور تو گفته‌ای که من کمال زیبایی هستم.

۴ حدود تو در وسط دریا است و بنیانت زیبایی تورا کامل ساخته‌اند.

۵ همه تخته‌هایت را از صنوبر سنیر ساختند و سر و آزاد لبنان را گرفتند تا دکلهای تو بسازند.

۶ پاروهایت را از بلوطهای باشان ساختند و نشیمنهایت را از شمشاد جزایر کتیم که به عاج منبسط شده بود ترتیب دادند.

۷ گنجان مصری بادبان تو بودند تا برای تو علمی بشود. و شرع تو از آسمان جونی و ارغوان از جزایر ایشه بود.

۸ اهل سیدون و ارواد پارو زن تو بودند و حکمای توای صور که در تو بودند ناخدا یان تو بودند.

۹ مشایخ جبیل و حکمایش در تو بوده، قلافان تو بودند. تمامی کشتیهای دریا و ملاحان آنها در تو بودند تا برای تو تجارت نمایند.

۱۰ فارس و لود و فوط در افواجت مردان جنگی تو بودند. سپرها و خودهای تو آویزان کرده، ایشان تورا زینت دادند.

۱۱ بنی‌ارواد با سپاهیان بر حصارهایت از هر طرف و جمادیان بر برجهایت بودند. و سپرهای خود را بر حصارهایت از هر طرف آویزان کرده، ایشان زیبایی تورا کامل ساختند.

۱۲ ترشیدش به فراوانی هر قسم اموال سوداگران تو بودند. نقره و آهن و روی و سرب به عوض بضاعت تو میدادند.

۱۳ یاوان و توبال و ماشک سوداگران تو بودند.

اهل خاندان تو جرمه اسبان و سواران و قاطران به عوض بضاعت تو میدادند.

۱۵ بنی‌ددان سوداگران تو و جزایر بسیار بازارگانان دست تو بودند. شاخهای عاج و آبنوس را با تو معاوضت میکردند.

- ۱۶ آرام به فراوانی صنایع تو سودا گران تو بودند. بهرمان وارغوان و پارچه های قلابدوزی و نگان نازک و مرجان ولعل به عوض بضاعت تو میدادند.
- ۱۷ یهودا و زمین اسرائیل سودا گران تو بودند، گندم منیت و حلوا و عسل و روغن و بلسان به عوض متاع تو میدادند.
- ۱۸ دمشق به فراوانی صنایع تو و کثرت هر قسم اموال با شراب حلبیون و پشم سفید با تو سودامی کردند.
- ۱۹ ودان و یوان ریسمان به عوض بضاعت تو میدادند. آهن مصنوع و سلیخه و قصب الذریره از متاعهای تو بود.
- ۲۰ ددان بازمین پوشهای نفیس به جهت سواری سودا گران تو بودند.
- ۲۱ عرب و همه سروران قیدار بازار گانان دست تو بودند. بابرها و قوچها و بزها با تو داد و ستد میکردند.
- ۲۲ تجار شبا و عمه سودا گران تو بودند. بهترین همه ادویه جات و هرگونه سنگ گرانها و طلا به عوض بضاعت تو میدادند.
- ۲۳ حران و کنه و عدن و تجار شبا و آشور و کلمد سودا گران تو بودند.
- ۲۴ اینان با نفایس و ردهای آسمانجونی و قلابدوزی و صندوقهای پر از رختهای فاخر ساخته شده از چوب سرو آزاد و بسته شده باریسمانها در بازارهای تو سودا گران تو بودند.
- ۲۵ کشتیهای ترشیش قافله های متاع تو بودند. پس در وسط دریای توانگر و بسیار معزز گردیدی.
- ۲۶ پارو زنانت تو را به آبهای عظیم بردند و باد شرقی تو را در میان دریا شکست.
- ۲۷ اموال و بضاعت و متاع و ملاحان و ناخدایان و قلابان و سودا گران و جمیع مردان جنگی که در تو بودند، با تمامی جمعیتی که در میان تو بودند در روزانهدام تو در وسط دریا افتادند.
- «ز آواز فریاد ناخدایان ت ساحلها متزلزل گردید.
- ۲۹ و جمیع پارو زنان و ملاحان و همه ناخدایان دریا از کشتیهای خود فرو آمده، در زمین میایستند.
- ۳۰ و برای تو آواز خود را بلند کرده، به تلخی ناله میکنند و خاک بر سر خود ریخته، در

خاکستر می‌غلطند.

۳۱ و برای تومی خود را کنده، پلاس می‌پوشند و با مرارت جان و نوحه تلخ برای تو گریه میکنند.

۳۲ و در نوحه خود برای تو مرثیه می‌خوانند. و بر نوحه گری نموده، می‌گویند: کیست مثل صورت کیست مثل آن شهری که در میان دریا خاموش شده است؟

هنگامی که بضاعت تو از دریا بیرون می‌آمد، قومهای بسیاری را سیر میگردانیدی و پادشاهان جهان را به فراوانی اموال و متاع خود توانگری ساختی.

۳۴ اما چون از دریا، در عمق‌های آب‌شکسته شدی، متاع و تمامی جمعیت تو در میان تلف شد.

۳۵ جمیع ساکنان جزایر بهسبب تو متحیر گشته و پادشاهان ایشان به شدت دهشت زده و پریشان حال گردید هاند.

۳۶ تجار قوم‌ها بر تو صفیر می‌زنند و تو محل دهشت گردیده، دیگر تابه ابد نخواهی بود.»

نبوت به صدر رئیس صور

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان به رئیس صور بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه دلت مغرور شده است و می‌گویی که من خدا هستم و بر کرسی خدایان در وسط دریا نشستم، و هر چند

انسان هستی و نه خدا لیکن دل خود را مانند دل خدایان ساختهای.

۳ اینک تو از دانیال حکیم تر هستی و هیچ سری از تو مخفی نیست؟

و به حکمت و فطانت خویش توانگری برای خود انداخته و طلا و نقره در خزاین خود جمع نمودهای.

۵ به فراوانی حکمت و تجارت خویش دولت خود را افزودهای پس بهسبب توانگری ت دلت مغرور گردیده است.»

بنابر این خداوند یهوه چنین میفرماید: «ونکه تو دل خود را مثل دل خدایان گردانیده‌های،

پس اینک من غریبان و ستم کیشان امتهارا بر تو خواهم آورد که شمشیرهای خود را به

ضد زیبایی حکمت تو کشیده، جمال تو را ملوث سازند.

- ۸ و تورا به هاویه فرود آورند. پس به مرگ آتانی که در میان دریا کشته شوند خواهی مرد.
- ۹ آیه حضور قاتلان خود خواهی گفت که من خدا هستم؟ نی بلکه درد دست قاتلان انسان خواهی بود و نه خدا.
- ۱۰ از دست غریبان به مرگ نامختونان کشته خواهی شد، زیرا خداوند یهوه میفرماید که من این را گفته‌ام.»
- و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
- «ی‌پسر انسان برای پادشاه صور مرثیه بخوان و وی را بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: تو خاتم کمال و مملو حکمت و کامل جمال هستی.
- ۱۳ در عدن در باغ خدا بودی و هر گونه سنگ گرانها از عقیق احمر و یاقوت اصفرو عقیق سفید و زبرجد و جع و یشب و یاقوت کبود و بهرمان و زمر و پوشش تو بود. و صنعت دلفها و نایبایت در تو از طلا بود که در روز خلقت تو آنها میاشده بود.
- ۱۴ تو کروی مسخ شده سایه گستر بودی. و تو را نصب نمودم تا بر کوه مقدس خدا بوده باشی. و در میان سنگهای آتشین میخرا میدی.
- ۱۵ از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بیانصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی.
- ۱۶ اما از کثرت سودا گریت بطن تو را از ظلم پر ساختند. پس خطا ورزیدی و من تو را از کوه خدا بیرون انداختم. و تو را ای کروی سایه گستر، از میان سنگهای آتشین تلف نمودم.
- ۱۷ دل تو از زیبایت مغرور گردید و به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی. لهدا تو را بر زمین میاندازم و تو را پیش روی پادشاهان میگذارم تا بر تو بنگرند.
- ۱۸ به کثرت نگاهت و بی انصافی تجارت مقدس های خویش را بی عصمت ساختی. پس آتشی از میان بیرون می‌آورم که تو را بسوزاند و تورا به نظر جمیع بینندگان بر روی زمین خاکستر خواهم ساخت.
- ۱۹ و همه آشنایان از میان قومها بر تو متحیر خواهند شد. و تو محل دهشت شده، دیگر تا به ابد نخواهی بود.»

نبوت به ضد صیدون

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان نظر خود را بر صیدون بدار و به ضدش نبوت نما.

۲۲ و بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: اینکای صیدون من به ضد تو هستم و خویشتن را در میان تو تجید خواهم نمود. و حینی که بر او داوری کرده و خویشتن را در وی تقدیس نموده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.

۲۳ و و باد را و خون در کوچه‌هایش خواهم فرستاد. و مچرو حان به شمشیری که از هر طرف بر او می‌آید در میانش خواهند افتاد. پس خواهند دانست که من یهوه هستم.

۲۴ و بار دیگر برای خاندان اسرائیل از جمیع مجاوران ایشان که ایشان را خوار می‌شمارند، خاری خلدنه و شوک رنج آورنده نخواهند بود. پس خواهند دانست که من خداوند یهوه میباشم.»

خداوند یهوه چنین میگوید: «نگاهی که خاندان اسرائیل را از قوم‌هایی که در میان ایشان پراکنده شده‌اند جمع نموده، خویشتن را از ایشان به نظر امته تقدیس کرده باشم، آنگاه در زمین خودشان که به بنده خود یعقوب دادهام ساکن خواهند شد.

۲۶ و در آن به امنیت ساکن شده، خانه‌ها بنا خواهند نمود و تا کستانها غرس خواهند ساخت. و چون بر جمیع مجاوران ایشان که ایشان را حقیر می‌شمارند داوری کرده باشم، آنگاه به امنیت ساکن شده، خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان میباشم.»

نبوت به ضد مصر

و در روز دوازدهم ماه دهم از سال دهم کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان نظر خود را به طرف فرعون پادشاه مصر بدار و به ضد او و تمامی مصر نبوت نما.

۳ و متکلم شده، بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: اینکای فرعون پادشاه مصر من به ضد تو هستم. ای اژدهای بزرگ که در میان نهرهایت خوابیده‌ای و می‌گویی نهر

- من از آن من است و من آن را به جهت خود ساختم!
- لذا اقلا بهادر چانه ات میگذارم و ماهیان نهر هایت را به فلسه‌های تو و تو را از میان نهر هایت بیرون خواهم کشید و تمامی ماهیان نهر هایت به فلسه‌های تو خواهند چسبید.
- ۵ و تو را با تمامی ماهیان نهر هایت در بیابان پراکنده خواهم ساخت و به روی صحرای افتاده، باردیگر تو را جمع نخواهند کرد و فراهم نخواهند آورد. و تو را خوراکی حیوانات زمین و مرغان هوا خواهم ساخت.
- ۶ و جمیع ساکنان مصر خواهند دانست که من یهوه هستم چونکه ایشان برای خاندان اسرائیل عصبای نثرین بودند.
- ۷ چون دست تو را گرفتند، خرد شدی. و کتفهای جمیع ایشان را چاک زدی. و چون بر تو تکیه نمودند، شکسته شدی. و کمرهای جمیع ایشان را الرزان گردانیدی.»
- بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: «ینک من بر تو شمشیری آورده، انسان و بهایم را از تو منقطع خواهم ساخت.
- ۹ و زمین مصر ویران و خراب خواهد شد. پس خواهند دانست که من یهوه هستم، چونکه میگفت: نهر از آن من است و من آن را ساختم.
- ۱۰ بنابراین اینک من به ضد تو و به ضد نهر هایت هستم و زمین مصر را از مجدلت تا اسوان و تا حدود حبشستان بالکل خراب و ویران خواهم ساخت.
- ۱۱ که پای انسان از آن عبور ننماید و پای حیوان از آن گذرنکند و مدت چهل سال مسکون نشود.
- ۱۲ و زمین مصر را در میان زمینهای ویران ویران خواهم ساخت و شهرهایش در میان شهرهای مخروبه مدت چهل سال خراب خواهد ماند. و مصریان را در میان امتهای پراکنده و در میان کشورهای متفرق خواهم ساخت.»
- زیرا خداوند یهوه چنین میفرماید: «عدا از انقضای چهل سال مصریان را از قوم هابی که در میان آنها پراکنده شوند، جمع خواهم نمود.
- ۱۴ و اسیران مصر را باز آورده، ایشان را به زمین قتر و س یعنی به زمین مولد ایشان راجع

خواهم گردانید و در آنجا مملکت پست خواهند بود.

۱۵ و آن پستترین ممالک خواهد بود. و بار دیگر بر طوایف برتری نخواهد نمود. و من ایشان را قلیل خواهم ساخت تا بر امتها حکمرانی ننمایند.

۱۶ و آن بار دیگر برای خاندان اسرائیل محل اعتماد نخواهد بود تا بسوی ایشان متوجه شده، گاه رابه یاد آورند. پس خواهند دانست که من خداوند یهوه هستم.»
و در روز اول ماه اول از سال بیست و هفتم کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان نبوکدرصر پادشاه بابل از لشکر خود به ضد صور خدمت عظیمی گرفت که سرهای همه بجو گردید و دوشهای همه پوست کنده شد. لیکن از صور به جهت خدمتی که به ضد آن نموده بود، خودش و لشکرش هیچ مزد نیافتند.»

لذا خداوند یهوه چنین میفرماید: «ینک من زمین مصر رابه نبوکدرصر پادشاه بابل خواهم بخشید. و جمعیت آن را گرفتار کرده، غنیمتش رابه یغما و اموالش رابه تاراج خواهد برد تا اجرت لشکرش بشود.

۲۰ و خداوند یهوه میگوید: زمین مصر رابه جهت خدمتی که کرده است، اجرت او خواهم داد چونکه این کار را برای من کرده‌اند.

۲۱ و در آن روز شاخی برای خاندان اسرائیل خواهم رویانید. و دهان توراد در میان ایشان خواهم گشود، پس خواهند دانست که من یهوه هستم.»

مرثیه برای اسرائیل

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان نبوت کرده، بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: و لوله کنید و بگو پیدوای بر آن روز!

زیرا که آن روز نزدیک است و روز خداوند نزدیک است! روزا برها و زمان امتها خواهد بود!

و شمشیری بر مصر فرود می‌آید. و چون کشتگان در مصر بیفتند، آنگاه درد شدیدی بر حش مستولی خواهد شد. و جمعیت آن را گرفتار خواهد کرد و اساسهایش منهدم خواهد گردید.

۵ و حبش و فوط و لود و تمامی قومهای مختلف و کوب و اهل زمین عهد همراه ایشان به شمشیر خواهند افتاد.»

و خداوند چنین میفرماید: «عاوانان مصر خواهند افتاد و نخر قوت آن فرود خواهد آمد. و از مجدل تا اسوان در میان آن به شمشیر خواهند افتاد. قول خداوند یهوه این است. ۷ و در میان زمینهای ویران ویران خواهند شد و شهرهایش در میان و شهرهای مخروب خواهد بود.»

۸ و چون آتشی در مصر افروخته باشم و جمیع انصارش شکسته شوند، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.

۹ در آن روز قاصدان از حضور من به کشتیهای بیرون رفته، حبشیان مطمئن را خواهند ترسانید. و برایشان درد شدیدی مثل روز مصر مستولی خواهد شد، زیرا اینک آن میآید.»
و خداوند یهوه چنین میگوید: «ن جمعیت مصر را به دست نبوکدصر پادشاه بابل تباه خواهم ساخت.»

۱۱ او با قوم خود و ستمگیشان امت ها آورده خواهند شد تا آن زمین ویران را سازند. و شمشیرهای خود را بر مصر کشیده، زمین را از کشتگان پر خواهند ساخت.

۱۲ و نه رها را خشک گردانیده، زمین را به دست اشرا را خواهم فروخت. و زمین را با هر چه در آن است، به دست غریبان ویران خواهم ساخت. من که یهوه هستم گفته‌ام.»

و خداوند یهوه چنین میفرماید: «تبارانان بود ساخته، اصنام را از نوف تلف خواهم نمود. و یار دیگر رئیس از زمین مصر نخواهد برخاست. و خوف بر زمین مصر مستولی خواهم ساخت.»

۱۴ و قترس را خراب نموده، آتشی در صوعن خواهم افروخت. و بر نوداوری خواهم نمود.

۱۵ و غضب خود را بر سین که ملاذ مصر است ریخته، جمعیت نور را منقطع خواهم ساخت.

۱۶ و چون آتشی در مصر افروخته باشم، سین به درد سخت مبتلا و نو مفتوح خواهد شد. و خصمان در وقت روز بر نوف خواهند آمد.

۱۷ جوانان آن و فیست به شمشیر خواهند افتاد و اهل آنها به اسیری خواهند رفت.
 ۱۸ و روز در تخم جنین تاریک خواهد شد چینی که یوغهای مصر را در آنجا شکسته
 باشم و نخر قوتش در آن تلف شده باشد. و ابرها آن را خواهد پوشانید و دخترانش به
 اسیری خواهند رفت.

۱۹ پس چون بر مصر داوری کرده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.»
 و در روز هفتم ماه اول از سال یازدهم، کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
 «ی پسر انسان بازوی فرعون پادشاه مصر را خواهم شکست. و اینک شکسته
 بندی نخواهد شد و بر آن مرهم نخواهند گذارد و کرباس نخواهند بست تا قادر برگرفتن
 شمشیر بشود.»

۲۲ بنا بر این خداوند یهوه چنین میگوید: هان من به ضد فرعون پادشاه مصر هستم و هر
 دو بازوی او هم درست و هم شکسته را خرد خواهم کرد و شمشیر را از دستش خواهم
 انداخت.

۲۳ و مصریان را در میان امتهای پراکنده و در میان کشورهای متفرق خواهم ساخت.
 ۲۴ و بازوهای پادشاه بابل را تقویت نموده، شمشیر خود را به دست او خواهم داد. و
 بازوهای فرعون را خواهم شکست که به حضور وی به ناله کشتگان ناله خواهد کرد.
 ۲۵ پس بازوهای پادشاه بابل را تقویت خواهم نمود. و بازوهای فرعون خواهد
 افتاد و چون شمشیر خود را به دست پادشاه بابل داده باشم و او آن را بر زمین مصر دراز کرده
 باشد، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.

۲۶ و چون مصریان را در میان امتهای پراکنده و ایشان را در کشورهای متفرق ساخته
 باشم، ایشان خواهند دانست که من یهوه هستم.»

سر و آزاد لبنان

و در روز اول ماه سوم از سال یازدهم، کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
 «ی پسر انسان به فرعون پادشاه مصر و به جمعیت او بگو: کیست که در بزرگیت به او شباهت
 داری؟
 اینک آشور سر و آزاد لبنان با شاخه های جمیل و برگهای سایه گستر و قد بلندی بود و سر

- اوبه ابرها میبود.
- ۴ آبها و ارموداد. ولجه اورا بلند ساخت که نهرهای آنها بر طرف بوستان آن جاری میشد و جویهای خویش را بطرف همه درختان صحراروان میساخت.
- ۵ از این جهت قد او از جمیع درختان صحرابند تر شده، شاخه هایش زیاده گردید و اغصان خود را نموداده، آنها از کثرت آب بلند شد.
- ۶ و همه مرغان هوا در شاخه هایش آشیانه ساختند. و تمامی حیوانات صحرا زیر اغصانش بچه آوردند. و جمیع امت های عظیم در سایه اش سکنی گرفتند.
- ۷ پس در بزرگی خود و در رازی شاخه های خویش خوشنما شد چونکه ریشه اش نزد آبهای بسیار بود.
- ۸ سروهای آزاد باغ خدا آن را نتوانست پنهان کرد. و صنوبرها به شاخه هایش مشابقت نداشت. و چنارها مثل اغصانش نبود بلکه هیچ درخت در باغ خدا به زیبایی او مشابه نبود.
- ۹ من او را به کثرت شاخه هایش به حدی زیبایی دادم که همه درختان عدن که در باغ خدا بود بر او حسد بردند.»
- بنابر این خداوند یهوه چنین میفرماید: «ونکه قد تو بلند شده است، و او سر خود را در میان ابرها برافراشته و دلش از بلندیش مغرور گردیده است، از این جهت من او را به دست قوی ترین) ادشاه (امتها تسلیم خواهم نمود و او آنچه را که میباید به وی خواهد کرد. و من او را به سبب شرارتش بیرون خواهم انداخت.
- ۱۲ و غریبان یعنی ستمکیشان امته او را منقطع ساخته، ترک خواهند نمود. و شاخه هایش بر کوهها و در جمیع درهها خواهد افتاد و اغصان او نزد همه وادیهای زمین شکسته خواهد شد. و جمیع قوم های زمین از زیر سایه او فرود آمده، او را ترک خواهند نمود.
- ۱۳ و همه مرغان هوا بر تنه افتاده و آشیانه گرفته، تمامی حیوانات صحرا بر شاخه هایش ساکن خواهند شد.
- ۱۴ تا آنکه هیچکدام از درختانی که نزد آنها میباشند قد خود را بلند نکنند و سرهای خود را در میان ابرها بر نیفرانند. و زور آوران آنها از همگانی که سیراب میباشند، در

بلندی خود نایستند. زیرا که جمیع آنها در اسفلهای زمین در میان پسران انسانی که به هاویه فرود میروند به مرگ تسلیم شده‌اند.»

و خداوند یهوه چنین میگوید: «روزی که او به عالم اموات فرود می‌رود، من ماتی برپای نمایم و لجه را برای وی پوشانیده، نهرهایش را باز خواهم داشت. و آبهای عظیم باز داشته خواهد شد و لبنان را برای وی سوگوار خواهم کرد. و جمیع درختان صحرا برایش ماتم خواهند گرفت.»

۱۶ و چون او را آتانی که به هاویه فرود می‌روند به عالم اموات فرود آورم، آنگاه امت‌ها را از صدای انهدامش متزلزل خواهم ساخت. و جمیع درختان عدن یعنی برگزیده و نیکوترین لبنان از همگانی که سیراب میشوند، در اسفلهای زمین تسلی خواهند یافت.

۱۷ و ایشان نیز بامقتولان شمشیر و انصارش که در میان امتها زیر سایه اوساکن میبودند، همراه وی به عالم اموات فرود خواهند رفت.

۱۸ به کدامیک از درختان عدن در جلال و عظمت چنین شباهت داشتی؟ اما بادرختان عدن به اسفلهای زمین تو را فرود خواهند آورد و در میان ناخوتنان بامقتولان شمشیر خواهی خوابیدی. خداوند یهوه میگوید که فرعون و تمامی جماعتش این است.»

مرثیه فرعون

و در روز اول ماه دوازدهم از سال دوازدهم واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی‌پسر انسان برای فرعون پادشاه مصر مرثیه بخوان و او را بگو تو به شیرژیان امتهامشابه میبودی، اما مانند اژدها در دریا هستی و آب را از بینی خود می‌جھانی و آبها را به پایهای خود حرکت داده، نهرهای آنها را گل آلود میسازی.»

خداوند یهوه چنین میگوید: «ام خود را به واسطه گروهی از قوم‌های عظیم بر تو خواهم گسترانید و ایشان تو را در دام من بر خواهند کشید.»

۴ و تو را بر زمین ترک نموده، بر روی صحرا خواهانداخت و همه مرغان هوا را بر تو فرود آورده، جمیع حیوانات زمین را از تو سیر خواهم ساخت.

- ۵ و گوشت تو را بر کوهها نهاده، در ههار از لاش تو بر خواهم کرد.
- ۶ و زمینی را که در آن شما میکنی از خون توتابه کوهها سیراب میکنم که وادیه از تو بر خواهد شد.
- ۷ و هنگامی که تو را منطقی گردانم، آسمان را خواهم پوشانید و ستارگانش را تاریک کرده، آفتاب را به ابرها مستور خواهم ساخت و ماه روشنایی خود را نخواهد داد.
- ۸ و خداوند یهوه میفرماید، که تمامی نبرهای درخشنده آسمان را برای تو سیاه کرده، تاریکی بر زمینت خواهم آورد.
- ۹ و چون هلاکت تو را در میان امتهای زمین پایی که ندانستهای آورده باشم، آنگاه دلهای قومهای عظیم را محزون خواهم ساخت.
- ۱۰ و قومهای عظیم را بر تو متحیر خواهم ساخت. و چون شمشیر خود را پیش روی ایشان جلوه دهم، پادشاهان ایشان به شدت دهشتناک خواهند شد. و در روز انهدام تو هر یک از ایشان برای جان خود هر لحظهای خواهند لرزید.»
- زیرا خداوند یهوه چنین میگوید: «مشیر پادشاه بابل بر تو خواهد آمد.
- ۱۲ و به شمشیرهای جباران که جمیع ایشان از ستمکیشان امت هائی باشند، جمعیت تو را به زیر خواهند انداخت. و ایشان غرور مصر را نابود ساخته، تمامی جمعیتش هلاک خواهند شد.
- ۱۳ و تمامی بهایم او را از کارهای آبهای عظیم هلاک خواهم ساخت. و پائی انسان دیگر آنها را گل آلود نخواهد ساخت. و سم بهایم آنها را گل آلود نخواهد ساخت.
- ۱۴ آنگاه خداوند یهوه میگوید: آبهای آنها را ساکت گردانیده، نهرهای آنها را مانند روغن جاری خواهم ساخت.
- ۱۵ و چون زمین مصر را ویران کنم و آن زمین از هر چه در آن باشد خالی شود و چون جمیع ساکنانش را هلاک کنم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.»
- و خداوند یهوه میگوید: «رثیهای که ایشان خواهند خواند همین است. دختران امتهای این مرثیه را خواهند خواند. برای مصر و تمامی جمعیتش این مرثیه را خواهند خواند.»

- ودر روز پانزدهم ماه از سال دوازدهم واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
- «ی‌پسر انسان برای جمعیت مصر ولوله نما و هم او را و هم دختران امت‌های عظیم را با آنانی که به‌ها و یه فرود می‌روند، به اسفلهای زمین فرود آور.
- ۱۹ از چه کس زیبا تر هستی؟ فرود بیا و با ناخوتونان بخواب.
- ۲۰ ایشان در میان مقتولان شمشیر خواهند افتاد. (به شمشیر تسلیم شده است. پس او را و تمامی جمعیتش را بکشید.
- ۲۱ اقویای جباران از میان عالم اموات او را و انصار او را خطاب خواهند کرد. ایشان ناخوتون به شمشیر کشته شده، فرود آمده، خواهند خوابید.
- «را آنجا آشور و تمامی جمعیت او هستند. قبرهای ایشان گرداگرد ایشان است و جمیع ایشان کشته شده از شمشیر افتاد هانند.
- ۲۳ که قبرهای ایشان به اسفلهای ها و یه قرار داده شد و جمعیت ایشان به اطراف قبرهای ایشانانند.
- در آنجا عیلام و تمامی جمعیتش هستند. قبرهای ایشان گرداگرد ایشان است و جمیع ایشان مقتول و از شمشیر افتاد هانند و به اسفلهای زمین ناخوتون فرود رفته‌اند، زیرا که در زمین زندگان باعث هیبت بوده‌اند. پس با آنانی که به‌ها و یه فرود می‌روند، متحمل نجالت خویش خواهند بود.
- ۲۵ بستری برای او و تمامی جمعیتش در میان مقتولان قرار داده‌اند. قبرهای ایشان گرداگرد ایشان است و جمیع ایشان ناخوتون و مقتول شمشیرند. زیرا که در زمین زندگان باعث هیبت بودند. پس با آنانی که به‌ها و یه فرود می‌روند، متحمل نجالت خویش خواهند بود. در میان کشتگان قرار داده شد.
- ۲۶ در آنجا ماشک و توبال و تمامی جمعیت آنها هستند. قبرهای ایشان گرداگرد ایشان است و جمیع ایشان ناخوتون و مقتول شمشیرند. زیرا که در زمین زندگان باعث هیبت بودند.
- ۲۷ پس ایشان با جباران و ناخوتونانی که افتاد هانند که با اسلحه جنگ خویش به‌ها و یه فرود رفته‌اند، نخواهند خوابید. ایشان شمشیرهای خود را زیر سرهای خود نهادند. و گاه ایشان بر استخوانهای ایشان خواهد بود. زیرا که در زمین زندگان باعث هیبت جباران بودند.

- ۲۸ و اما تو در میان نا مختونان شکسته شده، با مقتولان شمشیر خواهی خوابید.
- ۲۹ در آنجا دو مویاد شاهانش و جمیع سرورانش هستند که در جبروت خود با مقتولان شمشیر قرار داده شدند. و ایشان با نا مختونان و آنانی که به هاویه فرود میروند خواهند خوابید.
- ۳۰ در آنجا جمیع روسای شمال و همه صید و نیان هستند که با مقتولان فرود رفتند. از هیبتی که به جبروت خویش باعث آن بودند، نخل خواهند شد. پس با مقتولان شمشیر نا مختون خواهند خوابید و با آنانی که به هاویه فرود میروند، متحمل نجالت خود خواهند شد.
- ۳۱ و خداوند یهوه میگوید که فرعون چون این را ببندد باره تمامی جمعیت خود خویشتن را تسلی خواهد داد و فرعون و تمامی لشکر او به شمشیر کشته خواهند شد.
- ۳۲ زیرا خداوند یهوه میگوید: من او را در زمین زندگان باعث هیبت گردانیدم. پس فرعون و تمامی جمعیت او را با مقتولان شمشیر در میان نا مختونان خواهند خوابانید.»

دیده بان

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

- ۴ «ای پسر انسان پسران قوم خود را خطاب کرده، به ایشان بگو: اگر من شمشیری بر زمینی آورم و اهل آن زمین کسی را از میان خود گرفته، او را به جهت خود به دیده بانی تعیین کنند، و او شمشیر را ببندد که بر آن زمین میآید و کرنا را نواخته، آن قوم را متنبه سازد، و اگر کسی صدای کرنا را شنیده، متنبه نشود، آنگاه شمشیر آمده، او را گرفتار خواهد ساخت و خونش برگردنش خواهد بود.
- ۵ چون که صدای کرنا را شنید و متنبه نگردد، خون او بر خودش خواهد بود و اگر متنبه میشد جان خود را میبازد.
- ۶ و اگر دیده بان شمشیر را ببندد که میآید و کرنا را نواخته قوم را متنبه نسازد و شمشیر آمده، کسی را از میان ایشان گرفتار سازد، آن شخص در گناه خود گرفتار شده است، اما خون او را از دست دیده بان خواهم طلبید.
- ۷ و من تو را ای پسر انسان برای خاندان اسرائیل به دیده بانی تعیین نمودم تا کلام را از دهانم شنیده، ایشان را از جانب من متنبه سازی.

۸ حینی که من به مرد شیر گویم: ای مرد شیر البته خواهی مرد! اگر تو سخن نگوینی تا آن مرد شیر را از طریقش متنبه سازی، آنگاه آن مرد شیر در نگاه خود خواهد مرد، اما خون او را از دست تو خواهم طلبید.

۹ اما اگر تو آن مرد شیر را از طریقش متنبه سازی تا از آن بازگشت نماید و او از طریق خود بازگشت نکند، آنگاه او در نگاه خود خواهد مرد، اما تو جان خود را رستگار ساختهای.

۱۰ پس تو ای پسر انسان به خاندان اسرائیل بگو: شما بدین مضمون میگویند: چونکه عصیان و گناهان ما بر گردن ما است و به سبب آنها کاهیده شد، پس چگونه زنده خواهیم ماند؟

«ه ایشان بگو: خداوند یهوه میفرماید: به حیات خودم قسم که من از مردن مرد شیر خوش نیستم بلکه (و ش هشتم) که شیر از طریق خود بازگشت نموده، زنده ماند. ای خاندان اسرائیل بازگشت نماید! از طریق های بد خویش بازگشت نماید زیرا چرا میبرید؟ و تو ای پسر انسان به پسران قوم خود بگو: عدالت مرد عادل در روزی که مرتکب گناه شود، او را نخواهد رها کنید. و شرارت مرد شیر در روزی که او از شرارت خود بازگشت نماید، باعث هلاکت وی نخواهد شد. و مرد عادل در روزی که گناه ورزد، به عدالت خود زنده نتواند ماند.

۱۳ حینی که به مرد عادل گویم که البته زنده خواهی ماند، اگر او به عدالت خود اعتماد نموده، عصیان ورزد، آنگاه عدالتش هرگز به یاد آورده نخواهد شد بلکه در عصیان که ورزیده است خواهد مرد.

۱۴ و هنگامی که به مرد شیر گویم: البته خواهی مرد! اگر او از نگاه خود بازگشت نموده، انصاف و عدالت بجا آورد،

و اگر آن مرد شیر رهن را پس دهد و آنچه دزدیده بود رد نماید و به فریاض حیات سلوک نموده، مرتکب بیانصافی نشود، او البته زنده خواهد ماند و نخواهد مرد.

۱۶ تمام گناهی که ورزیده بود بر او به یاد آورده نخواهد شد. چونکه انصاف و عدالت را بجا آورده است، البته زنده خواهد ماند.

۱۷ اما پسران قوم تو می گویند که طریق خداوند موزون نیست، بلکه طریق خود ایشان

است که موزون نیست.

۱۸ هنگامی که مرد عادل از عدالت خود برگشته، عصیان ورزد، بهسبب آن خواهد مرد.

۱۹ و چون مرد شریر از شرارت خود بازگشت نموده، انصاف و عدالت را بجا آورد بهسبب آن زنده خواهد ماند.

۲۰ اما شما میگویند که طریق خداوند موزون نیست. ای خاندان اسرائیل من بر هر یکی از شما موافق طریق هایش داوری خواهم نمود.»

علت ویرانی اورشلیم

و در روز پنجم ماه دهم از سال دوازدهم اسیری ما واقع شد که کسیکه از اورشلیم فرار کرده بود نزد من آمده، خبر داد که شهر تسخیر شده است.

۲۲ و در وقت شام قبل از رسیدن آن فراری دست خداوند بر من آمده، دهان مرا گشود. پس چون او در وقت صبح نزد من رسید، دهانم گشوده شد و دیگر گنگ نبودم.

۲۳ و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ای پسر انسان ساکنان این خرابه‌های زمین اسرائیل میگویند: ابراهیم یک نفر بود حینی که وارث این زمین شد و ما بسیار هستیم که زمین به ارث به ما داده شده است.

۲۵ بنابراین به ایشان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: (وشت را) باخونش میخورید و چشمان خود را بسوی بت‌های خویش برمی افرازید و خون میریزید. پس آیا شما وارث زمین خواهید شد؟

«رشمشیرهای خود تکیه میکنید و مرتکب رجاسات شده، هر کدام از شما از همسایه خود رانجس میسازید. پس آیا وارث این زمین خواهید شد؟

بدینطور به ایشان بگو که خداوند یهوه چنین میفرماید: به حیات خود قسم البته آنانی که در خرابه‌ها هستند به شمشیر خواهند افتاد. و آنانی که بر روی صحرا اند برای خوراک به حیوانات خواهم داد. و آنانی که در قلعه‌ها و مغارهایند ازو با خواهند مرد.

۲۸ و این زمین را ویران و محل دهشت خواهم ساخت و غرور قوتش نابود خواهد شد. و کوه‌های اسرائیل به حدی ویران خواهد شد که رهگذری نباشد.

- ۲۹ و چون این زمین را به سبب همه رجا ساتی که ایشان بعمل آورد هاند ویران و محل دهشت ساخته باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.
- ۳۰ اما تو ای پسر انسان پسران قومت به پهلوی دیوارها و نزد درهای خانه‌ها در باره تو سخن میگویند. و هر یک به دیگری و هر کس به برادرش خطاب کرده، میگوید بیایید و بشنوید! چه کلام است که از جانب خداوند صادر می شود.
- ۳۱ و نزد تو می آیند بطوری که قوم (ن) ای آیند. و مانند قوم من پیش تو نشسته، سخنان تو را میشنوند، اما آنها را بجای می آورند. زیرا که ایشان به دهان خود سخنان شیرین میگویند. لیکن دل ایشان در پی حرص ایشان می رود.
- ۳۲ و اینک تو برای ایشان مثل سر و شیرین مطرب خوشنوا و نیک نواز هستی. زیرا که سخنان تو را می شنوند، اما آنها را بجای می آورند.
- ۳۳ و چون این واقع میشود و البته واقع خواهد شد، آنگاه خواهند دانست که نبی در میان ایشان بوده است.»

شبان و گله

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی پسر انسان به ضد شبانان اسرائیل نبوت نما و نبوت کرده، به ایشان یعنی به شبانان بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: وای بر شبانان اسرائیل که خویشتن را میچرانند. آیا نمی باید شبانان گله را بچرانند؟

شما پیه را میخورید و پشم را میپوشید و پروار یها را میکشید، اما گله را نمی چرانید.

۴ ضعیفان را تقویت نمی دهید و بیماران را معالجه نمی نمایید و شکسته‌ها را شکسته بندی نمی کنید و رانده شدگان را پس نمی آورید و گم شدگان را نمی طلبید، بلکه بر آنها با جور و ستم حکمرانی مینمایید.

۵ پس بدون شبان پراکنده میشوند و خوراک همه حیوانات صحرا گردیده، آواره میگردند.

۶ گوسفندان من بر جمیع کوهها و بر همه تلهای بلند آواره شده‌اند. و گله من بر روی

تمامی زمین پراکنده گشته، کسی ایشان را نمی طلبد و برای ایشان تفحص نمی نماید.

۷ پسای شبانان کلام خداوند را بشنوید!

خداوند یهوه میفرماید: به حیات خودم قسم هرآینه چونکه گله من به تاراج رفته و گوسفندانم خوراکی همه حیوانات صحرا گردیده، شبانی ندارند. و شبانان من گوسفندانم را نطلبیدند. بلکه شبانان خویشتن را چرانیدند و گله مرا رعایت نمودند. «نابراینای شبانان! کلام خداوند را بشنوید!

خداوند یهوه چنین میفرماید: اینک من به ضد شبانان هستم. و گوسفندان خود را از دست ایشان خواهم طلبید. و ایشان را از چرانیدن گله معزول خواهم ساخت تا شبانان خویشتن را دیگر نچرانند. و گوسفندان خود را از دهان ایشان خواهم رهانید تا خوراک ایشان نباشند.

۱۱ زیرا خداوند یهوه چنین میگوید: هان من خودم گوسفندان خویش را طلبیده، آنها را تلفقد خواهم نمود.

۱۲ چنانکه شبان حینی که در میان گوسفندان پراکنده خود میباشند، گله خویش را تلفقد مینماید، همچنان من گوسفندان خویش را تلفقد نموده، ایشان را از هر جایی که در روزا برها و تاریکی غلبط پراکنده شده بودند خواهم رهانید.

۱۳ و ایشان را از میان قوم بایرون آورده، از کشورها جمع خواهم نمود. و به زمین خودشان در آورده، بر کوههای اسرائیل و در وادیها و جمیع معمورات زمین ایشان را خواهم چرانید.

۱۴ ایشان را بر مرتع نیکو خواهم چرانید و آرام گاه ایشان بر کوههای بلند اسرائیل خواهد بود. و آنجا در آرام گاه نیکو و مرتع پرگناه خواهند خوابید. و بر کوههای اسرائیل خواهند چرید.

۱۵ خداوند یهوه میگوید که من گوسفندان خود را خواهم چرانید و من ایشان را خواهم خوابانید.

۱۶ گم شدگان را خواهم طلبید و رانده شدگان را باز خواهم آورد و شکسته‌ها را شکسته بندی نموده، بیماران را قوت خواهم داد. لیکن فربهان و زورآوران را هلاک ساخته، بر ایشان به انصاف رعایت خواهم نمود.

۱۷ و اما به شما ای گوسفندان من، خداوند یهوه چنین میفرماید: هان من در میان گوسفندان و گوسفندان در میان قوچهای و بزهای زرداوری خواهم نمود.

آیا برای شما کم بود که مرتع نیکو را چرانیدید بلکه بقیه مرتع خود را نیز به پایهای خویش پایمال ساختید؟ و آب زلال را نوشیدید بلکه باقیمانده را به پایهای خویش گل آلود ساختید؟ و گوسفندان من آنچه را که از پای شما پایمال شده است، میچرند و آنچه را که به پای شما گل آلود گشته است، مینوشند.

۲۰ بنابراین خداوند یهوه به ایشان چنین میگوید: هان من خودم در میان گوسفندان فریه و گوسفندان لاغرداوری خواهم نمود.

۲۱ چونکه شما به پهلوی و کتف خود تنه میزنید و همه ضعیفان را به شاخهای خود میزنید، حتی اینکه ایشان را بیرون پراکنده ساختناید،

پس من گله خود را نجات خواهم داد که دیگر به تاراج برده نشوند و در میان گوسفندان و گوسفندان داوری خواهم نمود.

۲۳ و یک شبان بر ایشان خواهم گجاست که ایشان را بچرانید یعنی بنده خود را و در آنکه ایشان را رعایت بنماید و او شبان ایشان خواهد بود.

۲۴ و من یهوه خدای ایشان خواهم بود و بنده من داود در میان ایشان رئیس خواهد بود. من که یهوه هستم گفتهام.

۲۵ و عهد سلامتی را با ایشان خواهم بست. و حیوانات موذی را از زمین نابود

خواهم ساخت و ایشان در بیابان به امنیت ساکن شده، در جنگلها خواهند خوابید.

۲۶ و ایشان را و اطراف کوه خود را برکت خواهم ساخت. و باران را در موسم شما خواهم بارانید و بارشهای برکت خواهد بود.

۲۷ و درختان صحرا میوه خود را خواهند آورد و زمین حاصل خویش را خواهد داد. و ایشان در زمین خود به امنیت ساکن خواهند شد. و حیثی که چوبهای یوغ ایشان را شکسته و ایشان را از دست آنانی که ایشان را مملوک خود ساخته بودند رها نموده باشم، آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم.

۲۸ و دیگر در میان امتها به تاراج نخواهد رفت و حیوانات صحرا ایشان را نخواهند خورد

بلکه به امنیت، بدون ترسانندهای ساکن خواهند شد.
 ۲۹ و برای ایشان درختستان ناموری برپا خواهم داشت. و دیگر از قحط در زمین تلف نخواهند شد. و بار دیگر متحمل سرزنش امته نخواهند گردید.
 ۳۰ و خداوند یهوه میگوید: خاندان اسرائیل خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان با ایشان هستم و ایشان قوم من میباشند.
 ۳۱ و خداوند یهوه میگوید: شمای گله من و ای گوسفندان مرتع من، انسان هستید و من خدای شما میباشم.»

نبوت بضدادوم

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:
 «ی پسر انسان نظر خود را بر کوه سعیر بدار و به ضد آن نبوت نما!
 و آن را بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: اینکای کوه سعیر من به ضد تو هستم. و دست خود را بر تو دراز کرده، تو را ویران و محل دهشت خواهم ساخت.
 ۴ شهرهای را خراب خواهم نمود تا ویران شده، بدانی که من یهوه هستم.
 ۵ چونکه عداوت دائمی داشتی و بنیاسرائیل را در زمان مصیبت ایشان و هنگام عقوبت آخریبه دم شمشیر تسلیم نمودی،
 لهذا خداوند یهوه چنین می گوید: به حیات خودم قسم که تو را به خون تسلیم خواهم نمود که خون تو را تعاقب نماید. چون از خون نفرت نداشتی، خون تو را تعاقب خواهد نمود.
 ۷ و کوه سعیر را محل دهشت و ویران ساخته، روندگان و آیندگان را از آن منقطع خواهم ساخت.
 ۸ و کوههایش را از کشتگانش ملامیکنم که مقتولان شمشیر بر تلها و درهها و همه وادیهای تو بیفتند.
 ۹ و تو را خرابه های دائمی میسازم که شهرهای دیگر مسکون نشود و بدانید که من یهوه هستم.
 ۱۰ چونکه گفتمی این دوامت و این دوزمین از آن من میشود و آن را به تصرف خواهیم

آورد با آنکه یهوه در آنجا است.»

بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: «ه حیات خودم قسم که موافق خشم و حسدی که به ایشان نمودی، از کینه‌های که بایشان داشتی با تو عمل خواهم نمود. و چون بر تو داوری کرده باشم، خویشتن را بر تو در میان ایشان معروف خواهم گردانید.

۱۲ و خواهی دانست که من یهوه تمامی سخنان کفرآمیز را که به ضد کوه‌های اسرائیل گفته‌ای، شنیده‌ام. چونکه گفتی: خراب گردید و برای خوراک ماداده شد.

۱۳ و شهابه دهان خود به ضد من تکبر نموده، سخنان خویشتن را بر من افزودید و من آنها را شنیدم.

۱۴ خداوند یهوه چنین میگوید: حینی که تمامی جهان شادی کنند من تو را ویران خواهم ساخت.

۱۵ و چنانکه بر میراث خاندان اسرائیل حینی که ویران شد شادی نمودی، همچنان با تو عمل خواهم نمود. و تو ای کوه سعیر و تمام ادم جمیع ویران خواهی شد. پس خواهند دانست که من یهوه هستم.»

نبوت ب ضد کوه‌های اسرائیل

«تو ای پسرانسان به کوه‌های اسرائیل نبوت کرده، بگو: ای کوه‌های اسرائیل کلام خداوند را بشنوید!

خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه دشمنان در باره شما گفته‌اند ه این بلندیه‌های دیرینه میراث ما شده است،

لذا نبوت کرده، بگو که خداوند یهوه چنین میفرماید: از آن جهت که ایشان شمار از هر طرف خراب کرده و بلعیده‌اند تا میراث بقیه امت‌ها بشوید و بر لب‌های حرف گیران برآمده، مورد مذمت طوایف گردیده‌اید،

لذا ای کوه‌های اسرائیل کلام خداوند یهوه را بشنوید! خداوند یهوه به کوه‌ها و تله‌ها و وادی‌ها و دره‌ها و خرابه‌های ویران و شهرهای متروکی که تاراج شده و مورد سخریه بقیه امت‌های مجاور گردیده است، چنین میگوید:

بنابراین خداوند یهوه چنین میفرماید: هر آینه به آتش غیرت خود به ضد بقیه امت‌ها و به ضد

تمامی ادوم تکلم نمود هام که ایشان زمین مرا به شادی تمام دل و کینه قلب، ملک خود ساختند تا آن رابه تاراج وا گذارند.

۶ پس در باره زمین اسرائیل نبوت نماوبه کوهها و تلهها و وادیا و درهها بگو که خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه شما متحمل سرزنش امتها شده اید، لهذا من در غیرت و خشم خود تکلم نمودم.»

و خداوند یهوه چنین میگوید: «ن دست خود را بر افراشته ام که امت هایی که به اطراف شما بند البته سرزنش خود را متحمل خواهند شد.

۸ و شما ای کوههای اسرائیل شاخه های خود را خواهید رویانید و میوه خود را برای قوم من اسرائیل خواهید آورد زیرا که ایشان به زودی خواهند آمد.

۹ زیرا اینک من بطرف شما هستم. و بر شما نظر خواهم داشت و شیار شده، کاشته خواهید شد.

۱۰ و بر شما مردمان را خواهم افزود یعنی تمامی خاندان اسرائیل را جمیع. و شهرها مسکون و خرابها معمور خواهد شد.

۱۱ و بر شما انسان و بهایم بسیار خواهم آورد که ایشان افزوده شده، بارور خواهند شد. و شما را مثل ایام قدیم معمور خواهم ساخت. بلکه بر شما بیشتر از اول شما احسان خواهم نمود و خواهید دانست که من یهوه هستم.

۱۲ و مردمان یعنی قوم خود اسرائیل را بر شما خرامان خواهم ساخت تا تو را به تصرف آورند. و میراث ایشان بشوی و ایشان را دیگر بیا و لا دنسازی.»

و خداوند یهوه چنین میگوید: «ونکه ایشان در باره تو میگویند که مردمان را میلیعی و امت های خویش را بیا و لا دمیکردانی،

پس خداوند یهوه میگوید: مردمان را دیگر نخواهی بلعید و امت های خویش را دیگر بیا و لا دنخواهی ساخت.

۱۵ و سرزنش امتها را دیگر در تو مسموع نخواهم گردانید. و دیگر متحمل مذمت طوایف نخواهی شد و امت های خویش را دیگر نخواهی لغزانیید. خداوند یهوه این

رامی گوید.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ای پسر انسان، هنگامی که خاندان اسرائیل در زمین خود ساکن میبوندند آن راه راهاها و به اعمال خود نجس نمودند. و طریق ایشان به نظر من مثل نجاست زن حایض میبود.»

۱۸ لهذا به سبب خونی که بر زمین ریختند و آن راه به تهای خود نجس ساختند، من خشم خود را بر ایشان ریختم.

۱۹ و ایشان را در میان امتها پراکنده ساختم و در کشورها متفرق گشتند. و موافق راهها و اعمال ایشان، بر ایشان داوری نمودم.

و چون به امت هائی که بطرف آنها رفتند رسیدند، آنگاه اسم قدوس مرا بجزمت ساختند. زیرا در باره ایشان گفتند که ایان قوم یهوه میباشند و از زمین او بیرون آمد هاند.

۲۱ لیکن من بر اسم قدوس خود که خاندان اسرائیل آن را در میان امت هائی که بسوی آنها رفته بودند بجزمت ساختند شفقت نمودم.

«نا بر این به خاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: ای خاندان اسرائیل من این رانه به خاطر شما بلکه بخاطر اسم قدوس خود که آن را در میان امت هائی که به آنها رفته، بجزمت نمودم و باید بعمل میآورم.»

۲۳ و اسم عظیم خود را که در میان امتها بجزمت شده است و شما آن را در میان آنها بجزمت ساختناید، تقدیس خواهم نمود. و خداوند یهوه میگوید: حینی که بنظر ایشان در شما تقدیس کرده شوم، آنگاه امتها خواهند دانست که من یهوه هستم.

۲۴ و شما را از میان امتها میگیرم و از جمیع کشورها جمع میکنم و شما را در زمین خود در خواهم آورم.

۲۵ و آب پاک بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد. و شما را از همه نجاسات واز همه تهای شما طاهر خواهم ساخت.

۲۶ و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد.

- ۲۷ و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شمارا به فریاض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید.
- ۲۸ و در زمینی که به پدران شما دادم ساکن شده، قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود.
- ۲۹ و شمارا از همه نجاسات شما نجات خواهم داد. و غله را خوانده، آن را فراوان خواهم ساخت و دیگر قحط بر شما نخواهم فرستاد.
- ۳۰ و میوه درختان و حاصل زمین را فراوان خواهم ساخت تا دیگر در میان امت ها متحمل رسوایی قحط نشوید.
- ۳۱ و چون راههای قبیح و اعمال ناپسند خود را به یاد آورید، آنگاه به سبب گناهان و رجاسات خود خویش تن را در نظر خود مکروه خواهید داشت.»
- و خداوند یهوه میگوید: «دانید که من این را به خاطر شما نکردم. پسای خاندان اسرائیل به سبب راههای خود نجل و رسوا شوید.»
- خداوند یهوه چنین میفرماید: «روزی که شمارا از تمامی گناهانتان طاهر سازم، شهرها را مسکون خواهم ساخت و خرابها معمور خواهد شد.
- ۳۴ و زمین ویران که به نظر جمیع رهگذریان خراب میبود، شیار خواهد شد.
- ۳۵ و خواهند گفت این زمینی که ویران بود، مثل باغ عدن گردیده است و شهرهایی که خراب و ویران و منهدم بود، حصار دار و مسکون شده است.
- ۳۶ و امت هایی که به اطراف شما باقیمانده باشند، خواهند دانست که من یهوه مخروبات را بنا کرده و ویرانه ها را غرس نمودم. من که یهوه هستم تکلم نموده و بعمل آوردم.»
- خداوند یهوه چنین میگوید: «رای این بار دیگر خاندان اسرائیل از من مسالت خواهند نمود تا آن را برای ایشان بعمل آورم. من ایشان را با مردمان مثل گله کثیر خواهم گردانید.
- ۳۸ مثل گله های قربانی یعنی گله اورشلیم در موسمهایش همچنان شهرهای مخروب از گله های مردمان پر خواهد شد و ایشان خواهند دانست که من یهوه هستم.»

وادی استخوانهای خشک

دست خداوند بر من فرود آمده، مراد روح خداوند بیرون برد و در همواری قرار داد
و آن از استخوانها پر بود.

۲ و مرا به هر طرف آنها گردانید. و اینک آنها بر روی همواری بینهایت زیاده و بسیار
خشک بود.

۳ و او مرا گفت: «ای پسر انسان آیا میشود که این استخوانها زنده گردد؟» گفتم: «ای
خداوند یهوه تو میدانی.»

پس مرا فرمود: «این استخوانها نبوت نموده، به اینها بگو: ای استخوانهای خشک کلام
خداوند را بشنوید!

خداوند یهوه به این استخوانها چنین میگوید: اینک من روح به شما درمی آورم تا زنده شوید.

۶ و پیهها بر شما خواهم نهاد و گوشت بر شما خواهم آورد و شمارا به پوست خواهم پوشانید
و در شماروح خواهم نهاد تا زنده شوید. پس خواهید دانست که من یهوه هستم.»

پس من چنانکه مامور شدم نبوت کردم. و چون نبوت نمودم، آوازی مسموع
گردید. و اینک تزلزلی واقع شد و استخوانها به یکدیگر یعنی هر استخوانی به استخوانش
نزدیک شد.

۸ و نگر بستم و اینک پیهها و گوشت به آنها برآمد و پوست آنها را از بالا پوشانید. اما در
آنها روح نبود.

۹ پس او مرا گفت: «روح نبوت نما! ای پسر انسان بر روح نبوت کرده، بگو: خداوند
یهوه چنین میفرماید کههای روح از بادهای اربع بیا و به این کشتگان بدم تا ایشان زنده
شوند.»

پس چنانکه مرا امر فرمود، نبوت نمودم. و روح به آنها داخل شد و آنها زنده گشته،
برایهای خود لشکر بینهایت عظیمی ایستادند.

۱۱ و او مرا گفت: «ای پسر انسان این استخوانها تمامی خاندان اسرائیل میباشند. اینک
ایشان میگویند: استخوانهای ما خشک شد و امید ما ضایع گردید و خودمان منقطع

گشتم.

۱۲ هَذَا نَبُوتٌ كَرَدَه، بَه اِيشَان بگو: خدَاوند يِهوه چنين ميْفَر مَآيد: اِينَك مِن قَبْرِ هَاي شَمَارَا ميگشَايم. و شَمَارَاي قَوْم مِن اَز قَبْرِ هَاي شَمَارَا آورده، بَه زَمِين اسْرَائِيل خَوَاهَم آورد.

۱۳ وَاي قَوْم مِن چُون قَبْرِ هَاي شَمَارَا بگشَايم و شَمَارَا اَز قَبْرِ هَاي شَمَايِيرون آورم، اَنگَاه خَوَاهِيْد دَانَسْت كَه مِن يِهوه هَسْتَم.

۱۴ و رُوح خُود رَا دَر شَمَا خَوَاهَم نَهَاد تَا زَنده شُويْد. و شَمَارَا دَر زَمِين خُود تَان مَقِيْم خَوَاهَم سَاخْت. پَس خَوَاهِيْد دَانَسْت كَه مِن يِهوه تَكْلَم نمُوده و بَعْمَل آورْد هَام. قَوْل خُدَا وَند اَيْن اسْت.»
و كَلَام خُدَا وَند بَر مِن نَازِل شُدِه، گُفْت:

«تَوَاي پَس رَا نَسَان يَك عَصَا بَرَاي خُود بگِيرو بَرَا نَبُويس بَرَاي يِهود اَو بَرَاي بَنِيَا اسْرَائِيل رَفَقَاي وِي. پَس عَصَاي ديْگَر بگِيرو بَرَا نَبُويس بَرَاي يُوْسُف عَصَاي اَفْرَايِم وَ تَمَامِي خَانْدَان اسْرَائِيل رَفَقَاي وِي.

۱۷ وَاَنهَار اَبْرَاي خُود تَا بَاي كَدِيْگَر يَك عَصَا سَاز تَا دَر دَسْت يَك بَاشْد.

۱۸ و چُون اَبْنَاء قَوْم تُو رَا خَطَاب كَرْدِه، گُوِيَنْد: اَيَا مَارَا خَبْر نَمِي دَهِي كَه اَز اَيْن كَار هَا مَقْصُود تُو چِيْسْت؟

اَنگَاه بَه اِيشَان بگو: خدَاوند يِهوه چنين ميْفَر مَآيد: اِينَك مِن عَصَاي يُوْسُف رَا كَه دَر دَسْت اَفْرَايِم اسْت و اَسْبَاط اسْرَائِيل رَا كَه رَفَقَاي وِي اَنْد، خَوَاهَم گُفْت وَاَنهَار اَبَا وِي بَعْنِي بَا عَصَاي يِهود اَخُوَاهَم پِيُوْسْت وَاَنهَار اَيَك عَصَا خَوَاهَم سَاخْت و دَر دَسْت يَك خَوَاهَد شُد.

۲۰ پَس اَن عَصَا هَا كَه بَرَا نَهَانُوشْتِي دَر دَسْت تُو دَر نَظَر اِيشَان بَاشْد.

۲۱ و بَه اِيشَان بگو: خدَاوند يِهوه چنين ميْفَر مَآيد: اِينَك مِن بَنِيَا اسْرَائِيل رَا اَز مِيَا نَامْت هَايِي كَه بَه اَنهَار فَتْهَانْد گُفْتِه، اِيشَان رَا اَز هَر طَرَف جَمْع خَوَاهَم كَرْد و اِيشَان رَا بَه زَمِين خُود شَان خَوَاهَم آورد.

۲۲ و اِيشَان رَا دَر اَن زَمِين بَر كُوْه هَاي اسْرَائِيل يَك اِمْت خَوَاهَم سَاخْت. و يَك

پادشاه بر جمیع ایشان سلطنت خواهد نمود و دیگر دو امت نخواهند بود و دیگر به دو مملکت تقسیم نخواهند شد.

۲۳ و خویشان را دیگر به تهاور جاسات و همه معصیت های خود نجس نخواهند ساخت، بلکه ایشان را از جمیع مساکن ایشان که در آنها نگاه ورزید هاند نجات داده، ایشان را طاهر خواهیم ساخت. و ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود.

۲۴ و بنده من داود، پادشاه ایشان خواهد بود. و یک شبان برای جمیع ایشان خواهد بود. و به احکام من سلوک نموده و فریاض مرا نگاه داشته، آنها را بجا خواهند آورد.

۲۵ و در زمینی که به بنده خود یعقوب دادم و پدران ایشان در آن ساکن می بودند، ساکن خواهند شد. و ایشان و پسران ایشان و پسران پسران ایشان تا به ابد در آن سکونت خواهند نمود و بنده من داود تا ابد الا با در رئیس ایشان خواهد بود.

۲۶ و با ایشان عهد سلامتی خواهم بست که برای ایشان عهد جاودانی خواهد بود و ایشان را مقیم ساخته، خواهم افزود و مقدس خویش را تا ابد الا باد در میان ایشان قرار خواهم داد.

۲۷ و مسکن من بر ایشان خواهد بود و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.

۲۸ پس چون مقدس من در میان ایشان تا به ابد برقرار بوده باشد، آنگاه امتها خواهند دانست که من یهوه هستم که اسرائیل را تقدیس مینمایم.»

نبوت بضد جوج

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«ی پسر انسان نظر خود را بر جوج که از زمین ماجوج و رئیس روش و ماشک و توبال است بدار و بر او نبوت نما.

۳ و بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: اینک منای جوج رئیس روش و ماشک و توبال به ضد تو هستم.

۴ و تورا بر گردانیده، قلاب خود را به چانه ات میگذارم و تورا با تمامی لشکرت بیرون میآورم. اسبان و سواران که جمیع ایشان با اسلحه تمام آراسته، جمعیت عظیمی با سپرها و مجنها و

همگی ایشان شمشیرها بدهست گرفته،
فارس و کوش و فوط با ایشان و جمیع ایشان با سپر و خود،
جو مر و تمامی افواجش و خاندان تو جر مه از اطراف شمال با تمامی افواجش و قوم های
بسیار همراه تو.

۷ پس مستعد شو و تمامی جمعیت که نزد تو جمع شده اند، خویشان را مهیا سازید و
تو مستحفظ ایشان باش.

۸ بعد از روزهای بسیار از تو تفقد خواهد شد. و در سالهای آخر به زمینی که از
شمشیر استرداد شده است، خواهی آمد که آن از میان قوم های بسیار بر کوه های اسرائیل
که به خرابه دائمی تسلیم شده بود، جمع شده است و آن از میان قوم های بیرون آورده شده و
تمامی اهلس به امنیت ساکن میباشند.

۹ اما تو بر آن خواهی برآمد و مثل باد شدید داخل آن خواهی شد و مانند ابرها زمین را خواهی
پوشانید. تو و جمیع افواجت و قوم های بسیار که همراه تو میباشند.»

خداوند یهوه چنین میفرماید: «آن روز چیزها در دل تو خطور خواهد کرد و تدبیری
زشت خواهی نمود.

۱۱ و خواهی گفت: به زمین یحصار برمی آیم. بر کسانی که به اطمینان و امنیت
ساکند می آیم که جمیع ایشان یحصارند و پشت بندها و دروازه هانداوند.

۱۲ تا تاراج نمایی و غنیمت را ببری و دست خود را به خرابه هایی که معمور شده است
و به قومی که از میان آنها جمع شده اند، بگردانی که ایشان مواشی و اموال اند و ختبانند و
در وسط جهان ساکنند.

۱۳ شبها و دان و تجارت ترشیدش و جمیع شیران زیان ایشان تو را خواهند گفت: آیا به جهت
گرفتن غارت آمده ای؟ و آیا به جهت بردن غنیمت جمعیت خود را جمع کرده ای تا نقره
و طلا برداری و مواشی و اموال را بر بایی و غارت عظیمی ببری؟

«نا بر اینای پسر انسان نبوت نموده، جوج را بگو که خداوند یهوه چنین میفرماید: در آن
روز حینی که قوم من اسرائیل به امنیت ساکن باشند آیات و نحوای فهمید؟

و از مکان خویش از اطراف شمال خواهی آمد و تو و قوم های بسیار همراه تو که جمیع ایشان

اسبسوار و جمعیتی عظیم و لشکری کثیر میباشند،

و بر قوم من اسرائیل مثل ابری که زمین را پوشاند خواهی برآمد. در ایام بازپسین این به وقوع خواهد پیوست که تو را به زمین خود خواهم آورد تا آنکه امتحانی که من خویشتن را در توای جوج به نظر ایشان تقدیس کرده باشم مرا بشناسند.»

خداوند یهوه چنین میگوید: «یا توانکس نیستی که در ایام سلف به واسطه بند گانم انبیای اسرائیل که در آن ایام در باره سالهای بسیار نبوت نمودند در خصوص تو گفتم که تو را برایشان خواهم آورد؟»

خداوند یهوه میگوید: در آن روز یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل برمی آید، همانا حدت خشم من به بینیام خواهد برآمد.

۱۹ زیرا در غیرت و آتش خشم خود گفتم که هر آینه در آن روز تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد.

۲۰ و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشرات که بر زمین میخزند و همه مردمانی که بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید و کوهها سرنگون خواهد شد و صحرها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید.

۲۱ و خداوند یهوه میگوید: من شمشیری بر جمیع کوههای خود به ضد او خواهم خواند و شمشیر هر کس بر برادرش خواهد بود.

۲۲ و با و با و خون بر او عقوبت خواهم رسانید. و باران سیال و تگرگ سخت و آتش و گوگرد بر او و بر افواجش و بر قومهای بسیاری که با وی میباشند خواهم بارانید.

۲۳ و خویشتن را در نظرامت های بسیار معظم و قدوس و معروف خواهم نمود و خواهند دانست که من یهوه هستم.

«س توای پسر انسان در باره جوج نبوت کرده، بگو خداوند یهوه چنین میفرماید که اینکای جوج رئیس روش و ماشک و توبال من به ضد تو هستم.»

۲ و تو را برمی گردانم و رهبری مینمایم و تو را از اطراف شمال بر آورده، بر کوههای اسرائیل

خواهم آورد.

- ۳ و کمان تور از دست چپت انداخته، تیرهای تور از دست راستت خواهم افکند.
- ۴ و تو و همه افواجت و قومهایی که همراه تو هستند بر کوههای اسرائیل خواهید افتاد و تورابه هر جنس مرغان شکاری و به حیوانات صحرا به جهت خوراک خواهم داد.
- ۵ خداوند یهوه میگوید که به روی صحرا خواهی افتاد زیرا که من تکلم نمودهام.
- ۶ و آتشی بر ما جوج و بر کسانی که در جزایر به امنیت ساکنند خواهم فرستاد تا بدانند که من یهوه هستم.
- ۷ و نام قدوس خود را در میان قوم خویش اسرائیل، معروف خواهم ساخت و دیگر نمی گذارم که اسم قدوس من بچرمت شود تا امتها بدانند که من یهوه قدوس اسرائیل میباشم.
- ۸ اینک خداوند یهوه میگوید: آن میآید و به وقوع خواهد پیوست. و این همان روز است که در بارهاش تکلم نمودهام.
- ۹ و ساکنان شهرهای اسرائیل بیرون خواهند آمد و اسلحه یعنی مجن و سپر و کمان و تیرها و چوب دستی و نیزهها را آتش زده، خواهند سوزانید. و مدت هفت سال آتش را به آنها زنده نگاه خواهند داشت.
- ۱۰ و هیزم از صحرا خواهند آورد و چوب از جنگلهای خواهند برید زیرا که اسلحهها را به آتش خواهند سوزانید. و خداوند یهوه میگوید که غارت کنندگان خود را غارت خواهند کرد و تاراج کنندگان خویش را تاراج خواهند نمود.
- ۱۱ و در آن روز موضعی برای قبر در اسرائیل یعنی وادی عابریم را بطرف مشرق دریا به جوج خواهم داد. و راه عبور کنندگان را مسدود خواهد ساخت. و در آنجا جوج و تمامی جمعیت، او را دفن خواهند کرد و آن را وادی هامون جوج خواهند نامید.
- ۱۲ و خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین را طاهر سازند.
- ۱۳ و تمامی اهل زمین ایشان را دفن خواهند کرد. و خداوند یهوه میگوید: روز تجید من نیگامی ایشان خواهد بود.

۱۴ و کسانی را معین خواهند کرد که پیوسته در زمین گردش نمایند. و همراه عبور کنندگان آنانی را که بر روی زمین باقیمانده باشند دفن کرده، آن را ظاهر سازند. بعد از انقضای هفت ماه آنها را خواهند طلبید.

۱۵ و عبور کنندگان در زمین گردش خواهند کرد. و اگر کسی استخوان آدمی بیند نشانی نزد آن برپا کند تا دفن کنندگان آن را در وادی هامون جوج مدفون سازند. ۱۶ و اسم شهر نیزها مونه خواهد بود. پس زمین را ظاهر خواهند ساخت.

«اما تو ای پسر انسان! خداوند یهوه چنین میفرماید که بهر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح مینمایم، فراهم آید. قربانی عظیمی بر کوههای اسرائیل تا گوشت بخورید و خون بنوشید.

۱۸ گوشت جباران را خواهید خورد و خون روسای جهان را خواهید نوشید. از قوچها و برهها و بزها و گاوها که همه آنها از پرواریهای ایشان میباشند.

۱۹ و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم، پیه خواهید خورد تا سیر شوید و خون خواهید نوشید تا مست شوید.

۲۰ و خداوند یهوه میگوید که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد.

۲۱ و من جلال خود را در میان امتهای اقوام داد و جمیع امتهای او را که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود.

۲۲ و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد خواهند دانست که یهوه خدای ایشان من هستم.

۲۳ و امتهای خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب نگاه خودشان جلای وطن گردیدند. زیرا چونکه به من خیانت ورزیدند، من روی خود را از ایشان پوشانیدم و ایشان را به دست ستم کاران ایشان تسلیم نمودم که جمیع ایشان به شمشیر افتادند.

۲۴ بر حسب نجاسات و تقصیرات ایشان به ایشان عمل نموده، روی خود را از ایشان پوشانیدم.»

بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: «لان اسیران یعقوب را باز آورده، بر تمامی خاندان اسرائیل رحمت خواهم فرمود و بر اسم قدوس خود غیرت خواهم نمود.

۲۶ وحنی که ایشان در زمین خود به امنیت ساکن شوند و ترسانند های نباشد، آنگاه نجات خود را و خیانتی را که به من ورزیده اند متحمل خواهند شد.

۲۷ و چون ایشان را از میان امتهای برگردانم و ایشان را از زمین دشمنانشان جمع نمایم، آنگاه در نظرات های بسیار در ایشان تقدیس خواهم شد.

۲۸ و خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان هستم، از آن رو که من ایشان را در میان امتهای جلالی وطن ساختم و ایشان را به زمین خودشان جمع کردم و بار دیگر کسی را از ایشان در آنجا باقی نخواهم گذاشت.

۲۹ و خداوند یهوه میگوید که من بار دیگر روی خود را از ایشان نخواهم پوشانید زیرا که روح خویش را بر خاندان اسرائیل خواهم ریخت.»

مکان هیکل جدید

در سال بیست و پنجم اسیری مادر ابتدای سال، در دهم ماه که سال چهاردهم بعد از تسخیر شهر بوده، در همان روز دست خداوند بر من نازل شده، مرا به آنجا برد.

۲ در رویاهای خدا مرا به زمین اسرائیل آورد. و مرا بر کوه بسیار بلند قرارداد که بطرف جنوب آن مثل بنای شهر بود.

۳ و چون مرا به آنجا آورد، اینک مردی که نمایش او مثل نمایش برنج بود در دستش ریشمانی از گنجان و نی برای پیچیدن بود و نزد دروازه ایستاده بود.

۴ آن مرد مرا گفت: «ی پسر انسان به چشمان خود بین و به گوشهای خویش بشنو و دل خود را به هر چه به تو نشان دهم، مشغول ساز زیرا که تو را در اینجا آوردم تا این چیزها را به تو نشان دهم. پس خاندان اسرائیل را از هر چه میبینی آگاه ساز.»

و اینک حصاری بیرون خانه گرداگردش بود. و به دست آن مرد نی پیمایش شش ذراعی بود که هر ذراعش یک ذراع و یک قبضه بود. پس عرض بنا را یک نی و بلندیش را یک نی پیچود.

۶ پس نزد دروازه های که بسوی مشرق متوجه بود آمده، به پله هایش برآمد. و آستانه دروازه را پیچود که عرضش یک نی بود و عرض آستانه دیگر را که یک نی بود.

- ۷ و طول هر غره فیه یک نی بود و عرضش یک نی. و میان غره فهها مسافت پنج ذراع. و آستانه دروازه نزد رواق دروازه از طرف اندرون یک نی بود.
- ۸ و رواق دروازه را از طرف اندرون یک نی پیچود.
- ۹ پس رواق دروازه راهشت ذراع و اسبرهایش راد و ذراع پیچود. و رواق دروازه بطرف اندرون بود.
- ۱۰ و حجره های دروازه بطرف شرقی، سه از این طرف و سه از آن طرف بود. و هر سه رایک پیمایش و اسبرها را از این طرف و آن طرف یک پیمایش بود.
- ۱۱ و عرض دهنه دروازه راده ذراع و طول دروازه را سیزده ذراع پیچود.
- ۱۲ و محجری پیش روی حجره ها از این طرف یک ذراع و محجری از آن طرف یک ذراع و حجره ها از این طرف شش ذراع و از آن طرف شش ذراع بود.
- ۱۳ و عرض دروازه را از سقف یک حجره تا سقف دیگری بیست و پنج ذراع پیچود. و دروازه در مقابل دروازه بود.
- ۱۴ و اسبرها را شصت ذراع ساخت و رواق گردا گرد دروازه به اسبرها رسید.
- ۱۵ و پیش دروازه مدخل تا پیش رواق دروازه اندرونی پنجاه ذراع بود.
- ۱۶ و حجره ها و اسبرهای آنها را به اندرون دروازه پنجره های مشبک بهر طرف بود و همچنین رواقها را. و پنجره ها بطرف اندرون گردا گرد بود و بر اسبرها نخلها بود.
- دروازه شمالی**
- پس مرابه صحن بیرونی آورد و اینک اطاقها و سنگ فرشی که برای صحن از هر طرفش ساخته شده بود. و سی اطاق بر آن سنگ فرش بود.
- ۱۸ و سنگ فرش یعنی سنگ فرش پائینی به جانب دروازه ها یعنی به اندازه طول دروازه ها بود.
- ۱۹ و عرضش را از برابر دروازه پایینی تا پیش صحن اندرونی از طرف بیرون صد ذراع به سمت مشرق و سمت شمال پیچود.
- ۲۰ و طول و عرض دروازه های را که رویش بطرف شمال صحن بیرونی بود پیچود.
- ۲۱ و حجره های سه از این طرف و سه از آن طرف و اسبرهایش و رواقهایش موافق پیمایش دروازه اول بود. طولش پنجاه ذراع و عرضش بیست و پنج ذراع.
- ۲۲ و پنجره هایش و رواقهایش و نخلهایش موافق پیمایش دروازه های که رویش به سمت

مشرق است بود. و به هفت پله به آن برمی آمدند و رواقهایش پیش روی آنها بود.
 ۲۳ و صحن اندرونی را دروازه‌های در مقابل دروازه دیگر بطرف شمال و بطرف مشرق بود. و از دروازه تا دروازه صد ذراع پیچود.

دروازه جنوبی

پس مرا بطرف جنوب برد. و اینک دروازه‌های به سمت جنوب و اسبرهایش و رواقهایش را مثل این پیمایش پایم بود.

۲۵ و برای آن و برای رواقهایش پنجره‌ها مثل آن پنجره‌ها گرداگردش بود. و طولش پنجاه ذراع و عرضش بیست و پنج ذراع بود.

۲۶ و زیننه‌های آن هفت پله داشت. و رواقش پیش آنها بود. و آن را نخل‌هایکی از این طرف و دیگری از آن طرف بر اسبرهایش بود.

۲۷ و صحن اندرونی بطرف جنوب دروازه‌های داشت و از دروازه تا دروازه به سمت جنوب صد ذراع پیچود.

۲۸ و مرا از دروازه جنوبی به صحن اندرونی آورد. و دروازه جنوبی را مثل این پیمایش پایم بود.

۲۹ و حجره‌هایش و اسبرهایش و رواقهایش موافق این پیمایش بود. و در آن و در رواقهایش پنجره‌ها گرداگردش بود و طولش پنجاه ذراع و عرضش بیست و پنج ذراع بود.

۳۰ و طول رواقی که گرداگردش بود بیست و پنج ذراع و عرضش پنج ذراع بود.

۳۱ و رواقش به صحن بیرونی می‌رسید. و نخل‌ها بر اسبرهایش بود و زینش هشت پله داشت.

صحن اندرونی

پس مرا به صحن اندرونی به سمت مشرق آورد. و دروازه را مثل این پیمایش پایم بود.

۳۳ و حجره‌هایش و اسبرهایش و رواقهایش موافق این پیمایش بود. و در آن و در رواقهایش پنجره‌ها بر هر طرفش بود و طولش پنجاه ذراع و عرضش بیست و پنج ذراع بود.

۳۴ و رواقهایش بسوی صحن بیرونی و نخل‌ها بر اسبرهایش از این طرف و آن طرف بود و زینش هفت پله داشت.

۳۵ و مرا به دروازه شمالی آورد و آن را مثل این پیمایش پایم بود.

- ۳۶ و حجره هایش و اسبر هایش و رواق هایش رانیز. و پنجره ها گردا گردش بود و طولش پنجاه ذراع و عرضش بیست و پنج ذراع بود.
- ۳۷ و اسبر هایش بسوی صحن بیرونی بود. و نخلها بر اسبر هایش از این طرف و از آن طرف بود و زینهاش هشت پله داشت.
- و نزد اسبرهای دروازه ها طاقی با دروازه اش بود که در آن قربانی های سوختنی را می شستند.
- ۳۹ و در رواق دروازه دو میز از این طرف و دو میز از آن طرف بود تا بر آنها قربانی های سوختنی و قربانی های گناه و قربانی های جرم را ذبح نمایند.
- ۴۰ و به یک جانب از طرف بیرون نزد زینه دهنه دروازه شمالی دو میز بود. و به جانب دیگر که نزد رواق دروازه بود دو میز بود.
- ۴۱ چهار میز از این طرف و چهار میز از آن طرف به پهلوئی دروازه بود یعنی هشت میز که بر آنها ذبح میکردند.
- ۴۲ و چهار میز برای قربانی های سوختنی از سنگ تراشیده بود که طول هر یک یک ذراع و نیم و عرضش یک ذراع و نیم و بلندیش یک ذراع بود و بر آنها آلاتی را که به آنها قربانی های سوختنی و ذبایح را ذبح مینمودند، مینهادند.
- ۴۳ و نگاره های یک قبضه قد در اندرون از هر طرف نصب بود و گوشت قربانیها بر میزها بود.

حجره کاهنان

- و بیرون دروازه اندرونی، اطاقهای مغنیاں در صحن اندرونی به پهلوئی دروازه شمالی بود و روی آنها به سمت جنوب بود و یکی به پهلوئی دروازه مشرقی که رویش بطرف شمال میبود بود.
- ۴۵ و او مرا گفت: «این اطاقی که رویش به سمت جنوب است، برای کاهنانی که ودیعت خانه را نگاه میدارند میباشد.
- ۴۶ و اطاقی که رویش به سمت شمال است، برای کاهنانی که ودیعت مذبح را نگاه میدارند میباشد. اینانند پسران صادق از بنی لای که نزدیک خداوند می آیند تا او را خدمت نمایند.»

هیكل

- و طول صحن را صد ذراع و عرضش را صد ذراع و آن مربع بود و مذبح در برابر خانه بود.

۴۸ و مرابه رواق خانه آورد. و اسبرهای رواق را پنج ذراع از این طرف و پنج ذراع از آن طرف پیچود. و عرض دروازه راسه ذراع از این طرف و سه ذراع از آن طرف. ۴۹ و طول رواق بیست ذراع و عرضش یازده ذراع. و نزد زینهاش که از آن برمی آمدند، دو ستون نزد اسبرهای یکی از این طرف و دیگری از آن طرف بود.

و مرابه هیکل آورد و عرض اسبرها را شش ذراع از این طرف و عرض آنها را شش ذراع از آن طرف که عرض خیمه بود پیچود.

۲ و عرض مدخل ده ذراع بود و جانبهای مدخل از این طرف پنج ذراع و از آن طرف پنج ذراع بود و طولش را چهل ذراع و عرضش را بیست ذراع پیچود.

۳ و به اندرون داخل شده، اسبرهای مدخل را دو ذراع و مدخل را شش ذراع و عرض مدخل را هفت ذراع پیچود.

۴ و طولش را بیست ذراع و عرضش را بیست ذراع پیش روی هیکل پیچود و مرا گفت: «بن قدسالا قداس است.»

و دیوار خانه را شش ذراع پیچود. و عرض غرفهها که گردا گرد خانه بهر طرف میبود چهار ذراع بود.

۶ و غرفهها روی همدیگر سه طبقه بود و در هر رستههای سی و در دیواری که به جهت غرفهها گردا گرد خانه بود، داخل میشد تا رآن (متمکن شود و در دیوار خانه متمکن نشود).

۷ و غرفهها خانه را بالا تر و بالا تر احاطه کرده، و وسیعتر میشد، زیرا که خانه را بالا تر و بالا تر گردا گرد خانه احاطه میکرد و از این جهت خانه بسوی بالا و وسیعتر میبود، و همچنین از طبقه تحتانی به طبقه وسطی تا طبقه فوقانی بالا می رفتند. و بلندی خانه را از هر طرف ملا حظة نمودم و اساس های غرفهها یک فی تمام، یعنی شش ذراع بزرگ بود.

۹ و بیطرف بیرون عرض دیواری که به جهت غرفهها بود پنج ذراع بود و فسحت باقیمانده مکان غرفه های خانه بود.

۱۰ و در میان حجرهها، عرض بیست ذراعی گردا گرد خانه بهر طرفش بود.

۱۱ و درهای غرفهها بسوی فسحت بود. یک در بسوی شمال و در دیگری بسوی

- جنوب و عرض مکان فسحت پنج ذراع گردا گرد.
- ۱۲ و عرض بنیانی که رو به روی مکان منفصل بود در گوشه سمت مغرب هفتاد ذراع و عرض دیوار گردا گرد بنیان پنج ذراع و طولش نود ذراع بود.
- و طول خانه را صد ذراع پیود و طول مکان منفصل و بنیان و دیوار هایش را صد ذراع.
- ۱۴ و عرض جلو خانه و مکان منفصل به سمت مشرق صد ذراع بود.
- ۱۵ و طول بنیان را تا پیش مکان منفصل که در عقبش بود با ایوانهایش از این طرف و آن طرف صد ذراع پیود و هیکل اندرونی و رواقهای صحنهارا.
- ۱۶ و آستانها و پنجره های مشبک و ایوانها گردا گرد در سه طبقه مقابل آستانه از زمین تا پنجره ها از هر طرف چوب پوش بود و پنجره ها هم پوشیده بود.
- ۱۷ و تابالای درها و تا خانه اندرونی و بیرونی و بر تمامی دیوار گردا گرد از اندرون و بیرون به همین پیمایشها.
- ۱۸ و کروبیان و نخلها در آن ساخته شده بود و در میان هر دو کروبی یک نخل بود و هر کروبی دور داشت.
- ۱۹ یعنی روی انسان بسوی نخل از این طرف و روی شیر بسوی نخل از آن طرف بر تمامی خانه بهر طرفش ساخته شده بود.
- ۲۰ و از زمین تابالای درها کروبیان و نخلها مصور بود و در دیوار هیکل هم چنین.
- و باهوهای هیکل مربع بود و منظر جلو قدس مثل منظر آن بود.
- ۲۲ و مذبح چوبین بود. بلند یاش سه ذراع و طولش دو ذراع و گوشه هایش و طولش و دیوار هایش از چوب بود. و او مرا گفت: «بزی که در حضور خداوند می باشد این است.»
- و هیکل و قدس را دور بود.
- ۲۴ و هر در را دو لنگه بود و این دو لنگه تا می شد. یک در را دو لنگه و در دیگر را دو لنگه.
- ۲۵ و بر آنها یعنی بر درهای هیکل کروبیان و نخلها مصور بود بطوری که در دیوارها مصور بود و آستانه چوبین پیش روی رواق بطرف بیرون بود.
- ۲۶ بر جانب رواق پنجره های مشبک به این طرف و به آن طرف بود و همچنین بر غرفه های

خانه و پراستانها.

جره کاهنان

و مرابه صحن بیرونی از راه سمت شمالی بیرون برد و مرابه حجرهای که مقابل مکان منفصل و روبروی بنیان بطرف شمال بود آورد.

۲ جلوطول صد ذراعی در شمالی بود و عرضش پنجاه ذراع بود.

۳ مقابل بیست ذراع که از آن صحن اندرونی بود و مقابل سنگفرشی که از صحن بیرونی بود دهلیزی روبروی دهلیزی در سه طبقه بود.

۴ و پیش روی حجرها بطرف اندرون خرندی به عرض ده ذراع بود و راهی یک ذراع و درهای آنها بطرف شمال بود.

۵ و حجره های فوقانی کوتاه بود زیرا که دهلیزها از آنها می گرفتند بیشتر از آنچه آنها از حجره های تحتانی و وسطی بنیان می گرفتند.

۶ چونکه سه طبقه بود و ستونها مثل ستونهای صحنها داشت و از این سبب، طبقه فوقانی از طبقات تحتانی و وسطی از زمین تنگتر میشد.

۷ و طول دیواری که بطرف بیرون مقابل جره هابسوی صحن بیرونی روبروی حجرها بود پنجاه ذراع بود.

۸ زیرا طول حجره هایی که در صحن بیرونی بود پنجاه ذراع بود و اینک جلوه یک صد ذراع بود.

۹ و زبراین حجرها از طرف شرقی مدخلی بود که از آن به آنها از صحن بیرونی داخل میشدند.

۱۰ و در حجم دیوار صحن که بطرف مشرق بود پیش روی مکان منفصل و مقابل بنیان حجرها بود.

۱۱ و راه مقابل آنها مثل نمایش راه حجره های سمت شمال بود، عرض آنها مطابق طول آنها بود و تمامی مخرج های اینها مثل رسم آنها و درهای آنها.

۱۲ و مثل درهای حجره های سمت جنوب دری بر سر راه بود یعنی بر راهی که راست پیش روی دیوار مشرقی بود جایی که به آنها داخل میشدند.

و مرا گفت: «جره های شمالی و حجره های جنوبی که پیش روی مکان منفصل است، حجره های مقدس میباشد که کاهنانی که به خداوند نزدیک می آیند قدس اقداس را

در آنها میخورند و قدس اقداس و هدایای آردی و قربانی‌های نگاه و قربانی‌های جرم را در آنها می‌گذارند زیرا که این مکان مقدس است.

۱۴ و چون کاهنان داخل آنها میشوند دیگر از قدس به صحن بیرونی بیرون نمی‌آیند بلکه لباس‌های خود را که در آنها خدمت میکنند در آنها می‌گذارند زیرا که آنها مقدس می‌باشد و لباس دیگر پوشیده، به آنچه به قوم تعلق دارد نزدیک می‌آیند.»

و چون پیمایش‌های خانه اندرونی را به اتمام رسانید، مرا بسوی دروازه‌های که رویش به سمت مشرق بود بیرون آورد و آن را از هر طرف پیچود.

۱۶ جانب شرقی آن را به نی پیمایش، پانصد نی پیچود یعنی به نی پیمایش آن را از هر طرف پیچود. □□ و جانب شمالی را به نی پیمایش از هر طرف پانصد نی پیچود.

۱۸ و جانب جنوبی را به نی پیمایش، پانصد نی پیچود.

۱۹ پس به سوی جانب غربی برگشته، آن را به نی پیمایش پانصد نی پیچود.

۲۰ هر چهار جانب آن را پیچود و آن را دیواری بود که طولش پانصد و عرضش پانصد ی (بود) تا در میان مقدس و غیر مقدس فرق گذارد.

جلال خدا بر هیکل

و مرا نزد دروازه آورد، یعنی به دروازه‌های که به سمت مشرق متوجه بود.

۲ و اینک جلال خدای اسرائیل از طرف مشرق آمد و آواز او مثل آب‌های بسیار بود و زمین از جلال او منور گردید.

۳ و مثل منظر آن رویایی بود که دیده بودم یعنی مثل آن رویا که در وقت آمدن من، برای تخریب شهر دیده بودم و رویاها مثل آن رویا بود که نزد نهر خابور مشاهده نموده بودم. پس به روی خود در افتادم.

پس جلال خداوند از راه دروازه‌های که رویش به سمت مشرق بوده خانه درآمد.

۵ و روح مرا برداشته، به صحن اندرونی آورد و اینک جلال خداوند خانه را مملو ساخت.

۶ و هاتقی را شنیدم که از میان خانه به من تکلم مینماید و مردی پهلوئی من ایستاده بود.

۷ و مرا گفت: «ی‌پسر انسان این است مکان کرسی من و مکان کف پایم که در آن در میان بنی اسرائیل تا به ابد ساکن خواهم شد و خاندان اسرائیل هم خود ایشان و هم

پادشاهان ایشان بار دیگر به زناها و لاشهای پادشاهان خود در مکان‌های بلند خویش نام قدوس مرا بجزمت نخواهند ساخت.

۸ از اینکه آستانه‌های خود را نزد آستانه من و باهوهای خویش را به پهلوهای باهوهای من برپا کرده‌اند و در میان من و ایشان فقط دیواری است، پس اسم قدوس مرا به رجاسات خویش که آنها را بعمل آورده‌اند بجزمت ساختند، لہذا من در خشم خود ایشان را تلف نمودهام.

۹ حال زناهای خود و لاشهای پادشاهان خویش را از من دور بنمایند و من در میان ایشان تا به ابد سکونت خواهم نمود.

۱۰ و توای پسر انسان خاندان اسرائیل را از این خانه مطلع ساز تا از گناهان خود بچل شوند و ایشان نمونه آن را ببینند.

۱۱ و اگر از هر چه بعمل آورده‌اند بچل شوند، آنگاه صورت خانه را و نمونه و مخرجه‌ها و مدخلها و تمامی شکلها و همه فرایض و جمیع صورتها و تمامی قانونهایش را برای ایشان اعلام نما و به نظر ایشان بنویس تا تمامی صورتش و همه فرایضش را نگاه داشته، به آنها عمل نمایند.

۱۲ و قانون خانه این است که تمامی حدودش بر سر کوه از همه اطرافش قدس اقدس باشد. اینک قانون خانه همین است.

مذبح

و بیابانهای مذبح به ذراعها که هر ذراع یک ذراع و یک قبضه باشد این است. سینهاش یک ذراع و عرضش یک ذراع و حاشیهای که گرداگردش میباشد یک و جب و این پشت مذبح میباشد.

۱۴ و از سینه روی زمین تا خروج پایینی دو ذراع و عرضش یک ذراع و از خروج کوچک تا خروج بزرگ چهار ذراع و عرضش یک ذراع.

۱۵ و آتش دانش چهار ذراع و از آتش دان چهار شاخ برآمده بود.

۱۶ و طول آتش دان دو دوازده و عرضش دو دوازده و از هر چهار طرف مربع بود.

۱۷ و طول خروج چهارده و عرضش چهارده بر چهار طرفش بود و حاشیهای که گرداگردش بودند ذراع و دایره سینهاش یک ذراع و پله‌هایش به سمت مشرق متوجه بود.

واو مرا گفت: «ی‌پسر انسان خداوندیوه چنین میفرماید: این است قانون‌های مذبح در روزی که آن را بسازند تا قربانی‌های سوختی بر آن بگذرانند و خون بر آن پاشند.

۱۹ و خداوندیوه میفرماید که به لایوان کهنه که از ذریت صادوق میباشد و به جهت خدمت من به من نزدیک می‌آیند یک گوساله به جهت قربانی نگاه بده.

۲۰ و از خونس گرفته، بر چهار شاخش و بر چهار گوشه خروج و بر حاشیهای که گرداگردش است پاش و آن را طاهر ساخته، برایش کفاره کن.

۲۱ گوساله قربانی نگاه را بگیر و آن را در مکان معین خانه بیرون از مقدس بسوزانند.

۲۲ و در روز دوم بزربعیی برای قربانی نگاه بگذران تا مذبح را به آن طاهر سازند چنانکه آن را به گوساله طاهر ساختند.

۲۳ و چون از طاهر ساختن آن فارغ شدی گوساله بیعیب و قوچی بیعیب از گله بگذران.

۲۴ تو آن را به حضور خداوند نزدیک بیا و رو کاهنان نمک بر آنها پاشیده، آنها را به جهت قربانی سوختنی برای خداوند بگذرانند.

۲۵ هر روز از هفت روز توبزنی برای قربانی نگاه بگذران و ایشان گوسالهای و قوچی از گله ردوبی عیب بگذرانند.

۲۶ هفت روز ایشان کفاره برای مذبح نموده، آن را طاهر سازند و تخصیص کنند.

۲۷ و چون این روزها را به اتمام رسانیدند، پس در روز هشتم و بعد از آن کاهنان قربانی‌های سوختنی و ذبایح سلامتی شمارا بر مذبح بگذرانند و من شمارا قبول خواهم کرد. قول خداوندیوه این است.»

رئیس، لایوان و کاهنان

و مرا به راه دروازه مقدس بیرونی که به سمت مشرق متوجه بود، باز آورد و آن بسته شده بود.

۲ و خداوند مرا گفت: «این دروازه بسته بماند و گشوده نشود و هیچکس از آن داخل نشود زیرا که یهوه خدای اسرائیل از آن داخل شده، لهذا بسته بماند.

۳ و اما رئیس، چونکه او رئیس است در آن به جهت خوردن غذا به حضور خداوند بنشیند و از راه رواق دروازه داخل شود و از همان راه بیرون رود.»

پس مرا از راه دروازه شمالی پیش روی خانه آورد و نگریستم و اینک جلال خداوند خانه

خداوند را مملو ساخته بود و پروی خود در افتادم.

۵ و خداوند مرا گفت: «ی‌پسر انسان دل خود را به هر چه تورا گویم در باره تمامی قانون های خانه خداوند و همه قواعدش مشغول ساز و به چشمان خود ببین و به گوشهای خود بشنو و دل خویش را به مدخل خانه و به همه مخرج های مقدس مشغول ساز.

۶ و به این متمرکز یعنی به خاندان اسرائیل بگو: خداوند یهوه چنین میفرماید: ای خاندان اسرائیل از تمامی رجاسات خویش باز ایستید.

۷ زیرا که شما اجنبیان نامختون دل و نامختون گوشت را داخل ساختید تا در مقدس من بوده، خانه مرا ملوث سازند. و چون شما غذای من یعنی پیه و خون را گذرانیدید، ایشان علاوه بر همه رجاسات شما عهد مرا شکستند.

۸ و شما ودیعت اقداس مرا نگاه نداشتید، بلکه کسان به جهت خویش تن تعیین نمودید تا ودیعت مرا در مقدس من نگاه دارند.

«داوند یهوه چنین میفرماید: هیچ شخص غریب نامختون دل و نامختون گوشت از همه غریبانی که در میان بنی اسرائیل باشند به مقدس من داخل نخواهد شد.

۱۰ بلکه آن لایوان نیز که در حین آواره شدن بنی اسرائیل از من دوری ورزیده، از عقب پتهای خویش آواره گردیدند، متحمل گناه خود خواهند شد، زیرا خدا مان مقدس من و مستحفظان دروازه های خانه و ملازمان خانه هستند و ایشان قربانی های سوختنی و ذبایح قوم را ذبح مینمایند و به حضور ایشان برای خدمت ایشان می ایستند.

۱۲ و از این جهت که به حضور پتهای خویش ایشان را خدمت نمودند و برای خاندان اسرائیل سنگ مصادم گناه شدند. بنابراین خداوند یهوه میگوید: دست خود را به ضد ایشان برافراشتم که متحمل گناه خود خواهند شد.

۱۳ و به من نزدیک نخواهند آمد و به کهنات من نخواهند پرداخت و به هیچ چیز مقدس در قدس اقداس نزدیک نخواهند آمد، بلکه نجالت خویش و رجاسات خود را که بعمل آوردند متحمل خواهند شد.

۱۴ لیکن ایشان را به جهت تمامی خدمت خانه و برای هر کاری که در آن کرده میشود، مستحفظان و دیعت آن خواهم ساخت.

«یکن لاویان کهنه از بنی صادوق که در حینی که بنی اسرائیل از من آواره شدند و دیعت مقدس مرا نگاه داشتند، خداوند یهوه میگوید که ایشان به جهت خدمت من نزدیک خواهند آمد و به حضور من ایستاده پیه و خون را برای من خواهند گذرانید.

۱۶ و ایشان به مقدس من داخل خواهند شد و به جهت خدمت من به خوان من نزدیک خواهند آمد و دیعت مرا نگاه خواهند داشت.

۱۷ و هنگامی که به دروازه های صحن اندرونی داخل شوند لباس گئی خواهند پوشید و چون در دروازه های صحن اندرونی و در خانه مشغول خدمت باشند، هیچ لباس پشمین نپوشند.

۱۸ عمامه های گئی بر سر ایشان و زیر جامه گئی بر کمرهای ایشان باشد و هیچ چیزی که عرق آورد در در بر نکنند.

۱۹ و چون به صحن بیرونی یعنی به صحن بیرونی نزد قوم بیرون روند، آنگاه لباس خویش را که در آن خدمت میکنند بیرون کرده، آن را در حجره های مقدس بگذارند و به لباس دیگر ملبس شوند و قوم را در لباس خویش تقدیس نمایند.

۲۰ و ایشان سر خود را تراشند و گیسوهای بلند نگذارند بلکه موی سر خود را بچینند.

۲۱ و کاهن وقت در آمدنش در صحن اندرونی شراب ننوشد.

۲۲ وزن بیوه یا مطلقه را به زنی نگیرند، بلکه با گره های که از ذریت خاندان اسرائیل باشد یا بیوه های را که بیوه کاهن باشد بگیرند.

۲۳ و فرق میان مقدس و غیر مقدس را به قوم من تعلیم دهند و تشخیص میان طاهر و غیر طاهر را به ایشان اعلام نمایند.

۲۴ و چون در مراجعها به جهت محاکمه بایستند، بر حسب احکام من داوری نمایند و شرایع و فرایض مرا در جمیع مواسم من نگاه دارند و سبت های مرا تقدیس نمایند.

۲۵ واحدی از ایشان به میتی آدمی نزدیک نیامده، خویشتن رانجس نسا زد مگر اینکه به جهت پدر یا مادر یا پسر یا دختر یا برادر یا خواهری که شوهر نداشته باشد، جایز است که خویشتن رانجس سازد.

۲۶ و بعد از آنکه طاهر شود هفت روز برای وی بشمارند.

۲۷ و خداوند یهوه میفرماید در روزی که به صحن اندرونی قدس داخل شود تا در قدس

خدمت نماید آنگاه قربانی نگاه خود را بگذراند.
«ایشان را نصیبی خواهد بود. من نصیب ایشان خواهم بود. پس ایشان را در میان اسرائیل ملک ندهید زیرا که من ملک ایشان خواهم بود.»

۲۹ و ایشان هدایای آردی و قربانی های نگاه و قربانی های جرم را بخورند و همه موقوفات اسرائیل از آن ایشان خواهد بود.

۳۰ و اول تمامی نوبرهای همه چیز و هر هدیه های از همه چیزها از جمیع هدایای شما از آن کاهنان خواهد بود و خمیر اول خود را به کاهن بدهید تا برکت بر خانه خود فرود آید.
۳۱ و کاهن هیچ میته یاد ریده شده های را از مرغ یا بهایم نخورد.

تقسیم زمینها

«چون زمین را به جهت ملکیت به قرعه تقسیم نماید، حصه مقدس را که طولش بیست و پنج هزار (و عرضش ده هزار) (باشد هدیه های برای خداوند بگذرانید و این به تمامی حدودش از هر طرف مقدس خواهد بود.»

۲ و از این پانصد در پانصد (ی) از هر طرف مربع برای قدس خواهد بود و نواحی آن از هر طرفش پنجاه ذراع.

۳ و از این پیمایش طول بیست و پنج هزار و عرض ده هزار (ی) خواهی پیود تا در آن جای مقدس قدس سالاً قداس باشد.

۴ و این برای کاهنانی که خادمان مقدس باشند و به جهت خدمت خداوند نزدیک می آیند، حصه مقدس از زمین خواهد بود تا جای خانه ها به جهت ایشان و جای مقدس به جهت قدس باشد.

۵ و طول بیست و پنج هزار و عرض ده هزار (ی) (به جهت لایوانی که خادمان خانه باشند خواهد بود تا ملک ایشان برای بیست خانه باشد.)

۶ و ملک شهر را که عرضش پنجاه و طولش بیست و پنجاه (ی) (باشد موازی آن هدیه مقدس قرار خواهد داد و این از آن تمامی خاندان اسرائیل خواهد بود.)

۷ و از این طرف و از آن طرف هدیه مقدس و ملک شهر مقابل هدیه مقدس و مقابل ملک شهر از جانب غربی به سمت مغرب و از جانب شرقی به سمت مشرق حصه رئیس خواهد بود و طولش موازی یکی از قسمتها از حد مغرب تا حد مشرق خواهد بود.

۸ و این در آن زمین در اسرائیل ملک او خواهد بود تا روسای من بر قوم من دیگرستم نمایند و ایشان زمین را به خاندان اسرائیل بر حسب اسباط ایشان خواهند داد.
 «داندیهوه چنین میگوید: ای سروران اسرائیل باز ایستید و جور و ستم را دور کنید و انصاف و عدالت را بجا آورید و ظلم خود را از قوم من رفع نمایید. قول خداوندیهوه این است: میزان راست و ایفای راست و بیت راست برای شما باشد و ایفای بیت یکمقدار باشد به نوعی که بت به عشر حومر و ایفایه عشر حومر مساوی باشد. مقدار آنها بر حسب حومر باشد.
 ۱۲ و مثقال بیست جیره باشد. و منای شما بیست مثقال و بیست و پنج مثقال و پانزده مثقال باشد.

هدایا و روزهای مقدس

«هدیه‌های که بگذرانید این است: یک سدس ایفا از هر حومر گندم و یک سدس ایفا از هر حومر جو بدهید.
 ۱۴ و قسمت معین روغن بر حسب بت روغن یک عشر بت از هر گریا حومر ده بت باشد زیرا که ده بت یک حومر می باشد.
 ۱۵ و یک گوسفند از دو بیست گوسفند از مرتع‌های سیراب اسرائیل برای هدیه آردی و قربانی سوختنی و ذبایح سلامتی بدهند تا برای ایشان کفاره بشود. قول خداوندیهوه این است.
 ۱۶ و تمامی قوم زمین این هدیه را برای رئیس در اسرائیل بدهند.
 ۱۷ و رئیس قربانی‌های سوختنی و هدایای آردی و هدایای ریختنی را در عیدها و هلالها و سبتها و همه مواسم خاندان اسرائیل بدهد و او قربانی نگاه و هدیه آردی و قربانی سوختنی و ذبایح سلامتی را به جهت کفاره برای خاندان اسرائیل بگذرانند.»
 خداوندیهوه چنین میگوید: «رغره ماه اول، گاوی جوان بیعیب گرفته، مقدس را طاهر خواهی نمود.
 ۱۹ و کاهن قدری از خون قربانی نگاه گرفته، آن را بر چهار چوب خانه و بر چهار گوشه خروج مذبح و بر چهار چوب دروازه صحن اندرونی خواهد پاشید.
 ۲۰ و همچنین در روز هفتم ماه برای هر که سهویا غفلت خطا ورزد خواهی کرد و شما برای

خانه کفاره خواهید نمود.

۲۱ و در روز چهاردهم ماه اول برای شما هفت روز عید فصیح خواهد بود که در آنها نان فطیر خورده شود.

۲۲ و در آن روز رئیس، گاو قربانی نگاه را برای خود و برای تمامی اهل زمین بگذرانند.

۲۳ و در هفت روز عید، یعنی در هر روز از آن هفت روز، هفت گاو و هفت قوچ بیعیب

به جهت قربانی سوختنی برای خداوند و هر روز یک بز نر به جهت قربانی نگاه بگذرانند.

۲۴ و هدیه آردیش را یک ایفا برای هر گاو و یک ایفا برای هر قوچ و یک هین روغن برای هر ایفا بگذرانند.

۲۵ و از روز پانزدهم ماه هفتم، در وقت عید موافق این یعنی موافق قربانی نگاه و قربانی

سوختنی و هدیه آردی و روغن تا هفت روز خواهد گذرانید.»

خداوند پیوه چنین میگوید: «روازه سخن اندرونی که به سمت مشرق متوجه است در شش روز شغل بسته بماند و در روز سبت مفتوح شود و در روز اول ماه گشاده گردد.

۲ و رئیس از راه رواق دروازه بیرونی داخل شود و نزد چهار چوب دروازه بایستد و کاهنان قربانی سوختنی و ذبیحه سلامتی او را بگذرانند و او بر آستانه دروازه سجده نماید، پس بیرون برود اما دروازه تا شام بسته نشود.

۳ و اهل زمین در سبتها و هلالها نزد دهنه آن دروازه به حضور خداوند سجده نمایند.

۴ و قربانی سوختنی که رئیس در روز سبت برای خداوند بگذرانند، شش بره بیعیب و یک قوچ بیعیب خواهد بود.

۵ و هدیه آردیش یک ایفا برای هر قوچ باشد و هدیه اش برای برهها هر چه از دستش برآید و یک هین روغن برای هر ایفا.

۶ و در غره ماه یک گاو جوان بیعیب و شش بره و یک قوچ که بیعیب باشد.

۷ و هدیه آردیش یک ایفا برای هر گاو و یک ایفا برای هر قوچ و هر چه از دستش برآید برای برهها و یک هین روغن برای هر ایفا بگذرانند.

۸ و هنگامی که رئیس داخل شود از راه رواق دروازه درآید و از همان راه بیرون رود.

۹ و هنگامی که اهل زمین در موسم به حضور خداوند داخل شوند، آنگاه هر که از راه

دروازه شمالی به جهت عبادت داخل شود، از راه دروازه جنوبی بیرون رود. و هر که از راه دروازه جنوبی داخل شود، از راه دروازه شمالی بیرون رود و از آن دروازه که از آن داخل شده باشد، برنگردد بلکه پیش روی خود بیرون رود.

۱۰ و چون ایشان داخل شوند رئیس در میان ایشان داخل شود و چون بیرون روند با هم بیرون روند.

۱۱ و هدیه آردیاش در عیدها و مواسم یک ایفا برای هر گاویک ایفا برای هر قوچ و هر چه از دستش برآید برای برهها و یک هین روغن برای هر ایفا خواهد بود.

۱۲ و چون رئیس هدیه تبرعی را خواه قربانی سوختنی یا ذبایح سلامتی به جهت هدیه

تبرعی برای خداوند بگذراند، آنگاه دروازه‌های را که به سمت مشرق متوجه است بگشاید و او قربانی سوختنی و ذبایح سلامتی خود را بگذراند به طوری که آنها را در روز سبت میگذراند. پس بیرون رود و چون بیرون رفت دروازه را ببندند.

۱۳ و یک بره یک ساله بیعیب هر روز به جهت قربانی سوختنی برای خداوند خواهی گذرانید، هر صبح آن را بگذران.

۱۴ و هر بامداد هدیه آردی آن را خواهی گذرانید، یعنی یک سدس ایفا و یک ثلث

هین روغن که برآرد نرم پاشیده شود که هدیه آردی دایمی برای خداوند به فریضه ابدی خواهد بود.

۱۵ پس بره و هدیه آردیاش و روغنش را هر صبح به جهت قربانی سوختنی دایمی خواهند گذرانید.»

خداوند یهوه چنین میگوید: «و نرئیس بخششی به یکی از پسران خود بدهد، حق ارثیت آن از آن پسرانش خواهد بود و ملک ایشان به رسم ارثیت خواهد بود.

۱۷ لیکن اگر بخششی از ملک موروث خویش به یکی از بندگان خود بدهد، تا سال

انفکاک از آن او خواهد بود، پس به رئیس راجع خواهد شد و میراث او فقط از آن پسرانش خواهد بود.

۱۸ و رئیس از میراث قوم نگیرد و ملک ایشان را غصب ننماید بلکه پسران خود را از ملک خویش میراث دهد تا قوم من هر کس از ملک خویش پراکنده نشوند.

۱۹ پس مرا از مدخلی که به پهلو دروازه بود به جره‌های مقدس کاهنان که به سمت

شمال متوجه بود در آورد. و اینک در آنجا بهر دو طرف به سمت مغرب مکانی بود. «ومرا گفتم:» این است مکانی که کاهنان، قربانی جرم و قربانی گناه را طبخ مینمایند و هدیه آردی را میپزند تا آنها را به سخن بیرونی به جهت تقدیس نمودن قوم بیرون نیاورند.» پس مرابه سخن بیرونی آورد و مرابه چهار زاویه سخن گردانید و اینک در هر زاویه سخن صحنی بود.

۲۲ یعنی در چهار گوشه سخن صحنهای محوطهای بود که طول هر یک چهل و عرضش سی (راع) بود. این چهار را که در زاویهها بود یک مقدار بود.

۲۳ و به گرداگرد آنها بطرف آن چهار طاقها بود و مطبخها زیر آن طاقها از هر طرفش ساخته شده بود.

۲۴ و مرا گفتم: «اینها مطبخها میباشند که خادمان خانه در آنها ذابیح قوم را طبخ مینمایند.»

آب از مقدس

و مرا نزد دروازه خانه آورد و اینک آنها از زیر آستانه خانه بسوی مشرق جاری بود، زیرا که روی خانه به سمت مشرق بود و آن آنها از زیر جانب راست خانه از طرف جنوب مدیح جاری بود.

۲ پس مر از راه دروازه شمالی بیرون برده، از راه خارج به دروازه بیرونی به راهی که به سمت مشرق متوجه است گردانید و اینک آنها از جانب راست جاری بود.

۳ و چون آن مرد بسوی مشرق بیرون رفت، ریسمانکاری در دست داشت و هزار ذراع پیچوده، مر از آب عبور داد و آنها به قوزک میرسید.

۴ پس هزار ذراع پیچود و مر از آنها عبور داد و آب به زانو میرسید و باز هزار ذراع پیچوده، مر از آب عبور داد و آب به کمر می رسید.

۵ پس هزار ذراع پیچود و نهری بود که از آن نتوان عبور کرد زیرا که آب زیاده شده بود، آبی که در آن میشود شنا کرد نهری که از آن عبور نتوان کرد.

۶ و مرا گفتم: «ی پسر انسان آیا این را دیدی؟» پس مر از آنجا برده، به کنار نهر برگردانید. و چون برگشتم اینک بر کنار نهر از این طرف و از آن طرف درختان بینهایت بسیار بود.

۸ و مرا گفتم: «این آبها بسوی ولایت شرقی جاری میشود و به عرب فرود شده، به دریا

میرود و چون به دریا داخل میشود آبهایش شفا مییابد.
 ۹ و واقع خواهد شد که هر ذی حیات نزندهای در هر جایی که آن نهر داخل شود،
 زنده خواهد گشت و ماهیان از حد زیاد پیدا خواهد شد، زیرا چون این آب به آنجا میرسد،
 آن شفا خواهد یافت و هر جایی که نهر جاری میشود، همه چیز زنده میگردد.
 ۱۰ و صیادان بر کنار آن خواهند ایستاد و از عین جدی تا عین عجایم موضعی برای پهن
 کردن دامها خواهد بود و ماهیان آنها به حسب جنسها، مثل ماهیان دریای بزرگ از حد زیاد
 خواهند بود.
 ۱۱ اما خلاها و تالابهایش شفا نخواهد یافت بلکه به نمک تسلیم خواهد شد.

۱۲ و بر کنار نهر به اینطرف و آنطرف هر قسم درخت خوراکی خواهد روید که برگهای
 آنها پزنده نشود و میوههای آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه تازه خواهد آورد زیرا
 که آبش از مقدس جاری میشود و میوه آنها برای خوراک و برگهای آنها به جهت علاج
 خواهد بود.»
حدود زمین

خداوند یهوه چنین میگوید: «این است حدودی که زمین را برای دوازده سبط اسرائیل
 به آنها تقسیم خواهید نمود. برای یوسف دو قسمت.

۱۴ و شما هر کس مثل دیگری آن را به تصرف خواهید آورد زیرا که من دست خود
 را بر افراشتم که آن را به پدران شما بدهم پس این زمین به قرعه به شما به ملکیت داده خواهد
 شد.

۱۵ و حدود زمین این است. بطرف شمال از دریای بزرگ بطرف حتلون تا مدخل
 صدد.

۱۶ حمات و بیروت و سبرایم که در میان سرحد دمشق و سرحد حمات است و حصر
 وسطی که نزد سرحد حوران است.

۱۷ و حد از دریا حصر عینان نزد سرحد دمشق و بطرف سرحد حمات خواهد بود.
 و این است جانب شمالی.

۱۸ و بطرف شرقی در میان حوران و دمشق و در میان جلعاد و زمین اسرائیل اردن خواهد
 بود و از این حد تا دریای شرقی خواهی پیود و این حد شرقی میباشد.

۱۹ و طرف جنوبی به جانب راست از تامار تا آب مریوت قادش و نهر (و دریای

- بزرگ و این طرف جنوبی به جانب راست خواهد بود.
- ۲۰ و طرف غربی دریای بزرگ از حدی که مقابل مدخل حمات است خواهد بود و این جانب غربی باشد.
- ۲۱ پس این زمین را برای خود بر حسب اسباط اسرائیل تقسیم خواهید نمود.
- ۲۲ و آن را برای خود و برای غربیانی که در میان شما ما و گریزند و در میان شما اولاد بهم رسانند به قرعه تقسیم خواهید کرد و ایشان نزد شما مثل متوطنان بنی اسرائیل خواهند بود و با شما در میان اسباط اسرائیل میراث خواهند یافت.
- ۲۳ و خداوند یهوه میفرماید: در هر سبط که شخصی غریب در آن ساکن باشد، در همان ملک خود را خواهد یافت.

قسمت زمینها

- «این است نامهای اسباط: از طرف شمال تا جانب حتلون و مدخل حمات و حصر عینان نزد سر حد شمالی دمشق تا جانب حمات حد آنها از مشرق تا مغرب. برای دان یک قسمت.
- ۲ و نزد حد دان از طرف مشرق تا طرف مغرب برای اشیریک قسمت.
- ۳ و نزد حد اشیرا از طرف مشرق تا طرف مغرب برای نفتالی یک قسمت.
- ۴ و نزد حد نفتالی از طرف مشرق تا طرف مغرب برای منسی یک قسمت.
- ۵ و نزد حد منسی از طرف مشرق تا طرف مغرب برای افرایم یک قسمت.
- ۶ و نزد حد افرایم از طرف مشرق تا طرف مغرب برای رثو بین یک قسمت.
- ۷ و نزد حد رثو بین از طرف مشرق تا طرف مغرب برای یهودا یک قسمت.
- ۸ و نزد حد یهودا از طرف مشرق تا طرف مغرب هدیه‌های که میگذرانید خواهد بود که عرضش بیست و پنجهزار)ی (و طولش از جانب مشرق تا جانب مغرب موافق یکی از این قسمت‌ها باشد و مقدس در میانش خواهد بود.
- ۹ و طول این هدیه‌های که برای خداوند میگذرانید بیست و پنج هزار)ی (و عرضش ده هزار)ی (و اهد بود.
- ۱۰ و این هدیه مقدس برای اینان یعنی برای کاهنان مییاشد و طولش بطرف شمال بیست و پنجهزار و عرضش بطرف مغرب ده هزار و عرضش بطرف مشرق ده هزار و طولش بطرف جنوب بیست و پنجهزار)ی (مییاشد و مقدس خداوند در میانش خواهد بود.

۱۱ و این برای کاهنان مقدس از بنی صادوق که ودیعت مرا نگاه داشته‌اند خواهد بود، زیرا ایشان هنگامی که بنیاسرائیل گمراه شدند و لاویان نیز ضلالت ورزیدند، گمراه نگردیدند.

۱۲ لهذا این برای ایشان از هدیه زمین، هدیه قدس اقداس به پهلوی سرحد لاویان خواهد بود.

۱۳ و مقابل حد کاهنان حصهای که طولش بیست و پنجزار و عرضش ده هزار (ی باشد) برای لاویان خواهد بود، پس طول تماش بیست و پنجزار و عرضش ده هزار (ی خواهد بود).

۱۴ و از آن چیزی نخواهند فروخت و مبادله نخواهند نمود و نوبرهای زمین صرف دیگران نخواهد شد زیرا که برای خداوند مقدس میباشد.

۱۵ و پنجزار (ی که از عرضش مقابل آن بیست و پنجزار (ی) باقی میماند عام خواهد بود، به جهت شهر و مسکن ها و نواحی شهر. و شهر در وسطش خواهد بود.

۱۶ و پیمایشهای آن این است: بطرف شمال چهار هزار و پانصد و بطرف جنوب چهار هزار و پانصد و به طرف مشرق چهار هزار و پانصد و به طرف مغرب چهار هزار و پانصد (راع).

□□ و نواحی شهر بطرف شمال دو بیست و پنجاه و بطرف جنوب دو بیست و پنجاه و بطرف مشرق دو بیست و پنجاه و بطرف مغرب دو بیست و پنجاه خواهد بود.

۱۸ و آنچه از طولش مقابل هدیه مقدس باقی میماند بطرف مشرق ده هزار و بطرف مغرب ده هزار (ی) خواهد بود و این مقابل هدیه مقدس باشد و محصولش خوراک آنانی که در شهر کار می کنند خواهد بود.

۱۹ و کارکنان شهر از همه اسباط اسرائیل آن را کشت خواهند کرد.

۲۰ پس تمامی هدیه بیست و پنجزار در بیست و پنجزار (ی) باشد این هدیه مقدس را با ملک شهر مرع خواهید گذرانید.

۲۱ و بقیه آن بهر دو طرف هدیه مقدس و ملک شهر از آن رئیس خواهد بود؛ و این حصه رئیس نزد حد شرقی در برابر آن بیست و پنجزار (ی) (هدیه و نزد حد غربی هم برابر بیست و پنجزار (ی) هدیه (و) خواهد بود؛ و هدیه مقدس و مقدس خانه در میانش خواهد بود.

۲۲ و از ملک لاویان و از ملک شهر که در میان ملک رئیس است، حصهای در میان حدیود او حد بنیامین از آن رئیس خواهد بود.

- ۲۳ واما برای بقیه اسباط از طرف مشرق تا طرف مغرب برای بنیامین یک قسمت.
- ۲۴ و نزد حد بنیامین از طرف مشرق تا طرف مغرب برای شمعون یک قسمت.
- ۲۵ و نزد حد شمعون از طرف مشرق تا طرف مغرب برای یساکار یک قسمت.
- ۲۶ و نزد حد یساکار از طرف مشرق تا طرف مغرب برای زبولون یک قسمت.
- ۲۷ و نزد حد زبولون از طرف مشرق تا طرف مغرب برای جدایک قسمت.
- ۲۸ و نزد حد جدایک از طرف جنوب به جانب راست حد) مین (از تمار تا آب مر بیه قادش و نهر) صر (و دریای بزرگ خواهد بود.»
- خداوند یهوه میگوید: «بن است زمینی که برای اسباط اسرائیل به ملکیت تقسیم خواهید کرد و قسمت های ایشان این میباشد.
- ۳۰ و این است مخرج های شهر بطرف شمال چهار هزار و پانصد پیمایش.
- ۳۱ و دروازه های شهر موافق نامهای اسباط اسرائیل باشد یعنی سه دروازه بطرف شمال.
- دروازه روثوبین یک و دروازه یهودایک و دروازه لای یک.
- ۳۲ و بطرف مشرق چهار هزار و پانصد) ی (و سه دروازه یعنی دروازه یوسف یک و دروازه بنیامین یک و دروازه دان یک.
- ۳۳ و بطرف جنوب چهار هزار و پانصد پیمایش و سه دروازه یعنی دروازه شمعون یک و دروازه یساکار یک و دروازه زبولون یک.
- ۳۴ و بطرف مغرب چهار هزار و پانصد) ی (و سه دروازه یعنی دروازه جدایک و دروازه اشیریک و دروازه نفتالی یک.
- ۳۵ و محیطش هجده هزار) ی (میباشد و اسم شهر آن روز یهوه شمه خواهد بود.»

cix

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f